

راز حجاب

به سفارش ستاد امر به معروف و نهی از منکر

مسعود صفی‌یاری

رازحجاب

مشخصات کتاب

سرشناسه : صفی یاری، مسعود، 1347 -

عنوان و نام پدیدآور : راز حجاب / مسعود صفی یاری؛ به سفارش ستاد احیاء امر به معروف و نهی از منکر.

مشخصات نشر : قم: انتشارات نور السجاد، 1389.

مشخصات ظاهری : 224 ص.؛ 14 × 14 س م.

شابک : 20000ریال: 978-600-5220-36-0 ؛ 11000ریال: چاپ اول: 978-600-5220-36-0 ؛ 75000ریال (چاپ نهم)

وضعیت فهرست نویسی : فاپا (چاپ دوم)

یادداشت : چاپ اول: 1388.

یادداشت : چاپ دوم.

یادداشت : چاپ نهم: 1394.

یادداشت : کتابنامه: ص. 222 - 224.

موضوع : حجاب

موضوع : حجاب -- تاثیر

موضوع : حجاب -- جنبه های اجتماعی

شناسه افزوده : ستاد احیاء امر به معروف و نهی از منکر

رده بندی کنگره : BP230/17/ص73ر2 1389

رده بندی دیویی : 297/636

شماره کتابشناسی ملی : 1878489

به سفارش: ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر و پژوهشکده امر به معروف و نهی از منکر

ص: 1

اشاره

ص: 2

ص: 3

ص: 4

فهرست مطالب

طلیعه.....10

مقدمه 11

فصل اول: حجاب در اسلام

تعریف واژه حجاب 15

مسلمان بی حجاب 16

حجاب ضروری دین 18

رابطه حجاب و ایمان.....18

حجاب در قرآن 19

فلسفه پوشش 26

تبّرج 28

پیوند حجاب و مسائل اعتقادی 29

جذابیت چهره زنان 29

تکلیف اجباری 30

حد حجاب شرعی 31

لباس های ممنوع 32

جایگاه حجاب در احادیث 34

حجاب، ایمان، انتخاب 37

حجاب در محیط های زنانه 38
تناقص بین حجاب و نماز 39
حجاب و عقل 41
زنان شیطان صفت 42
بانوان نمونه 44
اسلام و آراستگی 47
فصل دوم: حجاب در آیینه تاریخ
حجاب و فطرت 53
حجاب در ادیان و ملل مختلف 54
تاریخچه برهنگی در غرب 55
حجاب در ایران 58
خروش یک عالم ربانی 61
واقعه مسجد گوهرشاد 63
محمد رضا پهلوی، ادامه سیاست ننگین پدر 64
انقلاب اسلامی، تجدیدحیات حجاب 65
حجاب عفیفانه، برترین پوشش 65
فصل سوم: حجاب و اخلاق
بی حجابی و فساد اخلاقی 71
نقش گروه های مرجع در حجاب و بی حجابی 72

حجاب و حساسیت مردها 73
حجاب و التهاب های جنسی 76
حجاب و خود سازی زن 79
ص: 6

هماهنگی ظاهر و باطن 80
حجاب و غیرت 82
جلوه های مختلف غیرت 83
اوج بی غیرتی 86
بی غیرتی در غرب 87
توهین چرا؟ 89
حجاب و استحکام خانواده 92
پیامدهای بی حجابی در خانواده 94
حجاب امری قدسی 97
قلب پاک 97
زیباترین جلوه آفرینش 99
محدودیت بیشتر، حرص فزون تر 100
فصل چهارم: حجاب در دنیای امروز
حجاب در دنیای مدرن 105
مدگرایی در روایات 107
پیشینه مدگرایی 110
آیا مدگرایی بد است؟ 113
تنوع و مدگرایی 120
حجاب و اندیشمندان 121

جایگاه لباس در جهانبینی غرب 125
حجاب و محدودیت 130
چرا فقط زنان؟ 131
سختی حجاب 132

چرا چادر؟ 134
چادر مشکی و کراهت شرعی 137
چرا چادر مشکی؟! 139
باز هم چادر مشکی.....140
چادر در قرآن 141
فصل پنجم: حجاب از زوایای گوناگون
حجاب و فرهنگ 145
ریشه های فرهنگی، پدیده بی حجابی 146
حجاب و کارکرد اجتماعی 148
حجاب و محدودیت های اجتماعی 150
حجاب و ارتباطات 152
حضور اجتماعی بانوان در عصر معصومین: 154
اصلاح محیط 155
تأثیر حجاب در بهداشت روانی جامعه 156
مقبولیت اجتماعی 157
حجاب مردان 158
بی حجابی و عوامل بیولوژیکی 159
حجاب و حاکمیت 162
بی حجابی، جرم حقوقی 164

حجاب و امنیت 165
حجاب و آزادی 167
بی حجابی و انگیزه سیاسی 170
حجاب و سیاست 171

ارتباط نوع پوشش و آرایش و نظام سرمایه داری غرب 175
راز شخصیت زن 178
عادی شدن برهنگی 184
بی حجابی و نشاط روحی 186
بی حجابی معلول خود باختگی 189
جوان و تجربه 189
فرار از حجاب 191
حجاب در نماز 194
فصل ششم: بهانه ها
هیچ اتفاقی برایم نمی افتد 197
تعمیم خطا 198
برادری و خواهری 199
اسیر پول 200
عیسی به دین خود، موسی به دین خود 201
احترام اختیاری 202
رضایت اولیا 203
رضایت شوهر 204
از ما بدتران 205
صدا و سیما 206

فصل هفتم: فقه حجاب

حجاب و احکام شرعی 211

ص: 9

طلیعه

بیست و دوم اردیبهشت 1388 در استان کردستان روزی به یاد ماندنی، حماسی و تجلی پیوند ناگستنی با ولایت به حساب می آید. در این روز مردم باصفا و مهربان کردستان میزبان سلاله پاک پیامبر اسلام، مقام معظم رهبری، حضرت آیت الله خامنه ای(دام ظله العالی) بودند. قدوم مبارک رهبری به خطه سرسبز کردستان حال و هوای روح افزای دیگری را رقم زد؛ بهار ولایت در بهار طبیعت درهم آمیخت و بر دل های بهاری مردان و زنان خون گرم و صمیمی کردستان شکوفه زد. این سفر پربرکت از نظر کمی و کیفی کم نظیر بود و به عنوان نقطه عطفی در تاریخ کردستان و آغازی مبارک برای رشد و شکوفایی و بالندگی استان در عرصه های مختلف، به ویژه در عرصه فرهنگی ثبت و ضبط گردید و روح تازه ای در کالبد مدیران، مسئولین و مردم، به خصوص جوانان غیور دمید. مردم کردستان در هشت روزی که افتخار میزبانی رهبر فرزانه انقلاب را داشتند حماسه ای عظیم و ماندگار آفریدند و با استقبال بی نظیر از مقام عظمای ولایت بیعت ناگسستنی و پایدار خویش به مقام ولایت را به نمایش گذاشتند.

اداره کل تبلیغات اسلامی کردستان به عنوان قطره ای از دریای خروشان مردمِ ولایت مدار کردستان با بهره گیری از برکات سفر مقام معظم رهبریِ(دام ظله العالی) و عملیاتی نمودن اهداف این سفر پرخیر و برکت طرح ها و برنامه های فرهنگی متعددی را در دستور کار قرارداد که یکی از آن برنامه ها تولید و حمایت از تدوین و نشر کتاب در حوزه های مرتبط با مأموریت ها و وظایف سازمان تبلیغات اسلامی است. کتاب حاضر به همت این اداره کل و از محل اعتبارات سفر مقام معظم رهبری به زیور طبع آراسته و تقدیم حضور علاقه مندان می گردد. امید است توانسته باشیم در حفظ و حراست از ارزش های اسلامی، گسترش فرهنگ دینی و سیانت از آرمان های امام راحل قدمی هر چند کوچک برداشته باشیم.انشاءالله.

اداره کل تبلیغات اسلامی کردستان

مقدمه

حجاب نماد عزت

پوشش انسان در برابر سرما و گرما و نگاه های شیطانی، یک حرکت فطری، غریزی، عقلی و اسلامی است. از سوی دیگر تلاش شیطان برای برهنگی آدم و حوا، سابقه ای به قدمت حضور آدم و حوا در بهشت دارد. وسوسه های شیطان امروز برای گسترش بی حجابی و بدحجابی چیزی نیست که برای کسی پنهان باشد. برهنگی به بهان های واهی از قبیل؛ ورزش، پیشرفت و ترقی، آزادی، مدگرایی، نشاط روحی و یا تقلید کورکورانه از غرب، هر روز به گونه ای بروز و ظهور می کند. گاه از کودکان معصوم این بدحجابی آغاز می شود. گاه به بهانه مکروه بودن رنگ مشکی، چادر افتخارآمیز بانوان ایران مورد نقد قرار می گیرد، کسانی که به واجب و حرام شرعی عقیده ندارند، از کراهت لباس مشکی سخن می گویند.گاه به طور غیرمستقیم به بی حجابی نشان دانش می دهند و روشنفکری و حجاب را نشان بی سوادی معرفی می کنند.

گاه حجاب مزاحم کار و تولید و خدمت رسانی شناخته می شود. انسان ها نسبت به حجاب سه حالت دارند: «حجاب گرا»، «حجاب گریز» و «حجاب ستیز». حجاب گرایی تمایل قلبی و فطری انسان هاست. انگیزه حجاب ستیزی و بی قیدی در پوشش هم در عموم مردم وجود ندارد، هرچند که «حجاب گریزی» به دلیل غفلت یا ناآگاهی و تقلید بی جا و آداب و عادات اجتماعی، در رفتار برخی افراد ظهور و بروز دارد. ولی «حجاب ستیزی» هدایت شده و حمایت شده، توأم با هجوم فرهنگی تبلیغات رسانه ای و حیله و نیرنگ، و تلاش برای عادی سازی بی حجابی و بدحجابی اقدامی شیطانی است که به قصد گسترش فساد و فلج کردن نسل جوان و غیرت زدایی در دفاع و جهاد و فروش کالاهای آرایشی و مصرفی دنیای غرب انجام می شود. در برابر این اندیشه ها و تلاش های شوم، سیره و رفتار پیامبران الهی و پیشوایان اهل بیت: و فقهای بیدار و اندیشمندان است که بر اهمیت حجاب و پوشش تأکید کرده و صدها اثر علمی، منطقی، فقهی، اجتماعی و تاریخی در این زمینه نگاشته اند. اثر حاضر، که به سفارش ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر و با قلم محقق گرامی آقای مسعود صفی یاری نوشته شده، موضوع حجاب را در قالب پرسش و پاسخ برای دانش آموزان و نسل جوان بیان کرده و«حجاب» را از زوایای گوناگون مورد توجه قرار داده است. این پژوهش، عمیق و ارزشمند و در عین حال روان، زیبا و فشرده تدوین شده است. پژوهشکده امر به

معروف از نویسنده گرامی و ناشر پرتلاش آن سپاسگزاری می کند و دست تمامی مرزبانان فرهنگ اسلام و قرآن را به گرمی می فشارد و دیگر محققان حوزه و دانشگاه را به پژوهش های متقن و کاربردی فرا می خواند.

والسلام

قم- پژوهشکده امر به معروف

یازدهم ذیقعده1430برابر با 8/8/1388

ص: 11

فصل اول:حجاب در اسلام

اشاره

ص: 12

ص: 13

تعریف واژه حجاب

سؤال: تعریف واژه حجاب چیست و چه ار تباطی با پوشش بانوان دارد؟

پاسخ: برای واژه حجاب معانی لغوی مختلفی وارد شده است، از جمله پوشش و آنچه به وسیله آن خود را می پوشانند، منع، حائل بین دو چیز، ستر و در پرده قرار دادن.

هر چند این تعاریف در ظاهر متفاوت هستند، اما در نتیجه همگرایی دارند.

از نگاه شرعی نیز معنای حجاب، بی ارتباط با معنای لغوی نیست، چرا که در اصطلاح دینی، حجاب، به پوشانیدن تمام بدن به جز صورت و دست ها تا مچ توسط زنان اطلاق می شود.

این نوع پوشش جز در برابر محارم برای زنان واجب بوده و جزء تکالیف دینی آنان به حساب می آید.

البته حجاب به معنای شرعی، داری دو بعد ایجابی و سلبی است؛ بُعد ایجابی آن وجوب پوشش بدن طبق محدوده شرعی و بُعد سلبی آن حرمت تبرّج، خود نمایی و جلوه گری در برابر نامحرم است.

بدیهی است حجاب اسلامی با مراعات هر دو بعد ایجابی و سلبی محقق می شود.

مسلمان بی حجاب

سؤال: آیا به زنان بی حجاب می توان گفت که مسلمان نیستند؟

پاسخ: خیر، این نتیجه گیری درست نیست. از نگاه شرعی کسی که به وحدانیت خداوند و رسالت پیامبر(صلّی الله علیه و آله) و آنچه بر ایشان نازل شده شهادت دهد و به عبارت دیگر، شهادتین رابر زبان جاری سازد، مسلمان است و حقوق یک فرد مسلمان را دارا می باشد لکن عمل نکردن به تکالیف دینی از جمله حجاب، دارای عواقب دنیوی و اخروی خاص خود است که شخص به جرم زیر پا گذاشتن آن تکلیف مجازات خواهد گردید و در پیشگاه عدل الهی باید پاسخ گو باشد.

چنانچه در حدیث شریف «معراجیه» آمده است که امیر مؤمنان علی(علیه السّلام) می فرماید:

روزی من و فاطمه به محضر پیامبر(صلّی الله علیه و آله) رسیدیم، ایشان را گریان و محزون دیدیم. سؤال کردیم یا رسول الله چرا محزون و گریانید؟! فرمود:

در سفر معراج زنانی از امتم را در عذابی وحشتناک دیدم. مشاهده و یادآوری آن صحنه برایم ناگوار و متأثر کننده است؛ زنی را دیدم که به موهایش آویزان شده بود و مغز

سرش می جوشید؛ جرم او این بود که در دنیا موهای سرش را از نامحرمان نمی پوشانید.

زنی دیگر گوشت بدن خود را می خورد و دیگری بدن خود را با قیچی های آتشین قطعه قطعه می نمود. جرم آنها این بود که در برابر نامحرمان آرایش کرده و زینت خود

را برای نامحرمان آشکار نموده و به جلوه گری می پرداختند و... .(1)

در حدیث دیگری از رسول اکرم(صلّی الله علیه و آله) آمده است:

دو گروه از امتم اهل آتش عذاب خداوند هستند و من به آنها علاقه ای ندارم؛ کسانی که به مردم ظلم روا می دارند، کسانی که در ضمن پوشیدگی برهنه اند. (لباس کامل و ضخیم ندارند)آنان به شهوت و هوس رانی علاقه مند هستند... (2)

بنابراین، شدت و ضعف حجاب نسبت به اصل مسلمان بودن زن آسیبی نمی رساند اما مسلمانی است فاقد عمل گرایی و به تعبیری دیگر این گونه افراد مسلمان هستند ولی مؤمن نیستند، اسلام آوده اند ولی در مرحله ایمان و عمل به احکام اسلام و تطبیق رفتارهای خویش به آموزش های دین مشکل دارند.

پر واضح است در روز قیامت انسان ها با اعمال و رفتارهای خود سنجیده می شوند نه با ادعاها و اسم و رسم ها.

1- بحارالانوار، ج 8، ص 309.
2- میزان الحکمه، ج 2، ص 259.

حجاب ضروری دین

سؤال: اگر حجاب ضرورت دینی است چرا فقط در برابر نامحرمان لازم است؟!

پاسخ: ضرورت دینی بودن حجاب به این معناست که تکلیفی شرعی است و بی توجهی به آن عواقب اخروی دارد، که نباید نسبت به آن سهل انگاری کرد؛ چنانکه از نگاه فقهای شیعه نیز اصل حکم حجاب از ضروریات دین است و منکر آن حکم منکر ضرورت دین را دارد.(1)

از سوی دیگر یکی از فلسفه های حجاب که در بین آموزه های دینی جایگاه ویژه ای دارد، این است که حجاب مرز بین محرم و نامحرم است، هر چند از نگاه شرعی محارم نیز طبقه بندی شده اند و این گونه نیست که حجاب مختص نامحرمان باشد. بلکه در برابر افراد مَحرم نیز

دارای مراحل و طبقاتی است. به این معنا که زن در برابر شوهر رفتارهایی از خود بروز می دهد که در برابر پدر، برادر و حتی فرزندان و یا بانوان دیگر ارتکاب آن رفتارها زیبنده نیست.

رابطه حجاب و ایمان

سؤال: آیا می توان بین چگونگی حجاب و درجات ایمان اشخاص رابطهَ ای قائل شد؟

1- رساله امام خمینی رحمه الله؛ استفتائات حضرت آیهالله خامنه ای.

پاسخ: این ارتباط از برخی روایات و احادیث به دست می آید. در حدیثی از علی بن ابیطالب(علیه السّلام) می خوانیم:

عَلَیکُم بِالصَّفیق، فَانَّ مَن رَقَّ ثَوبَه رَقَّ دینَه(1)

لباس های ضخیم(ومناسب) بپوشید؛ زیرا کسی که لباسش نازک (و نامناسب) است دین و ایمانش هم نازک(سطحی) است.

در موضوعات مرتبط دیگر، همانند حیا و عفت هم روایات متعددی آمده است که حیا و عفت را جزئی از ایمان می داند.

نوع پوشش و چگونگی آن نمایانگر حالات روحی و میزان تقید شخص و پایبندی او به موازین شرعی است. کسی که با آرایش و جلوه گری و لباس های بدن نما، در معرض نامحرم قرار می گیرد، خود، قضاوت بینند گان مبنی بر فاصله او از اعتقادات دینی و درجات ایمان را رقم می زند. چرا که به تعبیر روایات، ایمان عبارت است از پیمان قلبی، اقرار به زبان و عمل به ارکان. هر یک از این شاخص ها مورد بی توجهی قرار گیرد به همان مقدار از فرهنگ دینی و اخلاقی فاصله پیدا می شود.

حجاب در قرآن

اشاره

سؤال: آیا در قرآن کریم دستوری در موضوع حجاب بانوان آمده است؟

1- وسائل الشیعه، ج 3، ص 357 .

پاسخ: در قرآن کریم آیات متعددی وجود دارد که به طور مستقیم و غیرمستقیم دلالت بر ضرورت پوشش برای بانوان دارد، که فقط به سه مورد آن اشاره می کنیم:

آیه اول:

(یا أَیُّهَا النَّبِیُّ قُلْ لازْواجِکَ وَ بَناتِکَ وَ نِساءِ ْمُؤْمِنِینَ یُدْنِینَ عَلَیْهِنَّ مِنْ جَلاَبِیبِهِنَّ ذلِکَ أَدْنی أَنْ یُعْرَفْنَ فَلا یُؤْذَیْنَ وَ کانَ اللَّهُ غَفُوراً رَحیماً)(1)

ای پیامبر، به زنان و دختران خود و به زنان مؤمن بگو، پوشش های خود را به خود نزدیک تر گیرند، این برای آن است که آنان(به پاک دامنی و عفت) شناخته شوند و مورد آزار و اذیّت قرار نگیرند، وخداوند آمرزنده و مهربان است.

برای درک بهتر مفهوم این آیه شریفه، ابتدا شأن نزول آن را به اختصار بیان می کنیم:

در کتب تفسیر آمده است، در صدر اسلام زنان نیز همپای مردان در نماز جماعت شرکت کرده و نماز را به امامت رسول الله(صلّی الله علیه و آله) به جماعت اقامه می کردند. پس از اتمام نماز جماعت وقتی بانوان از مسجد خارج می شدند مورد تعرّض و مزاحمت برخی از اراذل و اوباش قرار می گرفتند. پس از اینکه زنان، این مشکل را با پیامبر(صلّی الله علیه و آله) در

1- احزاب، آیه 59.

میان گذاشتند، این آیه از طرف خداوند نازل شد و براساس آن، زنان مسلمان موظّف شدند از پوششی به نام«جلباب» استفاده کنند.

جلباب پوشش بلندی بوده که سر تا پای آنان را می پوشاند.(1) با پوشیدن جلباب دو هدف اساسی برای زنان مسلمان محقق شد.

هدف اول: جنبه تکلیفی؛ که بر اساس آن رعایت حجاب و پوشش شرعی انجام تکلیف دینی قلمداد می شد.

هدف دوم: جنبه تفکیکی، که در کنار جنبه تکلیفی حائز اهمیت بسیاری است. به این معنا که حجاب مرزی روشن بین زنان عفیف و غیرعفیف به حساب می آمد. به تعبیری دیگر جلباب به عنوان نشانه و تابلویی برای شناخت زنان اصیل، آزاده و با عفت در اجتماع مطرح گردید.

زنان با استقبال از این فرمان الهی حجاب اسلامی را برای خود برگزیدند و عمل به این آیه برای آنان احساس بزرگی و نشاط روحی و روانی به ارمغان آورد.(2)

آیه دوم:

(وَ قُلْ لِلْمُؤْمِناتِ یَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصارِهِنَّ وَ یَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَ لا یُبْدینَ زینَتَهُنَّ إِلاَّ ما ظَهَرَ مِنْها وَ لْیَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلی جُیُوبِهِنَّ وَ لا یُبْدینَ زینَتَهُنَّ إِلاَّ لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبائِهِنَّ أَوْ آباءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنائِهِنَّ أَوْ أَبْناءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ

1- لسان العرب، ابن منظور، ج1، ص272.
2- پوشش و آرایش از دیدگاه پیامبر اعظم(صلّی الله علیه و آله)، مریم معین الاسلام، ص12.

إِخْوانِهِنَّ أَوْ بَنی إِخْوانِهِنَّ أَوْ بَنی أَخَواتِهِنَّ أَوْ نِسائِهِنَّ أَوْ ما مَلَکَتْ أَیْمانُهُنَّ أَوِ التَّابِعینَ غَیْرِ أُولِی الْإِرْبَهِ مِنَ الرِّجالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذینَ لَمْ یَظْهَرُوا عَلی عَوْراتِ النِّساءِ وَ لا یَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِیُعْلَمَ ما یُخْفینَ مِنْ زینَتِهِنَّ وَتُوبُوا إِلَی اللَّهِ جَمیعاً أَیُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّکُمْ تُفْلِحُونَ)(1)

ای پیامبر به زنان با ایمان بگو، دیدگان خود را (از هر نامحرمی) فرو بندند و پاک دامنی ورزند و زیور آلات خود را آشکار نگردانند، مگر آنچه طبیعتاً آشکار است و باید روسری خود را بر گردن خویش فرو اندازند و زیورهایشان را جز برای شوهرانشان یا پدرانشان یا پدران شوهرانشان یا پسرانشان یا پسران شوهرانشان یا برادرانشان یا پسر برادرانشان یا پسر خواهرانشان یا زنان هم کیش خود یا کنیزان و یا خدمتکاران مرد که (از زن بی نیازند) یا کودکانی که بر عورت های زنان آگاهی ندارند(و اهل تمیز نیستند) آشکار نکنند و پاهای خود را به گونه ای بر زمین نزنند که آنچه از زینتشان نهفته است آشکار شود.

در آیه اول، خداوند بزرگ از زنان مؤمنه می خواهد که پوشش داشته باشند، اما حد پوشش را بیان نفرموده. در این آیه حد پوشش شرعی بانوان و مهم تر از آن دستورهایی برای پوشش عفیفانه و حفظ

1- نور آیه 31.

حریم عفاف و حجاب برای زنان ذکر شده که در ذیل به آنها می پردازیم:

نکته اول: کنترل نگاه: (یغضض من ابصارهن)

زنان مؤمنه براساس دستور قرآن نه تنها نباید زمینه را برای نگاه نامحرمان فراهم کنند، بلکه خود نیز باید از نگاه های حرام پرهیز کرده و هنگام مواجهه با نامحرم نگاهشان را برگیرند. برگرفتن به معنای بستن چشم نیست، چرا که این عمل در تعاملات اجتماعی و مسیر زندگی زنان مؤمنه ایجاد اختلال می کند. بلکه منظور از فرو گرفتن چشم تغییر جهت چشم و کم کردن شعاع دید در مواجهه با نامحرم است. چنانکه مشابه چنین دستوری برای مردان، در مواجهه با زنان نامحرم نیز صادر شده است.(یغض من ابصارهم)

نکته دوم: پاکدامنی:)یحفظن فروجهن(برای زنان با ایمان تنها داشتن پوشش کافی نیست، بلکه علاوه بر آن باید حریم عفت و پاکدامنی خویش را حفظ نمایند و از هر آنچه که حتی احتمال دارد این حریم را لکه دار نماید پرهیز کنند.

نکته سوم: آشکار نکردن زیورآلات و آرایش)و لا یبدین زینتهن(دستور سوم این است که زنان علاوه بر حفظ نگاه و مراقبت بر پاکدامنی، موظف اند زیورآلات و آرایش های خویش را در برابرنامحرم مخفی نمایند. زیبنده یک زن مسلمان نیست که شخصیت خود را آنقدر پایین بیاورد که مانند عروسکی هر لحظه به شکل و رنگی در آید.

نکته چهارم: پوشش کامل) ولیضربن بخمرهن علی جیوبهن(براساس این بخش از آیه، زنان موظفند احکام و آداب شرعی حجاب اسلامی را یاد گرفته، بدان عمل کنند. در آیه اول، دستور استفاده از جلباب، که چیزی مانند چادر امروزی بود، صادر شد تا سرتاپای آنان را بپوشانند. همچنین زاویه دیگری از حجاب مطرح شده و آن پوشش گردن و سینه با روسری(یا مقنعه)است.گویا زنان صدر اسلام حتی با استفاده از جلباب نیز طبق رسم و رسوم آن روز بخشی از گردن، سینه و گوش را نمی پوشاندند و طی این آیه مکلّف شدند این بخش ها را کاملاً با خمار بپوشانند.(1)

نکته پنجم: شناخت و رعایت حریم محرم و نامحرم

در بخش بعدی خداوند متعال به صراحت سخن از محارم و غیر محارم زن می گوید و با ذکر این نکته یادآور می شود که رعایت حجاب همه جا واجب نیست، بلکه در نزد نامحرمان واجب است.

نکته ششم: رفتار عفیفانه) ولا یضربن بارجلهن)

زنان مؤمنه با حجاب نباید طوری رفتار کنند که اصل فلسفه حجاب زیر سؤال برود. حجاب برای زینت نیست، بلکه برای پوشش و مخفی نمودن زیبایی هاست. پس رفتار زن مسلمان هم باید در

1- خمار، به پوشش مخصوصی گفته می شده که اطراف آن، روی سینه ها، گردن و شانه ها را می پوشانده. (مجمع البیان، طبرسی، ج7، ص242).

راستای تقویت فلسفه حجاب باشد. بنابراین، باید مراقب باشد که در راه رفتن توجه نامحرم را جلب ننماید ... .

آیه سوم:

(لا تبرجن تبرج الجاهلیهٔ الاولی((1)

همچون زنان عصر جاهلیت نخست اندام و زینت آلات خویش را در معرض تماشای دیگران قرار ندهید.

در عصر جاهلیت مردم نسبت به عفت و پوشش زنان بی اعتنا و فرهنگ جاهلی آنان بگونه ای بود که از هیچ گونه اختلاط و معاشرت زن با مرد در معابر ومحافل عمومی ممانعتی به عمل نمی آمد، و به این رفتار هم افتخار می کردند. لباس های زنان مناسب نبود و همواره بخش هایی از اندام آنان در معرض نگاه دیگران بود.

زمخشری دراین زمینه می نویسد:

گریبان جامه زنان به حدی گشاد بود که گودی گردن، سینه ها و اطراف آن نمایان بود؛ زنان روسری خود را به پشت سر می بستند و از جلو مکشوف می ماندند. برخی زنان چنان گام برزمین می کوفتند که صدای خلخال هاییشان به گوش دیگران می رسید.(2)

1- احزاب، آیه 33.
2- الکشاف، ج 1، ص 62.

بر خی هم گفته اند که زنان وقتی با مرد غریبی برخورد می کردند، مخصوصاً پاهایشان را تکان داده و به هم می زدند تا با صدای خلخال های پا، توجه آن مرد غریب را به خود جلب نمایند.(1)

خداوند متعال برای از بین بردن این سنت های جاهلی و اصلاح فرهنگ مردم با ابلاغ آیه ای بر پیامبر خویش زنان را برای همیشه از چنین رفتارهای زننده ای برحذر داشت و آنان را از تبرج و خود نمایی در برابر نامحرمان نهی کرد.

فلسفه پوشش

سؤال: فلسفه پوشش در قرآن چیست؟خداوند از تشریع لباس و پوشش چه اهدافی را دنبال می کند؟

پاسخ: همۀ حکمت های تشریع احکام برای هیچ کس جز خداوند معلوم نیست، ولی برخی از این اهداف را می توان از آیات و روایات استنباط کرد؛ به عنوان مثال می فرماید:

(یا بَنی آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنا عَلَیْکُمْ لِباساً یُواری سَوْآتِکُمْ وَ ریشاً وَ لِباسُ التَّقْوی ذلِکَ خَیْرٌ ذلِکَ مِنْ آیاتِ اللَّهِ لَعَلَّهُمْ یَذَّکَّرُونَ)(2)

ای فرزندان آدم، لباسی برای شما فرستادیم که اندام شما را می پوشاند و مایه زینت شماست، اما لباس پرهیزکاری

1- الدرالمنثور، ج 6، ص186.
2- اعراف، آیه 26.

بهتر است؛ اینها همه از آیات خداوند است تا متذکر شوند.

براساس آیه فوق اهداف زیر برای پوشش و لباس مد نظر قرار گرفته است:

1. نشانه ای برای خداشناسی «وذلک من آیات الله... »

2. مخفی نمودن عورت و زشتی ها «یواری سواتکم... »

3. ایجاد نشاط و رشد: کلمه « ریش » به پر پرندگان اطلاق می گردد که به منزله پوشش و لباس بدن آنها و وسیله پرواز و تعالی آنان است. لباس و پوشش هم به پرنده تشبیه شده است.

در آیه ای دیگر آمده است؛

(وَ جَعَلَ لَکُمْ سَرابیلَ تَقیکُمُ الْحَرَّ وَ سَرابیلَ تَقیکُمْ بَأْسَکُمْ

کَذلِکَ یُتِمُّ نِعْمَتَهُ عَلَیْکُمْ لَعَلَّکُمْ تُسْلِمُونَ (1)

و خداوند برای شما پیراهن هایی آفرید که شما را از گرما و سرما حفظ می کنند، و پیراهن هایی که به هنگام جنگ حافظ شماست.

در آیه ای دیگر نیز بر همین مضمون تأکید شده و آمده است:

(وَ عَلَّمْناهُ صَنْعَةَ لَبُوسٍ لَکُمْ لِتُحْصِنَکُمْ مِنْ بَأْسِکُمْ(2)

در این دو آیه دو هدف دیگر قرآنی برای پوشش و لباس مطرح می شود که عبارتند از:

1- نحل، آیه 81.
2- انبیاء، آیه 80.

1. محفوظ ماندن از سرما و گرما؛

لباس همچون سپری بدن را از حرارت گرما و سوز سرما حفظ می کند.

2. محافظت بدن از آسیب ها و خطرات.

تبّرج

سؤال: تبّرج به چه معناست و چرا زنان از آن منع شده اند؟

پاسخ: تبّرج از ماده «برج» به معنای ظهور و آشکار ساختن است و اصطلاحاً به جلوه گری و خود نمایی زن در برابر نامحرمان اطلاق می شود.(1)

وجه مشابهت آن به برج این است که زن زینت آلات، آرایش و اندام خویش را به نمایش می گذارد، همچنانکه « برج» برای همه قابل رؤیت است.

قرآن کریم زنان را از تبرج منع کرده و می فرماید:

(لا تبرجن تبرج الجاهلیه الاولی)ای زنان، مانند زنان عصر جاهلیت (قبل از اسلام) خودنمایی نکنید.

به این معنا که مانند آنان اندام و وسایل زینت خود را در معرض تماشای دیگران قرار ندهید. این دستور، فطرت زنان را که متمایل به

1- التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، حسن مصطفوی، ج1، ص227.

خودنمایی است(1) ، کنترل و هدایت نموده و با انحصار آن به شوهر و زندگی زناشویی از ایجاد فساد و فحشا در جامعه جلو گیری می کند.

پیوند حجاب و مسائل اعتقادی

سؤال: رابطه حجاب با اعتقادات فرد چگونه تبین می شود؟

پاسخ: خداوند انسان را آفرید و تکالیفی برعهده او گذاشت و انسان را مکلف فرمود به دستورهای الهی، اوامر و نواهی، و باید ها ونبایدهای دین عمل نماید، یکی از این تکالیف رعایت حجاب برای بانوان است.

بر این اساس حجاب به عنوان ضروری دین، میوه درخت شناخت و درک انسان از اعتقادات و تکالیف دینی است. کسانی می توانند این میوه را بر فراز وجود خود تحمل کنند که از ریشه های اعتقادی محکمی برخوردار بوده و زندگی خویش را براساس تکلیف محوری بنا کنند.

جذابیت چهره زنان

سؤال: چهره بانوان دارای جذابیت بیشتری نسبت به موی سر آنان است، چگونه اسلام پوشش مو را واجب دانسته، ولی صورت را ترخیص فرموده است؟

1- مقدمه ای بر روانشناسی زن ، ص113.

پاسخ: اسلام دین تعادل است و پیروانش را به امور سخت و طاقت فرسا تکلیف نمی کند. از نگاه اسلام زن نیز عضوی از جامعه بوده و در سازندگی، رشد و تعالی اجتماع نقش کلیدی دارد. بدیهی است در صورتی که پوشاندن چهره نیز بر زنان واجب می شد آنان در تعاملات اجتماعی و انجام وظایف مشروع دچار مشکل و مشقّت می شدند و محدودیتی طاقت فرسا و دست و پاگیر بر آنان تحمیل می شد.

بر این اساس، چهره با شرایطی از باب لطف و قاعده عسر و حرج مشمول حجاب نشده است.

به تعبیر متفکر شهید استاد مطهری؛ اگر شارع مقدس پوشیدن چهره و دو دست را هم واجب می کرد خود به خود شعاع فعالیت زن به اندرون خانه و اجتماعات خاص محدود می شد. (1)

تکلیف اجباری

سؤال: مگر اسلام دین انتخاب و آزادی عقیده نیست؛ مگر در قرآن کریم بر اجباری نبودن دین تأکید نشده است؛ (لا اکراه فی الدین)؛ در دین اجباری نیست. پس چرا بانوان مجبور به رعایت حجاب شده اند؟

پاسخ: نکته مهم و ظریفی که در این موضوع وجود دارد و مورد غفلت واقع شده، این است که؛ آیه (لا اکراه فی الدین) در رابطه با

1- مجموعه آثار، ج19، ص 513.

اصل پذیرفتن دین اسلام است. یعنی پذیرش اسلام و گرویدن به این آیین آسمانی باید براساس انتخاب، آگاهی و گزینش عقلانی باشد. به همین جهت است که از نظر شرعی در اصول دین تقلید جایز نبوده و هر مسلمانی باید اصول دین خود را براساس استدلال تعّمق و تفکّر پذیرفته باشد. ولی پس از پذیرفتن اسلام باید به اصول، فروع و تکالیف آن عمل کرده و به آن پایبند بود. به تعبیر دیگر اقتضای ایمان آوردن به اسلام تقید به انجام واجبات و ترک محرمات است.حجاب نیز یکی از دستورهای دینی است که بانوان موظف به رعایت آن بوده و بی توجهی به آن مستوجب عقاب الهی می گردد.

حد حجاب شرعی

سؤال: از نظر شرعی محدوده حجاب بانوان چیست؟ آیا کف، رو، قوزک و پاشنه پا هم مشمول این محدوده می شود؟

پاسخ: بر بانوانی که به سن تکلیف می رسند شرعاً واجب است که تمام بدن خود را، به استثنای قرص صورت و کفین دست ها تا مچ را، از نامحرم بپوشانند مشروط به اینکه؛

1. صورت و کفین بدون آرایش و زینت باشد.

2.کسی به قصد لذت و ریبه به صورت و کفین آنها نگاه نکند.

البته احتیاط این است که مقداری از صورت و دست ها را هم به عنوان مقدمه علمیه بپوشانند.(1)

بر این اساس بانوان ارجمند باید توجه داشته باشند پوشیدن لباس های آستین کوتاه، نازک و بدن نما در مهمانی ها، مجالس، هنگام خرید، محل کار و نمایان شدن مو، زیر چانه، گردن،گوش، سینه، پا و... که در معرض نگاه نامحرمان است اشکال شرعی دارد. همچانکه بیان گردید فقط صورت و دست ها تا مچ از محدوده حجاب آن هم در صورتی که بدون آرایش باشد و دیگران با قصد لذت به او نگاه نکنند استثناء شده است. بدیهی است اگر صورت و کفین آرایش شده و دارای زینت باشند و یا اینکه بانوان متوجه نگاه حرام و شهوت انگیز نامحرمان به خود شوند، واجب است صورت و دستها هم پوشانده شود. کف دو پاشنه و قوزک پا هم مشمول حجاب بوده و باید از نامحرمان پوشانده شود.

لباس های ممنوع

سؤال: از نظر اسلام چه پوشش های ممنوع است؟

پاسخ: برخی پوشش ها شایسته شأن مسلمانی نیست؛ از جمله:

1. لباس مردانه برای زنان و لباس زنانه برای مردان.

1- رساله مراجع .

2. استفاده زنان از تک لباس، زیرا یک لباس به تنهایی اندام و برجستگی های آنان را نمی پوشد. پیامبر اکرم(صلّی الله علیه و آله)هنگام بیعت با زنان چنین توصیه ای را به آنان فرمود.(1)

3. لباس بیگانگان و دشمنان، که به تدریج هویت و فرهنگ زنان مسلمان را تحت تأثیر قرار داده و فرهنگ پوچی و هوس رانی را به ارمغان می آورد. در حدیثی از رسول اکرم(صلّی الله علیه و آله)آمده است:

کسی که لباس دشمنان را بپوشد گویا جزء آنان شده است.

4. لباس شهرت، لباسی است که پارچه، رنگ، دوخت و یا شیوه پوشیدن آن در جامعه معمول نبوده و به خاطر ویژگی خاص، جلب توجه نموده و انسان را انگشت نما کند. پوشیدن چنین لباسی در اسلام ممنوع شده است. از پیامبر گرامی اسلام روایت شده که:

مَنْ لَبِسَ ثِیَابَ شُهْرَهٍ فِی الدُّنْیَا أَلْبَسَهُ اللَّهُ لِبَاسَ الذُّلِّ یَوْمَ الْقِیَامَه؛(2)

کسی که در دنیا لباس شهرت بپوشد خداوند در روز قیامت بر او لباس خواری و رسوایی خواهد پوشاند.

5. لباس نازک و بدن نما (تنگ)

1- صحیح مسلم، ج 14، ص 76.
2- مکارم الاخلاق، ص116.

بسیاری از تیپ ها، مدل ها و لباس هایی که امروز با اسامی گوناگون در جامعه رواج دارد، مشمول لباس شهرت بوده و باید از آن پرهیز گردد.

جایگاه حجاب در احادیث

سؤال: آیا در روایات معصومین : چارچوب مشخصی برای حجاب تعیین شده است؟

پاسخ: روایات متعددی از حضرات معصومین: درباره جایگاه، چگونگی و ثمرات حجاب برای بانوان وارد شده که برخی از آن را مرور می کنیم: روزی رسول خدا(صلّی الله علیه و آله) خطاب به «أسماء» که لباس نازکی پوشیده بود فرمود:

ای اسماء؛ زن وقتی به سن بلوغ رسید سزاوار نیست چیزی از بدن او دیده شود، مگر این و آن (و اشاره به مچ دست به پایین و صورتشان کردند).(1)

امام صادق(علیه السّلام)می فرمایند:

برای زن مسلمان جایز نیست روسری و پیراهنی بر تن کند که بدنش را نپوشاند(2).

امام علی(علیه السّلام)خطاب به زنان مسلمان می فرمایند:

1- سنن ابی داوود، ج 4، ص 62.
2- وسائل الشیعه، ج 3، ص 281 .

عَلَيْكُمْ بِالصَّفِيقِ مِنَ الثِّيَابِ فَإِنَّهُ مَنْ رَقَّ ثَوْبُهُ رَقَّ دِينُهُ لَا يَقُومَنَّ أَحَدُكُمْ بَيْنَ يَدَىْ رَبِّهِ جَلَّ وَ عَزَّ وَ عَلَيْهِ ثَوْبٌ يَصِفُهُ ثُوبُوا إِلَى اللّهِ وَ ادْخُلُوا فِى مَحَبَّتِهِ؛

بر شما باد به پوشیدن جامه ضخیم، زیرا هر که جامه اش نازک است، دینش نازک است. هیچ یک از شما در حالی که جامه بدن نما در بر دارد، دربرابر پروردگار خود عزّ و جلّ نایستد.(1)

از پیامبر گرامی اسلام (صلّی الله علیه و آله) نیز روایت شده است که؛

هر زنی که به خدا و روز قیامت ایمان دارد زینتش را برای غیر شوهرش آشکار نکرده و موی سر و مچ خود را نمایان نمی سازد. (2)

علی ابن ابیطالب(علیه السّلام)در روایتی دیگر می فرماید:

کسی که در پوشش و آرایش خود را شبیه غیرمسلمان کند از ما نیست. (3)

امام باقر(علیه السّلام)در حدیثی می فرمایند:

جایز نیست زن خود را شبیه مرد نماید زیرا پیامبر مردانی را که خود را (درپوشش و آرایش) شبیه زنان کرده و

1- تحف العقول عن آل الرسول، ص 100.
2- نهج الفصاحه، ص 506.
3- کنز العمال، ج 1، ص 219 .

همچنین زنانی که به لباس و آرایش مردان درمی آیند لعنت کرده است. (1)

و در حدیثی دیگر از امام صادق (علیه السّلام) نقل شده است:

سزاوار نیست زن هنگام راه رفتن لباسش را جمع کرده و پیرامون بدنش فشرده کند (زیرا حجم بدن و برجستگی های اندامش مشخص می گردد). (2)

از حضرت زهرا(علیهاالسّلام) نیز روایت شده که:

خداوند تقرّب زن را از ناحیه حجاب و رعایت حریم محرم و نامحرم قرار داده، زن هر چه بیشتر به مسئله حجاب خود مقیّد باشد به خداوند نزدیکتر خواهد شد.(3)

پیامبر اعظم (صلّی الله علیه و آله)در «حدیث معراج» به تفصیل از عذاب دردناک و وحشتناک زنان بی حجاب و بی عفت خبر می دهد و نسبت به عواقب وحشتناک آن هشدار می دهد. (4)

و در روایتی دیگر رسول خدا(صلّی الله علیه و آله) می فرمایند:

زنانی که با خودنمایی ونمایش زرق و برق و زینت آلات خود به مردها، هوس های آنها را به سوی خود جذب کرده و موهای سرشان را همچون کوهان شتر می آرایند اهل جهنم بوده و حتی بوی بهشت را نخواهند چشید. (5)

1- بحار الانوار، ج 103، ص 208.
2- کافی، ج 5، ص 519.
3- وسائل الشیعه، ج 14، ص 123.
4- بحار الانوار، ج 8، ص 309.
5- فروح کافی، ج 5، ص 1519 .

در حدیثی دیگر از پیامبر(صلّی الله علیه و آله) آمده است:

تمام اندام زن محرک و شهوت انگیز است؛ وقتی زنی از خانه خارج می شود و خود را کاملا نپوشاند شیطان او را احاطه می کند.(1)

حجاب، ایمان، انتخاب

سؤال: از نظر قرآن کریم رعایت حجاب به ایمان افراد واگذار شده و این امری انتخابی است. چرا که در آیه حجاب مردان و زنان مؤمن مخاطب آن قرار داده شده اند. تفهیم آن به همه زنان مسلمان جامعه چه توجیهی دارد؟

پاسخ: از نظر آموزشهای دینی این نوع نگاه به آیات نورانی قرآن کریم و محدود کردن دلالت آن صحیح نیست، زیرا:

اولاً، هر چند ایمان افراد انتخابی و غیر تحمیلی است، اما کسی که آن را انتخاب کرده و به اسلام ایمان آورده باید لوازم آن را نیز بپذیرد. انتخابی بودن ایمان به معنای انتخابی بودن و اجباری بودن اقامه تکالیف دینی نیست.

ثانیاً، آیات فراوانی در قرآن کریم وجود دارد که مؤمنان مورد خطاب قرار گرفته و تکلیف به گردن آنان نهاده شده است که هرگز جنبه شخصی و صنفی ندارد و به اختیار خودشان واگذار نشده، بلکه در صورت ارتکاب دولت می تواند آنها را مجازات کند. مانند:

1- وسائل الشیعه، ج14، ص114.

(یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا لا تَأْکُلُوا الرِّبَوا)(1)

ای مؤمنان، هرگز ربا خواری نکنید.

(یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا لا تَأْکُلُوا أَمْوالَکُمْ بَیْنَکُمْ بِالْباطِلِ) (2)

ای مؤمنان، اموال همدیگر را به باطل و نامشروع نخورید.

آیا این آیات حرمت ربا و خوردن اموال همدیگر را به باطل، فقط مخصوص مؤمنان می داند و دیگران مجاز به ارتکاب آن هستند؟

حجاب در محیط های زنانه

سؤال: اگر حجاب برای آن است که پوششی باشد در برابر نامحرم، پس ا الزام دختران و بانوان به رعایت حجاب در محیط های اختصاصی، مانند دبیرستان های دخترانه چه توجیهی دارد؟

پاسخ: از نظر شرعی پوشش حجاب در جایی که در معرض نامحرم نباشد (به جز نماز) واجب نیست، اما توصیه ای هم به کشف حجاب بخصوص در جاهایی که احتمال مفسده ای غیر از حضور نامحرم دارد، نشده است.

1- آل عمران، آیه 130.
2- نساء، آیه 29.

امروز، بروز مفسده در مجامعی مانند دبیرستان ها و محیط های حتی کاملاً زنانه دور از انتظار نیست. فیلم برداری ها و عکس برداری های مخفیانه ای که از محافل خصوصی بانوان شده وسپس در سی دی، اینترنت یا ماهواره در معرض دید همگان گذاشته شده، نمونه ای از احتمال مفسده ای است که در این خصوص وجود دارد. عقل و شرع حکم می کند در جایی که حتی احتمال مفسده می رود باید احتیاط کرد.

علاوه بر این، پوشش در مدارس دخترانه اجبار قانونی دارد و از ضوابط حاکم بر آموزش وپرورش است و لباس فرم دانش آموز محسوب می شود. طبیعی است احترام به قانون جزء الزامات فردی و اجتماعی هر شخص است و باید نسبت به آن پایبند بود.

تناقص بین حجاب و نماز

سؤال: حجاب و نماز هر دو جزء ضروریات دینی هستند، اما تاکنون کسی را به جرم بی نمازی و کم توجهی به نماز مورد بازخواست دنیوی قرار نداده اند؛ در حالی که به خاطرحجاب، چنین بازخواست هایی صورت گرفته و افرادی به جرم بی حجابی دستگیر و مجازات می شوند، دلیل این تناقض چیست؟

ص: 38

پاسخ: حجاب و نماز هر دو از ضروریات دینی هستند، اما مثل موارد دیگر تفاوت هایی با هم دارند، که همین تفاوت ها باعث تفاوت در واکنش و رفتارها می گردد.

یکی از این تفاوتها توجه ویژه به بعد اجتماعی حجاب است. هر چند نماز از ابعاد متعددی قابل بررسی و تحلیل است، ابعاد فردی،اجتماعی، اخلاقی و ... اما نهایتاً نماز رابطه ای است بین بنده و خالق و جنبه خودسازی فردی آن به نوعی بر جنبه های دیگر غلبه می کند، اگر چه جامعه نیز از اخلاق و رفتار نیک و شایسته شخص نماز گزار بهره مند شده و جامعه با نماز جامعه ای نورانی، پاک وسالم خواهد بود. و این تحلیل از جایگاه برجسته و کلیدی نماز در مبانی اعتقادی مسلمانان، نمی کاهد. اما حجاب دارای بازخوردهای اساسی اجتماعی است که بی توجهی به آن منجر به سقوط اخلاقی فرد و جامعه می شود.

روزه هم این چنین است؛ در شرع مقدس اسلام برای شخص بی نماز و یا سهل انگار به نماز مجازات دنیوی در لحاظ نگشته و عواقب بسیار وحشتناک اخروی برای این چنین افرادی در نظر گرفته شده است اما شخص روزه خوار با شرایطی علاوه برقضا هم باید به خاطر روزه خواری در دنیا کفاره بدهد و هم مستوجب شلاق خواهد بود و هم عذاب اخروی را خواهد چشید چرا که جنبه اجتماعی روزه حائز اهمیت است.

به تعبیری دیگر، بی حجابی دارای آثار ملموس و مخرب اجتماعی است و چون بیماری مسری جامعه را تهدید می کند. به همین جهت

حکومت اسلامی موظف است با آن برخورد کرده و جامعه را از این آفت مصون سازد.

حجاب و عقل

سؤال: از مبانی دینی استفاده می شود که هر چه شرع مقدس اسلام به آن حکم فرموده مورد تأیید عقل نیز می باشد. مستندات عقلی لزوم حجاب برای زنان کدام است؟

پاسخ: عقل سلیم ایجاب می کند که انسان همواره خود را از خطرات و آسیب های هر چند احتمالی حفظ نموده و از ورود به عرصه هایی که دین شخصیت، آبرو، جان، مال و خانواده او را تهدید می کند پرهیز نماید.

از سوی دیگر عقل اقتضا دارد که انسان سلیم النفس از سرمایه های، مادی و معنوی، استعداد و جایگاه والای انسانی خود استفاده بهینه نموده و آن را هدر ندهد. همچنین عقل حکم می کند در تعارض مصالح فردی و حقوق اجتماعی جامعه مقدم شده و از خواست شخص صرف نظر گردد.

بر این اساس زن، که دارای شخصیت و جایگاه بزرگی در دستگاه آفرینش بوده و تابلو زیبای خلقت است، نباید خود را در معرض خطرات و آسیب های جسمی و روحی ناشی از بی حجابی قرار دهد و عمر عزیز و سرمایه خود را به جای صرف در پوچ گرایی مصرف زدگی و تقلید گرایی محض از بیگانگان و اسارت نفس و بردگی هوس در بندگی خدا، نیل به تمایلات معنوی، حیاء، عفت،

تقوای الهی و نهایتا سعادتمندی دنیا و آخرت هزینه کرده و حرمت و احترام جامعه اسلامی و موازین اخلاقی را بیش از پیش نگاه دارد.

زنان شیطان صفت

سؤال: آیا می توان نوعی رابطه بین بی حجابی و شیطان صفتی را ثابت کرد؟

پاسخ: خداوند بزرگ در قرآن کریم می فرماید:

(یا بَنی آدَمَ لا یَفْتِنَنَّکُمُ الشَّیْطانُ کَما أَخْرَجَ أَبَوَیْکُمْ مِنَ الْجَنَّهِ یَنْزِعُ عَنْهُما لِباسَهُما لِیُرِیَهُما سَوْآتِهِما)(1)

ای فرزندان آدم، شیطان شما را نفریبد آنچنان که پدر و مادر شما (آدم و حوا) را فریفت و از بهشت شان بیرون ساخت و لباس آنها را ازاندامشان بیرون کرد تا عورت آنها را نمایان سازد.

در این آیه نکات ظریف و قابل تأملی وجود دارد، که عبارتند از:

- اولین کسی که برهنگی را ایجاد کرد و تلاش و کوشش خود را در این مورد به کار برد شیطان است.

- هدف او از وسوسه و عریانی آن بود که آبرویی برای بشر نگذارد.کسانی که امروز مروّج و مؤسس برهنگی نوین هستند همان هدف شیطانی را دنبال می کنند.

1- اعراف، آیه 27.

- بی حجاب و برهنه، فریب خورده است و در صورت عدم بازگشت سربازان شیطان خواهند بود. امام صادق(علیه السّلام)می فرماید:

{ لَیْسَ لِإِبْلِیسَ جُنْدٌ أَشَدَّ مِنَ النِّسَاءِ وَ الْغَضَب)(1)

برای شیطان سربازانی محکم تر از زن (بی حجاب و بی ایمان) و غضب وجود ندارد.

و پیامبر اعظم (صلّی الله علیه و آله)چنین می فرماید:

اَوْثَقُ سِلاحُ ابلیس النِّساء؛(2)

مطمئن ترین اسلحه برای شیطان زنان (بی عفت و نمایان) هستند.

در روایت دیگری آمده است:

شیطان به یک زن بی تقوا و بی عفت گفت: تو نصف سپاه من هستی. تو تیری هستی در کمان من که هر وقت آن را بیندارم خطا نمی رود. تو محرم اسرار من و مأمور ویژه من در فعالیت ها و کارهایم هستی. (3)

و پیامبر اسلام(صلّی الله علیه و آله)زنان شیطان صفت را چنین ترسیم می کند:

ان المراه تقبل فی صوره شیطان وتدبر فی صوره شیطان فاذا رأی احدکم امراه فاعجبته فلیأت اهله فانّ ذلک یرّد ما فی نفسه.(4)

1- فروع کافی، ج 5، ص 515؛ بحار الأنوار، ج 75، ص190؛ تحف العقول، ص 357.
2- نهج الفصاحه، ص 196.
3- محجة البیضاء ج 5، ص 177.
4- بحارالانوار، ج 63، ص 229.

زن (بد و فاسد الاخلاق) به صورت شیطان می آید و به صورت شیطان می رود. وقتی یکی از شما زنی دید که او را به شگفت آورد. پیش همسر خود رود. زیرا با این کار منظره و خاطره آن زن از دلش بیرون می رود.

در گفت وگوی ابلیس با حضرت یحیی(علیه السّلام)، هم بر این نکته تأکید شده است که وقتی حضرت از ابلیس پرسید:

چگونه مردم را گمراه می کنی؟ گفت: زنان بی حجاب و بی عفت بهترین دام و اسلحه برای ایجاد فساد و انحراف هستند. پس شیطان افزود: چنین زنانی نور چشم و آرامش دلم هستند. (1)

بانوان نمونه

سؤال: بارها شنیده و خوانده ایم که بانوان در امر حجاب به زنان صدر اسلام، از جمله حضرت زهرا (علیهاالسّلام) و حضرت زینب کبری و... اقتدا کنند. سیره آن بزرگواران در امر حجاب چگونه بوده و از چه پوششی برخوردار بوده اند؟

پاسخ: در روایات آمده است که وقتی حضرت زهرا(علیهاالسّلام) از خانه خارج می شد از خمار(روسری یا مقنعه) و جلباب (پوششی سراسری مانند چادر) استفاده می کرد. در برخی روایات اشاره به این نکته شده است که پایین چادر حضرت روی زمین کشیده می شد.(2)

1- همان، ج 14، ص 173.
2- الاحتجاج، طبرسی، ج 1، ص 98.

بر اساس گزارش های تاریخی، هنگامی که حضرت می خواست به مسجد برود و در دفاع از و ولایت و حقوق اهل بیت: سخن بگوید، مقنعه اش را پوشید، خود را در میان عبا (چادر) قرار داد و سر و صورت و اعضای بدنش را پوشاند، لباس هایش به گونه ای بود که هنگام راه رفتن پایش را بر دامن آن می نهاد و درمیان حلقه ای از زنان راهی مسجد شد. در مسجد، پرده ای مقابل حضرت کشیدند و سپس ایشان پشت پرده نشست و سخنرانی کرد. (1)

در فراز دیگری از تاریخ زندگی حضرت می خوانیم:

در روزهای آخر عمر مبارک خویش نگرانی داشت از اینکه هنگام حمل جنازه نامحرمان اندام و حجم بدن حضرت را رؤیت کنند. به این خاطر در وصیت خویش نوشت: برای من تابوتی تهیه کنید که هنگام تشیع جنازه ام حجم بدنم پیدا نباشد.(2)

این درخواست در زمانی مطرح شد که تا آن روز جنازه مسلمانی در تابوت تشییع نشده بود. امام صادق(علیه السّلام)می فرماید:

در اسلام اولین کسی که جنازه اش با تابوت حمل شد، (تابوتی که حجم جنازه در آن پیدا نبود)حضرت فاطمه(علیهاالسّلام)دختر پیغمبر(صلّی الله علیه و آله)بود.(3)

1- همان.
2- بحار الانوار، ج 43، ص 192.
3- وسائل الشیعه، ج 2، ص 876.

بنابراین، حضرت زهرا(علیهاالسّلام) در حجاب و عفت نیز همچون همه فضائل اخلاقی دیگر نمونه و اسوه بوده و در عمل به این فرمان الهی پیشتار بود. از رفتار عفیفانه حضرت زهرا(علیهاالسّلام) به خوبی روشن می شود که حجاب مورد نظر آن حضرت صرفاً پوشش اعضای بدن نیست، بلکه چیزی فراتر از آن، یعنی نمایان نشدن برجستگی های بدن نیز باید مدنظر قرار گیرد.

حضرت زینب(علیهاالسّلام)دختر بزرگوار آن حضرت هم که در دامن پر فیض علی(علیه السّلام)و فاطمه(علیهاالسّلام)تربیت شده، در تمامی زمینه های عبودیت و بندگی، بخصوص حجاب و عفاف، الگویی تمام عیار برای زنان و حتی مردان است. جلوه بارز این سخن خطبه آتشین زینب(علیهاالسّلام) در کاخ یزید است. زنی اسیر، داغ دیده، مصیبت دیده، زیر شکنجه های جسمی و روحی شدید؛ با مسئولیت دهها طفل یتیم و زن اسیر، اما چیزی که بیشتر از همه این مصیبت ها او را آزار می دهد همان است که در فرازی از خطبه اش خطاب به یزید آمده است که:

ای یزید! آیا این عدا لت است که زنان و کنیزان خود را در پشت پرده و مکان مناسب قرار دهی، ولی دختران رسول خدا(صلّی الله علیه و آله) را در حال اسیری به این سو و آن سو بکشانی و پرده و پوشش آنها را از بین ببری و چهره ایشان را نمایان کنی؟!(1)

1- لهوف، ص 106.

اسلام و آراستگی

سؤال: مگر اسلام دین نظافت، پاکی و آراستگی نیست، پس چگونه با آراستگی زنان مخالفت شده است؟

پاسخ: علاقه به آراستگی و آرایش امری طبیعی و فطری است و بخصوص گرایش فطری زن به آرایش آثار روانی بسیار مثبتی بر وی دارد و از سوی دیگر بی میلی به آراسته بودن نشانه اختلال شخصیتی و روانی فرد می باشد.

رسول خدا(صلّی الله علیه و آله) پیشتاز و الگوی آراستگی و نظافت بوده و بخصوص هنگام خروج از منزل در مقابل آیینه موهای خود را شانه نموده، از عطرهای خوشبو استفاده کرده، لباس های نظیف و مرتب پوشیده و به دیگران نیز سفارش فرموده که چنین باشند.

پس اصل آراسته بودن در اسلام مطلوب بوده و مورد تأکید قرار گرفته است، لکن این موضوع نیز همانند سایر موارد حد و مرز و شرایطی دارد.

در اسلام آراستگی و آرایش برای زنان مجاز است، امّا نه در معرض نامحرمان و بیگانگان، آرایش و آراستگی زن باید برای تحکیم بنیان خانواده و گرم تر شدن آن باشد. جلوه گری، نمایش زیبایی ها و آریش های زن در برابر نامحرم هم با مصالح خود او در تضاد است و هم به جامعه لطمه وارد می کند.

از نگاه اسلام، آرایش زن مخصوص شوهر و حریم اوست، از این رو شرع مقدس اسلام به زن اجازه نداده با آرایش و زینت خود را در معرض نا محرمان قرار دهد.

در روایات نیز موارد متعددی در خصوص نهی بانوان از خودنمایی و جلوه گری وجود دارد. از جمله امام صادق (علیه السّلام) از رسول خدا(صلّی الله علیه و آله)روایت می کند:

(أَیُّمَا امْرَأَهٍ تَطَیَّبَتْ ثُمَّ خَرَجَتْ مِنْ بَیْتِهَا فَهِیَ تُلْعَنُ حَتَّی تَرْجِعَ إِلَی بَیْتِهَا مَتَی مَا رَجَعَت)(1)

هر زنی که خود را خوشبو نموده (و با آرایش) از خانه خارج گردد، تا وقتی که به خانه باز گردد یکسره مورد لعن و نفرین خداوند و فرشتگان است.

درمقابل زنان را موظف نموده برای شوهر خویش نهایت آرایش، زینت، جلوه گری و عشوه گری را داشته باشند. اسلام آن قدر به این نکته توجه دارد که حتی به زن داغدیده اجازه ترک آرایش و زینت برای شوهر را بیش از سه روز نداده است.(2)

پیامبر اکرم(صلّی الله علیه و آله) به زنی آرایش گر به نام «ام عطیّه» توصیه می کند که برای پاک کردن صورت دختران و زنانی که برای آرایش نزد وی می آیند از پارچه پاره استفاده نکند. چرا که پارچه پاره جلوه و شادابی چهره را زایل می نماید.(3)

آن حضرت به زن آرایش گر دیگری فرمود: گیسوی زنان را به هم گره مزن چرا که زیبایی آنان را کاهش می دهد.(4)

1- وسائل الشیعه، ج 14، ص 114؛ مکارم الأخلاق، ص41.
2- پوشش و آرایش، ص 55.
3- کافی، ج 5، ص 118.
4- همان، ص 119.

نبی اکرم اسلام(صلّی الله علیه و آله)آنقدر به ظرافت های زنان توجه داشت که علی رغم دستور به مردان برای کوتاه نمودن ناخن، زنان را در بلند کردن ناخن رخصت داده و فرموده است؛ زنان ناخن هایشان را کمی بلند نگه دارند چرا که این کار نوعی زینت به حساب می آید.(1)

رهنمودهای پیامبر اعظم(صلّی الله علیه و آله) درباره نوع عطر مردان و زنان نیز جالب است. آن حضرت می فرماید: عطر زنانه باید خوش رنگ و دارای بوی ملایم باشد و عطر مردانه باید کم رنگ و از بوی تند برخوردار باشد.(2)

رسول خدا(صلّی الله علیه و آله)به زنان متأهل توصیه می نماید که موهای خود را با رنگ بیارایند و به دختران مجرد سفارش می کند تا دست های خویش را حنا نمایند؛ تا از دست های مردان متمایز باشند.(3)

بنابراین، اسلام طرفدار زینت و آرایش زنان بوده و بر آراستگی آنان تأکید دارد، اما در چهار چوب خانواده و با حفظ حریم شرعی و احترام به حقوق شوهر.

1- وسائل الشیعه، ج 1، باب 81.
2- همان، ج 1، ص 444.
3- همان، ج 1، ص 444.

ص: 49

ص: 50

ص: 51

فصل دوم :حجاب در آیینه تاریخ

اشاره

ص: 52

حجاب و فطرت

سؤال: با توجه به اینکه گفته می شود حجاب امری فطری است؛ بانوان فاقد حجاب چگونه بر خلاف فطرت خود عمل می کنند؟

پاسخ: سرشت اصیل و پاک انسان با برهنگی نامأنوس بوده و آن را ناپسند شمرده، پوشش را ارزش و برهنگی را ضد ارزش تلقی می کند. انسان سلیم النفس همواره به خوبی ها و فضائل روی می آورد و از بدی ها و زشتی ها می گریزد و برهنگی در جرگه فضائل نمی گنجد.

خداوند بزرگ در قرآن کریم همین نکته را مورد تاکید قرار داده و با بیان داستان آدم و حوا و استفاده آنان از شجره نهی شده و در نتیجه برهنگی آنان می فرماید:

{یَخْصِفَان عَلَیْهِمَا منْ وَرَق الْجَنَه}

در عین حالی که به جز آدم و حوا انسان دیگری وجود نداشت و کسی نظاره گر آنان نبود، اما فطرت انسانی، شرم و حیای آنان، آن دو را وا داشت تا از برگ های پهن برای خود تن پوشی تهیه کنند و خویشتن را با آن بپوشانند. این اقدام صرفاً با انگیزه فطری صورت پذیرفت چرا که در آن موقعیت هنوز شریعت و دستورات اعتقادی خاص که معیارهای یک آیین را داشته باشد مقرر نگشته بود. در مراحل بعد ادیان و شرایع الهی آمدند و این ندای فطری را تقویت و تأیید نمودند. هر چند با کمال تأسف باید گفت، غبار گناه و

معصیت چشم حقیقت بین برخی انسان ها را کور نموده و فطرت آنان را آلوده کرده و از ندای پاک باطنی دور ساخته است.

حجاب در ادیان و ملل مختلف

سؤال: آیا حجاب از دستورهای اختصاصی اسلام است، یا در ادیان و ملل دیگر هم سابقه دارد؟

پاسخ: اصل حجاب و پوشش امری فطری است و با خلقت بشر سرشته است، در فرهنگ های مختلف دیگر نیز پوشش هر چند فراز و نشیب ها و شدت وضعف هایی داشته، اما در اصل آن تردیدی نبوده و هیچ وقت به طور کامل از بین نرفته است. شواهد تاریخی نشان می دهد، پوشش زن در برخی ملل مانند یونان، ایران باستان و برخی اقوام هند بسیار پر رنگ و سخت بوده است. همچنین شواهدی بر وجود نوعی پوشش در بین زنان از چهارصد سال پیش از میلاد حکایت داشته و براساس آثار به جا مانده، ضرورت پوشش زنان صرفاً از جهت سرما و گرما نبوده، بلکه علت اصلی انتخاب پوشش برای زنان، شرم و حیای ذاتی بوده که وجود داشته است.

ادیان توحیدی پیش از اسلام نیز همگی بر پوشش زنان متناسب با فرهنگ و آداب زمان خویش تأکید داشته اند. چنانکه پوشاندن موی سر و داشتن لباسی بلند و شلوار و نوعی چادر در آیین زرتشت وجود داشته است. در دین یهود و کتاب های مربوط به آنان به صراحت در مورد لزوم پوشش برای زنان سخن به میان آمده، بی حجابی زن را

مجوزی برای طلاق او از سوی مرد دانسته اند. از نظر مسیحیت نیز حجاب، حکمی الهی و ضروری تلقی شده است.

حتی در عصر جاهلیت قبل از اسلام، مردم علی رغم آن همه جهالت و توحش، به نوعی پوشش برای زنان اعتقاد داشته و آن را ضروری می دانسته اند و نهایتاً اسلام به عنوان کامل ترین و مترقی ترین آیین آسمانی حجاب را قانونمند کرد، حدو مرز آن را تعیین نمود و توسط پیامبر(صلّی الله علیه و آله)به عنوان ارمغانی ارزنده برای بشریت ابلاغ شد.

تاریخچه برهنگی در غرب

سؤال: برهنگی چگونه و در چه زمانی در غرب رواج یافت؟

پاسخ: اولین گام برهنگی از دوره رنسانس آغاز گردید. به این شرح که با شروع رنسانس تعریف و تفسیر جدیدی از انسان کامل ارائه شد که بر فرهنگ جنسی غرب به شدت اثر گذاشت. این تفسیر عبارت بود از اینکه چون خدا در جسم انسان (عیسی(علیه السّلام)) تجلی یافته، پس جسم انسان تقدّس می یابد.

با گسترش این تعریف از انسان زیباشناسی جسم انسان در دستور کار قرار گرفت و با یک نوع آناتومی جسم انسان و به دست آوردن رگ، پی، ماهیچه، استخوان و... به ترسیم جسم های زیبا دردیوارهای کلیساها پرداخته شد، به طوری که جسم های برهنه و بسیار موزون و هماهنگ بر روی دیوارها ترسیم و به شکل مجسمه به نمایش در آمد.

نکته ظریفی که در این جریان مورد توجه قرار گرفت، این بود که اندام جنسی زنان در این تصاویر و مجسمه ها حذف و اندام جنسی مردان بسیار کوچک ترسیم می شد تا بگویند خود جسم مورد نظر است، نه مسائل جنسی. بدین ترتیب اولین قدم برای ترسیم و نمایش اندام انسان برهنه، البته با هاله ای از تقدّس، در غرب شکل گرفت.

به دنبال آن، نوعی تفسیر دیگر در غرب در قالب «پروتستانیزم» اتفاق افتاد که منجر به سنگینی کفه برهنگی و تأیید بیشتر آن شد و آن زمانی بود که انقلاب صنعتی رخ داد و ماشین به صحنه زندگی انسان ها وارد شد.

این تأکید از سوی«فروید» صورت گرفت که نگاهی کاملاً جنسی به فرهنگ یهودی داشت.

فرهنگ یهودی از جنسی ترین فرهنگ های دینی است، تا جایی که بر برخی رابطه های جنسی محارم مثل دختر و پدر، پسر و مادر و برادر و خواهر با دیده اغماض نگریسته است.

فروید با فرهنگ یهودی بر فرهنگ جنسی مسیحیت هجوم برد و سعی کرد که بر برهنگی جنسی، چه از نظر بدنی و چه از نظر روحی، تأکید کند و ریشه تمام عقده های انسانی را در حجاب(به معنای عام) خلاصه کند که، حجاب مانع عمل جنسی به طور برهنه در طول زندگی انسان است.

انقلاب صنعتی در غرب، مهاجرت های جغرافیای انسان ها به جاهای بزرگ،تماس ها و ارتباط های مداوم دو جنس در سطوح مختلف کاری، هنجارشکنی جنسی را افزایش داد.

تأثیر صنعت به جایی رسیده که همسران، چه زن و چه مرد، به روابط جنسی فراتر از ازدواج روی آوردند و این روابط جنسی خارج از عرف و قانون موجب شد که برهنگی زنان در قالب فحشا و فاحشه های برهنه افزایش یابد.

ورود ماشین به زندگی عمومی انسان ها برهنگی را افزایش داد، زیرا که ماشین ها انسان ها را از خانواده جدا و ماشین به عنوان جایگزین خانه سپس روابط جنسی غیر معمول و غیر عادی رواج یافت و روابط جنسی غیر معمول برهنگی را بیشتر رواج داد، مثل نقاش های برهنه جنسی و تشویق برای برهنگی(مانند فیلم تایتانیک و شکسپیر عاشق) و به این ترتیب عوامل ماشین، محیط کاری و نظریه فروید، سه عامل مهم پیدایش انقلاب جنسی در غرب به حساب می آیند. عواملی که غرب را از دوران «ملکه ویکتوریا» به دوران برهنگی وارد و در پی آن گروه هایی به وجود آمدند که برهنگی را مبنا و معیار کار خود قرار دارند... .

البته گذشت زمان، سر خوردگی بشر از افراط در روابط جنسی، پریشانی جوامع غربی، فروپاشی نظام خانواده، فراموشی دلربایی ها و طنازی های زن و شوهر، افزایش بچه های خیابانی، افزایش بی رویه طلاق و معضل بچه های طلاق، استرس و اضطراب، بدبینی، بیماری های روانی، ایدز و ... همه و همه خط بطلان به ایده های

پوچ مروجان برهنگی و ارتباطات آزاد جنسی کشید و حقانیّت اسلام را در قانونمند کردن حجاب، عفت و روابط جنسی ثابت کرد.

حجاب در ایران

سؤال: حجاب از چه زمانی و چگونه وارد ایران شد؟

پاسخ: تاریخ ایران با پوشش و حجاب زنان قرین بوده و تجلیّات پوشش در میان زنان ایرانی چنان چشمگیر بوده که برخی از اندیشمندان و تمدن نگاران، ایران را منبع اصلی حجاب معرفی کرده اند.(1)

زنان ایرانی حتی پیش از اسلام حجاب داشته اند، ولی حد و مرز آن بعد از اسلام معین گردیده. در عین حال زنان عرب از پوششی به نام جَلباب استفاده می کرده اند که به نقلی از سر تا کمر را می پوشانده است. ایرانیان چادر را ترجیح دادند که سنت دیرین آنان بود.

پوشش زنان ایران باستان در خارج از منزل عبارت بود از لباس گشاد، چادر، روسری، چارقد، مقنعه و لچک.(2)

چادر و شنل در زنان ساسانی پوشش متداول زمان بوده که به صورت های مختلف استفاده می شده است. (3)

1- تاریخ تمدن، ج2، ص 78.
2- کلید دانش، ص 196.
3- تاریخ پوشاک اقوام ایرانی، ص 243.

پس از فتح ایران، دختران«کسری» پادشاه ایران حتی در زمان اسارت هم حاضر به کشف حجاب و برداشتن روپوش خود نشدند.(1)

پس از ورود اسلام به ایران نیز حجاب با تأثیر پذیری از فرهنگ غنی اسلام شکوه بیشتری یافت و همچنان بین زنان ایرانی رواج داشت تا اینکه در زمان ناصرالدین شاه قاجار اولین جرقه کشف حجاب زده شد. درباریان با مشاهده زنان بی حجاب و برهنه اروپایی و حال و هوای فرنگ درصدد اجرای نقشه شوم حجاب زدایی از ایران برآمدند، که با مقاومت خانواده های غیرتمند و متدیّن، جز در خود دربار و محافل نزدیک به شاه توفیقی به دست نیاوردند.(2)

اما آغاز رسمی کشف حجاب در ایران مربوط به دوره رضاخان پهلوی است. رضاخان، که با طرح کودتای سوم اسفند 1299و با حمایت انگلیسی ها بر سر کار آمد، درصدد اجرای تز اسلام زدایی و جایگزینی ارزش های لیبرالیستی در جامعه بر آمد؛ ابتدا خود را معتقد به اسلام نشان داد و در مجالس و محافل مذهبی و همچنین دسته های عزاداری شرکت می کرد، اما طولی نکشید که ماهیّت پلید خود راآشکار کرد و اقدام به محدود کردن و تعطیلی مجالس عزاداری و روضه و ممنوعیت پوشیدن لباس روحانیت کرد.

سفر چهل روزه رضاخان به ترکیه و هم نوایی وی با «کمال آتاتورک» در سال 1313 چندین ارمغان برای ایران داشت که از

1- حجاب، آزادی یا اسارت، 39.
2- حکایت کشف حجاب، ج1، ص 7 .

جمله آن کشف حجاب بود. این طرح شوم ابتدا با مقاومت زنان شجاع و غیور ایرانی مواجه شد، ولی رضاخان با زور سر نیزه و اهرم نظامی چادر و حجاب را از سر بانوان مسلمان برداشت. استقبال طبقات مرفه جامعه از کشف حجاب، تشکیل جلسات و محافل با حضور زنان بی حجاب، پذیرش و امتیاز دهی به آموزگاران بی حجاب، انتشار روزنامه و مجله با محتوای ضددینی و ترویج بی حجابی و بی بندو باری، حضور خانواده سلطنتی با وضع زننده در حرم حضرت معصومه(علیهاالسّلام)مسافرت امان الله خان، امیرافغان به همراه همسرش ثریا و هیئت همراه به شکل بی حجاب به ایران، ورود توریست های خارجی به صورت زننده و نیمه لخت، الزام کارمندان به بی حجابی، تقبیح حجاب و تحقیر افراد باحجاب به صورت فراگیر، باعث شد این توطئه شوم و خطرناک در جای جای ایران ریشه بدواند و حیا و غیرت ایرانیان را به شدّت تهدید کند. کار به جایی رسید که رضا خان دستور داد هیچ زن و یا دوشیزه ای حق پوشیدن چادر و نقاب را ندارد و اگر زنی با روبند و چادر در کوچه به چشم می خورد مأموران حکومت با زور روسری و چادر را از سر او برمی داشتند.

در این دوران، برای لکه دار کردن چهره بانوان با حجاب، نقشه کثیفی کشیدند و آن این بود که پوشیدن چادر و حجاب را برای زنان فاحشه و بی بند و بار اجباری کردند تا حجاب و چادر نماد فحشا و روسپی گری رسمی قلمداد شود.

بی شرمی رضا خان به حدی بود که حتی مأموران او با شناسایی مجالس روضه خوانی زنانه، وحشیانه به این مجالس حمله کرده و

اقدام به پاره کردن چادر و روسری زنان می نمودند. در نتیجه بسیاری از زنان که نمی خواستند عفّت و حجاب خویش را لکه دار ببینند ترجیح می دادند در خانه محبوس بمانند و فقط در مواقع ضروری، آن هم در تاریکی شب، ازخانه خارج شوند.

خروش یک عالم ربانی

خفقان رضاخان آنقدر شدید بود که هر اعتراضی در نطفه خفه می شد. در نوروز 1306 مصادف با بیست و هفتم ماه مبارک رمضان اتفاق وحشتناک و بدعتی عظیم روی داد؛ و آن این بود که تاج الملوک همسر رضاخان به همراه شمس و اشرف پهلوی و تنی چند از اعضای این خاندان منحوس بدون حجاب و با سر و روی برهنه درغرفه بالای ایوان آیینه حرم مطهر حضرت معصومه(علیهاالسّلام) حاضر شدند. این حریم شکنی دل همه متدینین و ارادتمندان اهل بیت را شکست، اما کسی جرأت اعتراض نداشت. ناگاه فریادی غرّا سکوت را شکست. روحانی شجاع «سید ناظم واعظ»، در بالای منبر به این عمل ننگین اعتراض کرد و به خانواده رضاخان اخطار داد که یا حجاب را رعایت کرده و حرمت دختر پیامبر (صلّی الله علیه و آله) و خواهر امام رضا(علیه السّلام) و جگر گوشه موسی بن جعفر(علیه السّلام) را حفظ کنند و یا فوراً از حرم مطهر خارج شوند، ولی آنها اعتنایی نکردند. صدای صلوات های پی در پی مردم بلند شد. خبر به مرحوم آیه الله شیخ محمد تقی بافقی، که در مسجد بالا سر مشغول خواندن دعای ندبه

بود، رسید. ایشان با شنیدن این خبر تکان دهنده دعای ندبه را قطع کرد. و «الله

اکبر»گویان همراه با جمعیت خشمگین به طرف ایوان آیینه حرکت کرد. حاج شیخ خطاب به آنها گفت:

آهای خانم ها؛ حجاب ضروری اسلام است، رفع حجاب در اسلام حرام است، مخصوصاَ در حرم دختر پیغمبر(صلّی الله علیه و آله) اگر مسلمانید حجاب را رعایت کنید و اگر هم مسلمان نیستید به احترام حضرت معصومه(علیهاالسّلام) این کار را بکنید.

حمایت پی در پی و صلوات های کوبنده مردم باعث شد خانواده رضا شاه خود را از معرض دید مردم خارج کرده و در اتاق پشت غرفه مستقر گردند. زن شاه فوراً قضیه را به اطلاع رضاخان رساند و از طریق تلفن به او گفت: اعلی حضرت، شاه زنده باشند و ملکه را چندشیخ بی نزاکت بی آبرو کنند؟ پس ماجرا را برای رضاخان تعریف کرد. رضاخان بی درنگ عازم قم شد. دستود داد سید ناظم واعظ و آیت الله بافقی را دستگیر کنند. خود با چکمه وارد ایوان و مدخل حرم شد و گفت: در اطراف حرم هر چه معمّم و روحانی دیدید دستگیر کرده و نزد من بیاورید. جمعی از روحانیون که در حال تردد در حرم و اطراف آن بودند دستگیر و توسط مأموران و بعضاً توسط خود شاه مورد شدیدترین ضرب و شتم قرار گرفتند. رضاشاه گفت: سید و شیخ را بیاورید. سید ناظم فرار کرده بود، اما آیت الله بافقی را دستگیر کردند و نزد رضا شاه آوردند. آنگاه با فحش و ناسزا دستور داد شیخ را دَمَرخواباندند و خود با عصای ضخیم شروع کرد بر پشت این شیخ محاسن سفید ضربه زدن. ولی شیخ زیر این

کتک و اهانت ها فقط می گفت: یا امام زمان یا امام زمان. سپس او را به تهران منتقل کرده و زندانی کردند.(1)

واقعه مسجد گوهرشاد

واقعه دیگری که در حمایت از عفت و حجاب زنان ایرانی و دفاع از احکام اسلام در تاریخ ثبت شده مربوط به مسجد گوهرشاد و حرم مطهر امام رضا(علیه السّلام) می باشد.

«واعظ شهیر، شیخ محمد تقی نیشابوری» معروف به «بهلول» حماسه ساز این ماجرا گردید. در مسجد گوهرشاد به منبر رفته سخنرانی پرشوری در مورد اهمیّت و جایگاه حجاب و عواقب کشف حجاب ایراد کرد.

سخنرانی یک و نیم ساعته این عالم وارسته چنان مردم را به خروش انداخت که صدای اعتراض و شیون مردم نسبت به اعمال ننگین حکومت رضاخان در حرم مطهر ثامن الحجج امام رضا(علیه السّلام) طنین انداخت. مأموران رضاخان با اطلاع از ماجرا به حرم مطهر یورش برده و مردم را به گلوله بسته و حرم مطهر و ضریح مقدس را مورد تعرض قرار دادند.

این عمل ننگین، نفرت و انزجار مردم را بیشتر کرد و خون آنها را به جوش آورد و اعتراض آنها به صورت تحصن در مسجد گوهرشاد ادامه یافت. رضاخان با اطلاع از تحصن مردم دستور حمله و قتل عام

1- بر گرفته از اسلام مجسم و علمای بزرگ اسلام، ج2، ص 306.

را صادر کرد. مأموران در اطراف مسجد و پشت بام با مسلسل های سنگین مستقر شده و مرد و زن، بزرگ و کوچک، روحانی و غیر روحانی، شهری و روستایی، زائر و مجاور و همه و همه را به رگبار گلوله بستند.

مردم هراسان و متوحش به طرف درب ها هجوم می بردند که تعداد زیادی به ضرب گلوله شهید و مجروح شدند، عده بسیاری هم زیر دست و پا کشته و مصدوم گردیدند. در این حمله وحشیانه بیش از سه هزار نفر قربانی حکم شرعی حجاب شدند و صحن و سرای امام رضا(علیه السّلام) به خون پاک آنان رنگین شد.(1)

محمد رضا پهلوی، ادامه سیاست ننگین پدر

بعد از به درک و اصل شدن رضاخان، محمد رضا پهلوی هم در ادامه سیاست های ضد دینی روش مبارزه با حجاب را، البته با روشی دیگر، در دستور کار خود قرارداد و با خدعه و نیرنگ، تبلیغات و بهره گیری وسیع از امکانات روزنامه، رادیو، تلویزیون، مطبوعات، سینما، جشن های فرهنگ و هنر2500 ساله و همچنین رشد فزاینده کاواره ها و قمار خانه ها، مراکز فساد و تحقیر زنان محجبه در مدارس، ادارات و دانشگاه ها، برهنگی و بی حجابی را تا حد افراطی آن گسترش داد.

1- برگرفته از اسلام مجسم و علمای بزرگ اسلام، ج اول، ص 299.

انقلاب اسلامی، تجدیدحیات حجاب

با ظهور انقلاب اسلامی به رهبری حضرت امام خمینی(رحمه الله) فطرت الهی مردم، بخصوص بانوان، شکوفا شد و زنان سلحشور و انقلابی ایران با اسلحه حجاب و عفت در پیشابیش صفوف مبارزاتی علیه رژیم ستم شاهی و با هدف استقرار نظام اسلامی و بخصوص تثبیت حکم شرعی حجاب و استقرار نظام جمهوری اکثر زنان قهرمان همچنان در سنگر عفاف و حجاب به هنرنمایی پرداخته و در عرصه های مختلف علمی، فرهنگی، اجتماعی و حتی سیاسی به پاسداری و صیانت مجّدانه، هوشمندانه و مسئو لانه از اسلام و دستاوردهای اسلامی پرداختند و اکنون نیز علی رغم توطئه های بی شمار فرهنگی استعمار و تهاجم همه جانبه فرهنگی دشمن، همچنان حجاب و عفت سمبل زن مبارز ایران و نماد غیرت و حیای مسلمان ایرانی است.

حجاب عفیفانه، برترین پوشش

سؤال: رابطه حجاب و عفت چگونه رابطه ای است؟ آیا این دو لازم و ملزوم هم هستند؟

پاسخ: عفّت، به خویشتنداری در برابر شهوات نفسانی و هوس های شیطانی گفته می شود و نوعی منش درونی است که در رفتار انسان آشکار می گردد.

حجاب، جزئی از عفّت است و با پوشش محقق می شود، ولی عفاف صرفاً با پوشش محقق نمی گردد. پوشش اگر همراه با افعالی

چون ناز و عشوه و نگاه به نامحرم و بی باکی در برابر محّرمات الهی باشد پوشش غیر عفیفانه است. به بیانی دیگر، عفاف حالتی درونی است و حجاب به ظاهر و شکل برمی گردد. یعنی یکی ظاهری است و دیگری باطنی. میان حجاب و عفت تأثیر و تأثّر متقابل وجود دارد، هر چه حجاب و پوشش ظاهری بیشتر و بهتر باشد این کار در تقویت و پرورش درونی عفت اثر گذارتر است و هر چه عفت درونی تر باشد سبب حفظ بیشتر حجاب ظاهری می گردد.

حجاب، میوه عفاف و عفاف ریشه حجاب است. حجاب مقتضای حیا و عفت است و زمانی که حیا و عفت به درجه کمال برسد نمودش در حجاب بروز و ظهور می کند. امام علی(علیه السّلام)می فرماید:

بالْعفَافِ تَزَّکُوا الاَعْمَال؛(1)

با عفاف اعمالتان را پاک کنید.

بنابراین، آنچه مسبب تحقّق کار کردهای حجاب در جامعه می شود پوشش عفیفانه است و گرنه پوشش بدون عفاف نمی تواند برای فرد و جامعه آثار و برکات چندانی داشته باشد. اگر این دو با هم پیوند بخورند خیرات و برکات ناشی از آن پدیدار می شود. بر همین اساس پیامبر(صلّی الله علیه و آله)در رهنمودها و نیز در سیره عملی خویش بر جلوگیری از ارتکاب اعمالی که منافی عفت فرد و جامعه است تأکید فرموده است.

1- میزان الحکمه، ج 3، ص 208.

آن حضرت اصرار و تأکید بر جلوگیری از اختلاط زن و مرد، به عنوان عاملی عفت سوز، دارند و حتی دستور داده بود زنان و مردان شرکت کننده در نماز جماعت همزمان از مسجد خارج نشوند و نهایتاً برای مسجد دو در ایجاد شد که زنان از یک در و مردان از در دیگر به مسجد رفت و آمد نمایند.

در روایتی از رسول خدا(صلّی الله علیه و آله) آمده است:

لَیْسَ لِلنِّسَاءِ مِنْ سَرَوَاتِ الطَّرِیقِ یَعْنِی مِنْ وَسَطِهِ إِنَّمَا لَهُنَّ جَوَانِبُه ؛(1)

زنان از وسط راه (کوچه و خیابان) تردد نکنند، بلکه از کنار و حاشیه مسیر عبور نمایند.

در جریان بیعت با زنان، پیامبر(صلّی الله علیه و آله) از آنان پیمان گرفت که با مردان بیگانه خلوت نکنند.(2) چرا که خلوت با مردان حریم شکن است و به دژ مستحکم عفت و حیا آسیب می رساند.(3)

در حدیثی از آن بزرگوار آمده است:

الْعَفَافُ زِینَهُ النِّسَاء؛

عفت زینت بانوان است.

و نیز توصیه فرموده اند که بانوان، حتی نسبت به نوجوانی که در آستانه بلوغ قرار دارد نیز احتیاط کرده و عفیفانه برخورد نمایند.(4)

1- وسائل الشیعهٔ، ج 14، ص 42؛ مکارم الأخلاق، ص257.
2- وسائل الشیعهٔ، ج2، ص 144.
3- نهج الفصاحه، حدیث 2008.
4- مستدرک الوسائل، ج 14، ص 144.

نگرانی پیامبر از عفت سوزی بانوان تا آنجاست که می فرماید:

دختران و زنان را در طبقات بالای خانه اسکان ندهید، چرا

که آن طبقات در معرض نگاه دیگران است.(1)

این بخش را با مطلبی از استاد مطهری پایان می دهیم:

شرافت زن اقتضا می کند که هنگامی ازخانه بیرون می رود متین، سنگینن و باوقار باشد، در طرز رفتار و لباس پوشیدنش هیچ گونه امری که باعث تحریک و تهییج شود به کار نبرد. عملاً مرد را به سوی خود تحریک نکند. زبان دار لباس نپوشد. زبان دار راه نرود، زبان دار و معنی دار به سخن خود آهنگ ندهد. چه آنکه گاهی اوقات ژست ها سخن می گویند، راه رفتن انسان سخن می گوید. طرز حرف زدنش یک حرف دیگری می زند و... . (2)

1- مکارم الاخلاق، ص 231.
2- مسئله حجاب، ص 102 .

فصل سوم : حجاب و اخلاق

اشاره

ص: 69

ص: 70

سؤال: تأثیرات اخلاقی بی حجابی چگونه خود را نشان می دهد؟

پاسخ: اساس شخصیت انسان، اخلاق اوست. پیامبر اعظم(صلّی الله علیه و آله)با همه عظمت و شکوهش هدف از بعثت خود را تکمیل و اتمام مکارم اخلاقی جامعه و افراد می داند. جامعه خوشبخت، جامعه ای است که افراد آن ارزش های والای اخلاقی را محترم شمرده، بدان پایبند بوده و عوامل تضعیف و پایمالی اخلاق در اجتماع را شناسایی و خنثی نمایند.

بی حجابی یکی از این عوامل مهم است که نقش عمده ای در تضعیف و پایمال کردن فضائل اخلاقی همچون حیاء، عفّت و غیرت دارد. در جامعه بی حجاب شهوت رانی، هوس رانی، هرزه گری، گناه، ارتباطات نامشروع و اختلاط های غیرشرعی جای معنویت، صفا، عشق و محبت واقعی را می گیرد. در این جامعه بذر شهوت به سرعت در دل و جان مردم بخصوص جوانان نفوذ کرده و آنان را از امور اساسی و اصلی زندگی و پرداختن به معنویات و تکالیف الهی باز می دارد. طبیعی است جامعه ای که فاقد معنویت و اخلاق باشد بستر بسیار مناسبی است برای افزایش ناهنجاری ها، خصائص رذیله، خشونت، فساد، فحشاء، ناامنی، بزهکاری، آدم ربایی، خیانت، جنایت و دهها معضل دیگرکه همگی محصول بی توجهی به حکم

شرعی حجاب بوده و دیر یا زود شعله آن دامن خود فرد را هم آتش خواهد زد.

نقش گروه های مرجع در حجاب و بی حجابی

سؤال: نقش گروه های مرجع در حجاب و بی حجابی چه مقدار است؟

پاسخ: گروه مرجع، به گروهی گفته می شود که افراد، خود را در مقام مقایسه به آنها ارجاع می دهند و از آنها الگو می گیرند؛ آرزوهای خویش را در آنها تحقق یافته می بینند و مایلند زندگی خود را متناسب با تصویری که از ایشان دارند تنظیم کنند. تنوع گروه های مرجع در عصر ما، از جمله زمینه های پراکندگی و تنوع ارزش ها و هنجارهای فرهنگی و لجام گسیختگی های رفتاری شده است؛ مثلاً درباره اثر پذیری مردم از هنرپیشه های تلویزیونی(به عنوان یکی از گروه های مرجع) در مقوله حجاب گفته شده است:

یکی از مهمترین سمبل های مذهبی که بر روی رفتار مردم و ارزش های آنها در شرائط بعد از انقلاب تأثیر داشته، حجاب و پوشش زنان است. این سمبل معرف میزان اعتقاد هنجاری و میزان نفوذ نهاد مذهبی در جامعه است. در فیلم های مورد بررسی در یک پژوهش، مشخص گردید که هنرپیشه ها تا چه اندازه با پوشش خود این سمبل را گسترش می دهند یا برعکس، کاهش آن را، که به معنی تغییر ارزش های مذهبی است، تبلیغ می کنند. البته میزان تأثیر و تبلیغ ارزش ها و سمبل های

مذهبی به جذابیّت پیام دهنده یا هنر پیشه بستگی دارد. اگر یک هنر پیشه بدقیافه و دافعه برانگیز چادر سرش کند و یک هنر پیشه زیبا و مقبول بی حجاب یا کم حجاب باشد هر دو در جهت تغییر و تضعیف سمبل های مذهبی در جامعه کار می کنند. هنر پیشه بد قیافه با حجاب تداعی و متقارن می شود و به حجاب بار ارزشی منفی می دهد و هنرپیشه زیبا و مقبول به بدحجابی بار ارزشی مثبت می بخشد و در بینندگان این نوع پوشش را یک پوشش خوب و مجاز یا مشروع جلوه می دهد واز آن طریق در پی همانندی و تقلید بینندگان از هنرپیشه ها این نوع پوشش در جامعه رواج می یابد. در نتیجه سمبل های مذهبی نیز تغییر می کند. (1)

حجاب و حساسیت مردها

سؤال: انسان ها معمولاً در برابر محدودیت ها مقاومت می کنند. حجاب نیز حساسیت مردها را به دنبال داشته و بحران جنسی را تشدید می کند، در حالی که باید با استفاده از تجربه کشورهای غربی مسیری در پیش گرفته شود که این بحران کاهش یابد. این چالش چگونه حل وفصل می گردد؟

پاسخ: نگاهی به تجربه کشورهای غرب در زمینه پوشش زنان ثابت می کند که، چنین نیست که رفع محدودیت ها و بی بند و

1- وسایل ارتباط جمعی و تغییر ارزش های اجتماعی، فرامرز رفیع پور، ص 9.

باری های جنسی مشکلات و مسائل جامعه را حل کند. چرا که بی بند و باری جنسی با اصول فطری و روحی و روانی انسان در تضاد است.

آیا این همه تجربه در طول تاریخ کافی نیست تا بدانیم که مسئله غریزه جنسی با ایجاد بی نظمی و بی بند و باری در روابط جنسی و یا برهنگی زنان حل نمی شود؟ انسان که جای خود دارد در کدام جامعه حیوانی دیده شده است که روابط جنسی بدون ضابطه باشد و هر حیوانی در هر زمان و هر کجا با هر حیوان دیگر بیامیزد؟ مگر نه این است که در جامعه حیوانی نیز جفت هر حیوانی مشخص و معلوم است؟ آیا در کشورهایی از قبیل دانمارک، سوئد و کشورهای شبه جزیره اسکاندیناوی و ... که محدودیت روابط جنسی از سایرممالک کم تر است، مشکل حل شده است؟

آیا شگفت آور نیست که در این کشورها، که ظاهراً باید آرامش روانی و روحی ایجاد شده باشد، آمارخودکشی از سایر کشورها بیشتر است؟

آیا در انگلستان، آلمان و آمریکا با آن مجلات و فیلم های سکسی خالی از شرم، با آن وضع پوشش و آن همه برهنگی و بی پردگی، عطش جنسی فرو نشسته و مسئله غریزه جنسی حل شده است؟

کسانی که چنین عقیده ای دارند غریزه جنسی را نشناخته اند. غریزه جنسی دقیقاً مانند اسبی است که با تازیانه تحریک می شود و می رود. این تازیانه گهگاه لازم است، اما اگر حسابی در کار نباشد و تازیانه از حد بگذرد اسب رم می کند.

مغرب زمین چه در تصویر و چه در لباس، روز به روز اعضای محّرک غریزه جنسی را آشکارتر ساخته است، اما می بینیم که نه تنها شعله های غریزه جنسی فرو کش نکرده و بحران جنسی مهار نشده، بلکه روز به روز آتش این غریزه برافروخته تر شده و استقبال و هجوم مردم به مسئله سکس بیشتر گشته و تیتراژ مجلات، کتب و فیلم های سکس بالاتر و تجارت آن پر سودتر شده است.

علاوه بر این، اگر بنا باشد در جامعه ای انواع تحریکات جنسی آشکار شود و افراد در لباس پوشیدن حد و مرزی نداشته باشند، تصاویر در نمایش اندام محدودیتی نداشته باشند، برای تئاتر ها و فیلم ها چارچوب و منعی در پرداخت به مسائل جنسی نباشد و روابط جنسی بین مردم هم تعریف شده نباشد، و خلاصه همه چیز در خدمت سکس باشد و مردم نیز از صبح تا شب مرتباً در روزنامه ها، مجلات، تلویزیون، سینما، ماهواره و اینترنت و ... و اماکن عمومی شاهد مناظر سکس باشند و مغازه های متعددی برای عرضه صنایع سکسی مشغول کار شود و همه جا صحبت سکس باشد تا مسئله سکس و غریزه جنسی حل شود، دقیقاً به آن چیزی می رسیم که از آن وحشت داریم! معنی این راه حل این است که اگر می خواهیم مسئله جنسی حل و فصل شود بیایید همه هم و غم خود را کنار نهاده، دردها و افکار خود و مردم را فراموش کرده و تمام انرژی و توان و همت خود را صرف سکس کنید تا این مسئله برای شما مسئله نباشد. یعنی آدمی تمام وظایف و تکالیف خود و حقایق عالم را

فراموش کند و دائماً در این فکر باشد که با تحریک هر چه بیشتر غریزه جنسی مشکل غریزه جنسی را حل کند. این درست شبیه آن ضرب المثل فارسی است که «گدایی کن تا محتاج خلق نشوی».

حجاب و التهاب های جنسی

سؤال: آیا این ادعا صحیح است که حجاب موجب شعله ورتر شدن التهابات جنسی در جامعه می شود؟

پاسخ: بر خلاف آن چه در سؤال مطرح شده حجاب در کنار قابلیت های دیگر التهابات جنسی را مهار کرده و از شهوت زدگی جامعه و سوء استفاده هوس رانان جلوگیری می نماید.

به جرأت می توان گفت این بی حجابی و برهنگی است که جوامع را از نظر جنسی غیرقابل کنترل نموده و به مرحله سقوط کشانده است. در جامعه ای که از نظر پوشش، زنان بی قید و بند بوده و حریمی بین زن و مرد در آن وجود نداشته باشدغریزه جنسی و نیاز شهوانی به شکل تصاعدی بالا رفته، تحریکات جنسی به اوج خود رسیده و همچون بیماری فراگیر و مسری همه عرصه ها را در برمی گیرد. در چنین جامعه ای خواسته های جنسی و سرعت التهابات شهوی آن قدر بالا می رود که کنترل آن عمل از دست خارج شده و طوفان غریزه جنسی، به صورت غیرقابل اشباع در آمده و تمامی مرزها را در هم می نوردد.

وضعیت جوامع غربی دلیل روشنی بر نقش مؤثر و کلیدی بی حجابی در شعله ورتر شدن التهابات جنسی و توفانی شدن غریزه

جنسی است. جوامعی که بر اثر افراط در شهوت رانی به بن بست رسیده، اخلاق، فرهنگ، انسانیت، حیاء، عفت و فطرت انسانی را یک جا قربانی هواها و هوس های شهوت رانی نموده و بدون پروا روزی سخن از به رسمیت شناختن همجنس بازی می گوید؛ روزی دیگر از سکس با حیوانات خبر می دهد، گاهی سکس با محارم را مطرح می کند، گاهی هم از تجاوز به اطفال خردسال دم بر می آورد. در موقعیتی سکس گروهی و در موقعیتی دیگر خود ارضایی مدرن با استفاده از ابزار مصنوعی و... .آیا در به وجود آمدن چنین وضعیت شرم آوری، بی حجابی و بی عفتی نقش نداشته است ؟

آیا می توان نقش کلیدی برهنگی و بی حجابی زنان را در پیدایش این فاجعه اخلاقی و انسانی انکار نمود؟

شهید بزرگوار استاد مطهری(رحمه الله) با تحلیل وضعیت حاکم بر جوامع غربی چنین می نویسد:

نبودن حریم میان زن و مرد و آزادی معاشرت ها و بی بند و باری، هیجان ها و التهاب های جنسی را فزونی بخشیده و تقاضای سکس را به صورت یک عطش روحی و یک خواسته اشباع نشدنی در می آورد.غریزه جنسی غریزه ای است که هر چه بیشتر اطاعت شود سرکش تر می گردد. همچون آتشی که هر چه بیشتر به آن خوراک دهند شعله ورتر می شود(1)

1- مجموعه آثار، ج 19، ص434.

زنی که تن و اندام خود را در معرض دید همگان قرار داده و آنچه را که به جنسیت او مربوط می شود به کوچه و بازار کشانده، ارتباطات نامشروع و شیطانی فراهم نموده و اخلاق و انسانیت را در جامعه به چالش کشانده است، هر چند این زمینه با یک نگاه آغاز شود. نگاهی که به تعبیر امام صادق(علیه السّلام) «تیری است از تیرهای شیطان».(1)

چرا که همین یک نگاه به ظاهر ساده و بی اهمیت غریزه جنسی را تحریک کرده و به طور خودکار تصویری کامل از آنچه دیده شده را به مغز فرستاده، سپس آن را مجسم کرده و نهایتاً امواج نگاه این دو همانند برق به هر دو منتقل شده و علاقه و عشقی نهان در دل آنان پدیدار می گردد و همین سرآغاز ارتباطات بعدی و بعدی می شود. لذا اسلام با تشریع حجاب و پوشش برای زن و عفت و خویشتنداری برای مرد هم زن را تعدیل نموده و هم جامعه را مدیریت کرده است.

اسلام معتقد است آنچه برای زن مهم است انسان بودن، شخصیت، قابلیت ها و اندیشه او است، نه صرفاً زنانگی او. یک زن با تکیه بر جنبه انسانی خود می تواند پله های تکامل و معرفت را طی کند. در حالی که زنان بی حجاب و فاقدعفت، با رفتار خود اعلام می کنند که اصل برای آن ها زن بودن و نمایش اندام و آرایش آنهاست نه اندیشه و ارزش های معنوی. چنین زنانی اسیر خودند و در قفس

1- المستدرک، باب 104.

زنانگی خود می لولند و فقط با همین معیار قابل ارزیابی هستند. مَثَل چینن زنانی، مَثَل مغازه داری است که تمام وقت و انرژی، سرمایه و اندیشه خود را فقط برای تزئین و تغییر دکوراسیون و ویترین مغازه مصرف می کند.

حجاب و خود سازی زن

سؤال: آیا حجاب در خود سازی معنوی و اخلاقی بانوان مؤثر است؟

پاسخ: رعایت حجاب نوعی تعبد، اطاعت و الزام عملی به آموزش های دینی به حساب می آید و از بهره های مادی و معنوی زیادی برخوردار است.

حجاب از سویی نقش بازدارندگی دارد و انسان را از ارتکاب اعمال و رفتاری که با هدف حجاب عفیفانه و این دستور الهی منافات دارد بازداشته و از سوی دیگر وی را به رعایت اقتضائات ایجابی حجاب از جمله تقوا، عفت و رعایت حدود الهی سوق می دهد.

از نگاهی دیگر، رعایت حجاب، بخصوص در دنیایی که حاکمان زر و زور و تزویر، استعمارگران و حاکمان فاسد بر طبل فحشا، فساد و بی عفتی می کوبند؛ نوعی جهاد اکبر و مبارزه با نفس و طی مسیر خود سازی و مقابله با وسوسه های شیطانی به شمار می آید. براساس آموزش های دینی، حجاب عفیفانه اندرون انسان را

همانند ظاهرش پاک و بی آلایش نموده و طهارت قلب و تزکیه نفس را به ارمغان می آورد.

هماهنگی ظاهر و باطن

سؤال: حجاب بانوان اگر فاقد پذیزش باطنی بوده و صرفاً پوشش ظاهری باشد، نمی تواند فلسفه حجاب را تأمین کند، اصرار بر اینگونه حجاب چه ثمره ای می تواند داشته باشد؟

پاسخ: هر چند حجاب صرفاً ظاهری فاقد تمام آثار مثبت فردی و اجتماعی است، اما نمی توان ادعا کرد این نوع پوشش هیچ ثمره ای ندارد. به تعبیر دیگر، تحقق کامل اهداف حجاب در پوشش ظاهر، بدون عفت باطنی ممکن نیست، اما همین حجاب ظاهری بخشی از اهداف را می تواند تأمین نماید و به اصطلاح «مالایدرک کله لایترک کله»

آب دریا را اگر نتوان کشید

هم به قدر تشنگی باید چشید

آیا رواست از همین حداقل هم دست شسته و به این بهانه که رعایت کنندگان حجاب فاقد اعتقاد باطنی و آثار رفتاری مناسب با حجاب هستند اصل صورت مسئله را پاک نموده و مجوّز امر خلاف شرع، عقل وفطرت کشف حجاب را صادر کنیم؟!

البته بانوان محترم نیز باید توجه داشته باشند که در اسلام، زن نه تنها موظف به رعایت ظواهر است، که باید رفتاری عفیفانه داشته باشد و پاک دامنی در اندیشه و رفتار و گفتار او دیده شود. زن

پاک دامن علاوه بر رعایت حجاب ظاهری کامل با برخوداری از تقوای الهی، صدایش را در مقابل مرد نامحرم نازک نمی کند.

در راه رفتن متانت و وقار خود را حفظ می نماید.(1) در نگاه کردن حریم های شرعی را نگاه دارد.(2)

با الهام از آموزش های دینی و التزام عملی به دستورهای اسلام سعادتمندی دنیا و آخرت خود و سلامت روحی جامعه را تضمین می کند. برای رسیدن به این هدف، باید زنان و دختران با فرهنگ حجاب و فلسفه چادر و الزامات آن آشنا شده و شاخص های معین شده در نظام اخلاقی اسلام را در ظاهر و باطن خویش نهادینه کنند. بانوانی که در عین داشتن حجاب ظاهری الزامات آن را مورد بی توجهی قرار می دهند، علاوه بر اینکه به خود ظلم می نمایند نسبت به حجاب به عنوان حکم ضروری دین بی حرمتی کرده وموجبات بد بینی دیگران به احکام اسلام را فراهم می کنند.

حجاب کامل با دو شرط محقق می شود: اول، پوشش کامل ظاهری بر مبنای آموزش های شرعی و دوم، رعایت عفت در گفتار و رفتار و پرهیزاز حرکات سبک، خود نمایی، جلوه گری و رفتارهایی مانند بی توجهی به حریم محرم و نامحرم، شوخی و ارتباطات غیرضروری با نامحرمان، آرایش ها و پوشش های غیرمشروع استفاده

1- احزاب، آیه 32.
2- فرقان، آیه 6.

از خوش بو کننده های آنچنانی در محافل و معابر و... که همگی با اصول و مبانی حجاب اسلامی مغایر است.

به عبارتی دیگر، حجاب باید از ظاهر فراتر رفته، درون را تحت تأثیر قرار دهد. برای درونی شدن حجاب باید در حوزه های نظری و عملی تلاش های پیگیر و جدی انجام داد. در حوزه نظری باید انتقال وتوجیه عمیق دینی و دیدگاه ارزشی همراه با اهمیت و فلسفه حجاب به دقت مورد ملاحظه قرار گیرد. در کنار حوزه نظری در حوزه عملی نیز از راه های زیر می توان به تعمیق حجاب امیدوار بود.کاهش ارتباط با افراد لاابالی و بی توجه به مقوله حجاب، ارتباط و معاشرت با افراد محبوب و متدین، تفکر و تأمل در ثمرات مثبت حجاب و پیامدهای منفی بی حجابی، حضور مستمر در جلسات و محافل مذهبی و جلسات اخلاقی، توجه به جلب رضایت خداوند به عنوان محور ارزشمندی و قبولی اعمال و رفتار و ... .

حجاب و غیرت

سؤال: آیا رعایت حجاب و غیرت لازم و ملزوم همدیگرند؟ با این وصف چگونه می توان تصور نمود که این همه انسان، فاقد غیرت هستند؟

پاسخ: غیرت از جمله ویژگی های برجسته انسانی و یکی از اصول اخلاقی اسلام است که از چشمه سار فطرت نشأت گرفته و حافظ پاکی و پاکدامنی شخص، خانواده و اجتماع است.

غیرت به این معناست که طبیعت انسان از مشارکت دیگران در امور مورد علاقه اش نفرت دارد.(1)

به تعبیری دیگر، غیرت یعنی تلاش و کوشش در حفظ و مراقبت آنچه حفظش لازم و ضروری است از هرگونه تعرض. براساس این تعریف، به شخصی که واجد این صفت حسنه و ویژگی برجسته بوده و نسبت به حفظ و صیانت از آنچه در انحصار اوست واکنش نشان دهد غیرتمند می گویند. بدیهی است کسی که فاقد این روح واکنش گرایانه در برابر تعرض به محبوبش باشد، «بی غیرت» نامیده شود.

«غیرت» در اسلام از جایگاه والایی برخوردار است، به حدی که پیامبر اعظم (صلّی الله علیه و آله)آن را جزئی از ایمان قلمداد فرموده است.(2) و امام صادق (علیه السّلام)انسان غیور را محبوب خداوند دانسته است.(3)

جلوه های مختلف غیرت

غیرت جلوه های متعددی دارد؛ گاهی فرد مسلمان نسبت به حفظ و صیانت از اعتقادات دینی و اخلاقی اش حساس بوده و در برابر هر گونه تعرض به آن واکنش نشان میدهد که از آن به غیرت دینی یاد می شود. گاهی این واکنش در موضوع وطن و ملیت صورت می گیرد که به آن «غیرت ملی» می گویند و گاهی هم واکنش انسان در

1- مجمع البحرین، ج 2، ص 3634.
2- جامع السعادات، ج 1، ص 265.
3- بحار الانوار، ج1، ص 342.

مواجهه با تعرض دیگران به ناموس او شکل می گیرد که« غیرت ناموسی» نامیده می شود.

غیرت ناموسی، ریشه در فطرت و اعتقاد دینی فرد دارد و مهم ترین جلوه های غیرت به حساب می آید. فطرت و شرع حکم می کند که کامیابی از همسر، انحصاراً در اختیار شوهر باشد نه افراد دیگر. مرد باغیرت چگونه راضی می شود همسرش با لباس و آرایش متناسب با اتاق خواب و خلوت زناشویی، در معرض دل های بیمار و چشمان هرزه ظاهر شده و غریزه جنسی آنان را تحریک نماید؟!

مرد غیور براساس فطرت و آموزش های دینی بخوبی می داند که بی حجابی همسرش بیشتر از همه چیز خدمتی به مردان هوس ران است و آنان هستند که با دیدن زیبایی ها و جذابیت های همسرش لذت برده واحساس کامروایی کرده و عشق و علاقه به او به جای اینکه در انحصار وی باشد به اشتراک گذاشته می شود. لذا برای جلوگیری از این فاجعه اخلاقی با تمسک به عقل، فطرت و دین همواره مراقب زندگی خود بوده و با تمام توان سعی در حاکمیت رفتارهای عفیفانه در عرصه زندگی داشته و به شدت از معاشرت های مشکوک، مختلط، رفت و آمدهای خلاف شرع و خارج از موازین اخلاقی پرهیز می نماید. البته لازمه این غیرت ورزی آن است که خود مرد نیز اهل عفت و تقوی باشد تا بتواند در پاک دامنی خانواده و عفیف بودن زن و فرزندان مؤثر واقع شود.

به تعبیر امام علی ابن ابیطالب(علیه السّلام):

(دَلیلُ غَیْرُةَ الرَّجُل عفَتُهُ) (1)

نشانه غیور بودن مرد پاکدامن بودن خود اوست.

مرد نمی تواند چشم و دلش در پی ناموس دیگران است توقع نداشته باشد که حریم و ناموس وی حفظ گردد:

هر که باشد نظرش در پی ناموس کسان

پی ناموس وی افتد نظر بوالهوسان

این قاعده ای است که با مضمون روایت اهل بیت نیز مطابقت دارد. امیر المومنین علی ابن ابیطالب(علیه السّلام) با اظهار تأسف از وضعیت فرهنگی جامعه زمان خود می فرماید:

یَا أَهْلَ الْعِرَاقِ نُبِّئْتُ أَنَّ نِسَاءَکُمْ یُدَافِعْنَ الرِّجَالَ فِی الطَّرِیقِ أَمَا تَسْتَحُونَ؟ (2)

وَ قَال لَعَنَ اللَّهُ مَنْ لاَ یُغَار.(3)

ای اهل عراق، مطلع شدم که زنان شما در راه با مردان تصادم و برخورد می کنند و آنان را کنار می زنند! آیا شرم نمی کنید؟!

و فرمود لعنت خدا بر کسی که غیرت ندارد!

1- ینابیع الحکمة، ج 4، ص 309.
2- مشکاه الأنوار؛ ص 236.
3- آثار الصادقین، ج 16، ص 125؛ الحکم الزاهره، ترجمه انصاری، ص528.

در جایی دیگر به دختران جوانی که در آستانه ازدواج قرار دارند توصیه می کند که دو رکعت نماز خوانده و بعد از نماز این دعا را بخوانند:

اَللَّهُمَّ ارزُقنی زَوْجَاً قَنُوعاً غَیُوراً.(1)

خدایا، به من همسری عنایت کن که قانع و غیرتمند باشد.

اوج بی غیرتی

غیرت ناموسی، سلامتی فرد، پاکی خانه و خانواده و پایداری زندگی زناشویی و سلامت اجتماع است. در

جامعه غیور فضائل اخلاقی رشد کرده و محیطی سرشار از معنویت و صفا پدید می آید. امّا جامعه فاقد غیرت جامعه ای آلوده و در حال سقوط است، چنانکه در جوامع غربی نشانه های اضمحلال به روشنی دیده می شود. در جوامع غربی و شبه غربی امپراتور رسانه ای با تمام توان به میدان آمده و با دادن نشانی غلط به مردم آنان را با عناوین به ظاهر زیبا و فریبنده به بیراهه می کشاند.

آری، در جامعه ای که باران پاک معنویت در آن نباریده باشد، از مردان آنان غیرت و از زنانشان عفت و پاکی رخت بر می بندد. در این روزگار وانفسا مردان برای تفاخر و سلطه طلبی حتی از همسرخویش هم مایه می گذارند. بدین معنا که در شب نشینی ها و در کوچه و

1- بحار الانوار، ج 103، ص 268.

خیابان سعی می کند متمدن بودن،شخصیت و امروزی بودن خویش را با لباس، آرایش و برهنگی زن خود به دیگران بفهمانند. در چنین جامعه ای زن برای شوهر یک وسیله و ابزار تجمّلی است. همانطور که مردان سعی می کنند با نوع اتومبیل، خانه، کفش و کلاه خویش خودنمایی کنند با نشان دادن زن خود و لباس و آرایش او می خواهند خودی نشان داده و توجه دیگران را به خود جلب کنند. و این همان اوج بی غیرتی است. در پایان این بخش تحلیلی از شهید متفکر استاد مطهری1 را در خصوص این موضوع از نظر می گذرانیم:

شهوت پرستان از اینکه همسران آنها مورد توجه دیگران قرار بگیرند رنج نمی برند، و احیاناً لذت هم می برند و از چنین کاری دفاع می کنند. و افرادی که با شهوات نفسانی مبارزه می کنند غیورتر و نسبت به همسران خود حساس تر

می گردند، اینگونه افراد حتی نسبت به ناموس دیگران نیز حساسند. یعنی وجدانشان اجازه نمی دهد که به ناموس دیگران بی حرمتی شود.(1)

بی غیرتی در غرب

سؤال: آیا به همین سادگی می توان به خاطر بی حجابی و برهنگی غربی ها به آنها انگ بی غیرتی زد؟

1- مسئله حجاب، ص 62.

پاسخ: ما انگ بی غیرتی به مردم مغرب زمین نمی زنیم، بلکه عمل گفتار و رفتار خود آنان است که چنین مسئله ای را در اذهان ایجاب می کند. غربی ها هم در مباحث نظری و هم در عمل و رفتار نشان داده اند که از حیا، عفت و غیرت بهره ای ندارند. خود اندیشمندان غرب هم بر این مسئله صحه گذاشته اند؛ از جمله « زیگموندفروید» روانکاو اتریشی که به پدر روانکاوی غرب شهرت دارد و بنیانگذار روابط آزاد جنسی در غرب است، در تحلیلی درباره امیال جنسی چنین می گوید:

خویشتن داری و تقوای دینی در برابر میل جنسی گناهی است نابخشودنی و خیانتی است به جامعه، و بلکه به تاریخ و بشریّت.(1)

پس از او کسان دیگری مانند «راسل» با «فروید» همنوا شده و نظریه وی را تقویت نمودند. کار به جایی رسید که راسل گفت:

پدر و مادر ها باید عورت خود را از فرزندانشان نپوشانند، بلکه مرتب آن را به فرزندانشان نشان دهند تا از بچگی همه چیز را بشناسند.(2)

و در بیانی دیگر گفت:

غیرت، صفت پسندیده ای نیست و ریشه آن نوعی بخل و امساک است.(3)

1- اخلاق و رفتارهای جنسی، ص 128.
2- همان.
3- مسئله حجاب، ص 51.

توهین چرا؟

سؤال: برخی افراد در مواجهه با افراد بی حجاب به آنان توهین کرده و برخی نیز آنان را هم ردیف حیوانات قلمداد می کنند. آیا این کار درست است؟

پاسخ: ازنظر اسلام اهانت به دیگران کار صحیحی نیست و در آموزه های دینی به شدت از آن نهی شده است. اهانت کار افراد ضعیف و ناآگاه است. در شرایطی که این همه استدلال محکم و متین و منطقی برای اثبات حجاب وجود دارد، جایی برای اهانت و توسل به روش های غلط و غیر منطقی نمی ماند. اما فارغ از این مسئله، تذکر این نکته خالی از لطف نیست که در میان موجودات زنده انسان تنها موجودی است که دارای امتیازات ویژه ای است. امتیاز برجسته ای به نام «احساس شرم» دارد که این احساس یک خصلت ذاتی و درونی است و براساس آن هر انسانی اصرار دارد که دست کم بخشی از اندام خود را بپوشاند و در معرض نگاه دیگران قرار ندهد.

اگر تکلیف گرایی، سخن گفتن، تفکر، منطق، اندیشه و وجدان از جمله تفاوت های انسان با حیوان است و برای انسان کمال به حساب آمده و به او ارزش می دهد، چرا خصلت بزرگ «احساس شرم» و گریز از برهنگی که خاص انسان است کمال محسوب نشود؟!

به تعبیر پروفسور «اسوالد شوارتز» روان شناس و طبیب اتریشی؛

انسان های اولیه هر قدر هم بدوی بوده اند، ولی احساس شرم را در خود حفظ کرده و آن رازنده نگه

می داشته اند ... حتی از بچه های کوچک هم این احساس را دارند ... شرم حافظ رازهای جنسی انسان و حافظ چیزهایی است که مخصوص خود اوست. ولی امروزه شرم نخستین قربانی گمراهی و اخلاقی در پوشش تمدن و مدرنیته است در حالی که باید از آن صیانت شود تا لطیف ترین ارکان سرشت انسانی حفظ گردد.(1)

تعبیر «حیاء» در آموزه های دینی ناظر به همین مسئله است؛ حیا شرمی است برخاسته از درک خوبی ها و بدی های اختیاری، و به بیان مرحوم علامه مجلسی(رحمه الله)؛ ملکه ای است که موجب خودداری از کارهای قبیح می گردد. شرم و حیا از جمله صفات ارزشی انسان و جلوه ای از فضائل انسانی و اخلاق اسلامی و یکی از

ممیّزهای کلیدی انسان و حیوان و از جمله مبانی اعتقادی مسلمانان به شمار می آید. امام صادق (علیه السّلام) می فرماید:

(لا ایمان لمن لا حیاء له) (2)

کسی که از شرم و حیا بهره ای ندارد از ایمان بی بهره است.

حیاء و شرم جلوه های مختلفی دارد که هر یک از آن دارای جایگاه و ارزش متناسب خود است. حیاء از خداوندی که همواره مراقب و ناظر اعمال و رفتار انسان است. حیاء از خود به عنوان

1- روان شناسی جنسی، ص70 .
2- بحار الانوار، ج 78، ص111.

انسان، گل سرسبد مخلوقات و موجودات دارای عقل، شعور و تکلیف، حیاء از دیگران، حیاء از فرشتگان که همواره با انسانند و اعمال او را ثبت و ضبط می کنند.حیاء از پدر و مادر، حیاء از اعضا و جوارحی که در روزقیامت به عنوان شاهد به دادگاه عدل الهی احضار خواهند شد و مهم تر از این، حیاء از پیامبر اعظم (صلّی الله علیه و آله) و ائمه اطهار: که به تعبیر روایات اعمال و کردار ما به محضر آن بزرگواران عرضه شده و شاهد اعمال ما هستند.

باورکنیم دنیای غرب بی بهره از معنویت و اخلاق و فراری از فضائل انسانی پا به مرز حیوانیت گذاشته است؛ شاید دختر جوان بلند قامت بریتانیایی فکر می کند حیوان است، او بدون قلاده به هیچ جا نمی رود و درخانه نیز نظافت و نظم را رعایت نمی کند. زندگی حیوانی را بر زندگی انسانی ترجیح می دهد. روان کاوان هم هیچ گونه علائم بیماری روانی در او مشاهده نمی کنند و بر این باورند که او با سلامت جسمی و ذهنی کامل به این انتخاب رسیده است... .

این خبر در کنار هزاران خبر عجیب و غریب دیگر همچون اصرار کودکان بر زندگی و سخن گفتن با حیوانات و تقلید از آنان اوج سقوط ساختار اجتماعی تمدنی است که در همه زندگی شعاع نورانی وحی و نبوت را به کناری نهاده و ولایت تجربه و حس را جایگزین آن نموده است.(1)

1- فرهنگ پویا، ج10، ص 158.

آن انسان بی ایمان، سرنوشتی جز انحطاط ندارد و کارش به جایی می رسد که به تعبیر نورانی قرآن کریم « اولئک کالانعام بل هم اضل»؛ حتی از حیوانات هم پست تر می شود.

حجاب و استحکام خانواده

سؤال: نقش حجاب در استحکام خانواده و جلوگیری از فرو پاشی آن چگونه است؟

پاسخ: خانواده کوچک ترین و در عین حال تأثیر گذارترین نهاد اجتماعی بوده و ثبات، سلامت و پاکی آن نقش مؤثری در ثبات سلامت و پاکی اجتماع دارد. اسلام سفارش های مؤکدی در خصوص سالم سازی محیط خانواده و پیرایش آن از آلودگی ها داشته و مرد خانواده را در درجه اول و اعضای خانواده را در مراحل بعد مسئول تحقق این امر می داند. در قرآن کریم آمده است:

(یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَکُمْ وَ أَهْلیکُمْ ناراً((1)

ای کسانی که ایمان آورده اید! خود و خانواده تان را از آتش جهنم نگاه دارید.

تعبیر «نگهداشتن خود» به مفهوم ترک معاصی و مقاومت در برابرشهوات سرکش و «نگهداشتن خانواده» به معنای تعلیم و تربیت، امر به معروف و نهی از منکر و فراهم ساختن محیطی پاک و عاری از گناه و آلودگی در فضای خانه و خانواده است. تعبیر زیبای

1- مریم، آیه 6.

«قو» به معنای نگه دارید، اشاره به این است که اگر خود و خانواده به حال خویش رها شوید، خواه ناخواه در آتش عذاب الهی سقوط خواهید نمود. در روایات پیامبر(صلّی الله علیه و آله) و اهل بیت: هم تأکید زیادی بر این موضوع شده است. از جمله در روایتی از رسول اکرم(صلّی الله علیه و آله) می خوانیم:

اذَا اَرَادَ الله بِاَهل بَیْتٍ خَیرَاً فَقَّهَهُم فی الدّین... (1)

هر گاه خداوند خوشبختی و سعادت خانواده ای را بخواهد آنان را با مسائل و ضروریات و احکام دین آشنا می کند(و

زندگی آنها را با احکام و آداب اسلامی و اخلاقی عطر آگین می سازد.)

بنابراین، رمز ماندگاری و خوشبختی خانواده از نگاه اسلام، تسلیم بودن آنان در برابر اوامر و نواهی پروردگار و التزام عملی به موازین اخلاقی اسلام است. بی تردید یکی از مهم ترین موضوعات دینی که به عنوان ضروری دین و واجب شرعی مطرح شده، رعایت حجاب برای بانوان است. که نقش کلیدی در استحکام نظام خانواده دارد. به این معنا که مرد عفیف و زن محجوب زندگی خود را بر مبنای رضایت حق تعالی تنظیم می کنند، نه سلایق نفسانی و نه ایده های شیطانی. مرد و زن متدین جز به همدیگر نمی اندیشند و چشم طمع به دیگران ندارند. مرد احساس می کند زن با حجاب و

1- نهج الفصاحه، ص 181

عفیفش گوهر وجودی خود را از نگاه های نامحرم و هرزه حفظ کرده و خود را انحصاراً متعلق به شوهرش می داند و بس، و مرد نیز چشم و دلش را روی زن های دیگر بسته و با تمام وجود و در نهایت صداقت، محبت و عشقش را نثار چنین همسری می کند. همین امر نکته ای کلیدی و عاملی مهم در ثبات زندگی زناشویی، جلب اعتماد و احساس خوشبختی به شمار می رود. به تعبیر متفکر شهید استاد مطهری:

اختصاص استمتاعات و التذاذات جنسی به محیط خانوادگی و در کادر ازدواج مشروع پیوند زن و شوهری را محکم ساخته و موجب اتصال زوجین به یکدیگر می شود. فلسفه پوشش و منع کامیابی جنسی از غیرهمسر مشروع او این است. همسر قانونی شخص از لحاظ روانی عامل خوشبخت کردن او به شمار می رود در حالی که در سیستم آزادی کامیابی همسر قانونی از لحاظ روانی یک رقیب مزاحم و زندانبان به شمار می رود و در نتیجه کانون خانوادگی براساس دشمنی و نفرت پایه گذاری می شود.(1)

پیامدهای بی حجابی در خانواده

بی حجابی، خانواده را به چالش می کشاند، چرا که پیامدی جز بی بند و باری، تحریک، جلب توجه دیگران و مشارکت آنان در

1- مسئله حجاب، ص81.

لذت اختصاصی شوهر، بلوغ زودرس و منفی فرزندان و انحراف فکری آنان، بی اعتماد کردن شوهر نسبت به زن و ده ها آسیب و تهدید دیگر ندارد.

در واقع برای زن بی حجاب شوهر و فرزندان جایگاهی ندارند. چرا که اصل، برای او چگونگی جلوه گری، نمایش اندام و حرکات بوده و بیشتر همت و انرژی خویش را صرف

دل ربایی و عرضه پیکر و اندام به دیگران می کنند. آیا جز این است که چنین خانواده ای که رکن اصلی خویش یعنی«زن» و خانه را از دست داده روی آسایش و خوشبختی را نخواهد دید؟ و آیا اضمحلال خانواده جز این است؟!

آیا یکی از دلایل شکل گیری ازدواج های ناموفق و در نتیجه طلاق در جامعه جز این است که زن و مردی به جای اینکه ازدواج آنان بر مبنای گرایش ها و معیارهای اعتقادی، اخلاقی و شناخت از همدیگر باشد برپایه تمایلات شهوانی و عشق های زودگذر حاصل از بی حجابی و بی عفتی زن صورت گرفته است؟!

دختری که همواره با وقار، متانت، حجب و حیاء حضور اجتماعی مؤثری داشته و با پوشش شرعی و رفتاری عفیفانه در جامعه ظاهر می شود. هم در بین اعضای خانواده متدین و معتقد خویش محترم است و هم در نگاه دیگران با شخصیت و ارزشمند جلوه می کند، اما دختری که پا را از حریم اخلاق و عفت خارج کرده و بی بند و باری و بی حجابی را پیشه خود کند، جدای از نافرمانی خداوند و ارتکاب جرائم شرعی، پایه های نظام خانواده را سست

نموده و به اعتبار، احترام و شخصیت تک تک اعضای خانواده اش لطمه وارد ساخته است، چنین دختری نزد خانواده متدین خود حرمتی ندارد چرا که آنان وی را مایه آبروریزی و خفت می دانند و همین برخورد هاست که آرامش خانواده را به تشنج و احترام و عزت آن را به بی شخصیتی و بی حرمتی سوق می دهد.

خلاصه اینکه، بی حجابی تهدیدی جدی برای خانواده هاست و باید از این منظر بیشتر مورد توجه قرار گیرد.

تهدیدی که از سویی زندگی خود را هدف قرار می دهد، به این معنا که فضای خانه و خانواده را تحت تأثیر القائات شیطانی و هواهای نفسانی خویش قرار می دهد، سرمایه های مادی و معنوی را در مسیر لذت های شهوانی و جلوه گری هزینه می کند و به خاطر هوس رانی خویش همه چیز را از دست می دهد. هم اعتماد و محبت شوهر را و هم دلبستگی و علاقه مندی فرزندان را.برای روشن شدن مطلب به بخشی از نامه یک شوهر گرفتار توجه کنید:

زنم در موقع خواب به یک دلقک درست و حسابی تبدیل می گردد. موقع خواب برای اینکه موهایش خراب نشود یک کلاه توری بزرگ بر سرش می بندد، بعد لباس خواب می پوشد، در این موقع است که جلوی آیینه میز توالت می نشیند و گریم صورتش را باشیر پاک کن پاک می کند. از صورتش بوی نامطبوعی به مشام می رسد زیرا کرمی که برای چین و چروک صورتش می مالد بوی کافور می دهد. و مرا یاد قبرستان می اندازد. کاش کار به همین جا ختم می شد ولی این تازه مقدمه

کار است. چند دقیقه در اتاق راه می رود و جمع وجور می کند. آنگاه کلفت خانه را صدا می زند و می گوید: کیسه ها را بیاور، کلفت با چهار کیسه متقالی می آید. خانم روی تخت می خوابد و کلفت کیسه ها را به دست و پای وی می کند و بیخ آن را با نخ می بندد. چون ناخن های دست و پایش«مانیکور» شده و دراز است و برای اینکه به لحاف گیر نکند و چِندشش نشود و احیاناً نشکند دست و پای خودرا در کیسه می کند و به همین ترتیب می خوابد.(1)

از سوی دیگر بی حجابی عامل فرو پاشی زندگی دیگران شده و آرامش آنان را بر هم می زند. چرا که جلوه گری و عرضه اندام و پیکر و صورت آرایش کرده زنان بی حجاب برای مردان، فرصت مقایسه ایجاد می کند؛ مقایسه ای بین همسر خود و این زنی که با آرایش های آن چنانی و لباس های بدن نما و اندامی و پیکری آن چنانی خود را در معرض تماشای دیگران قرار داده و همین مقایسه تیشه ای است به ریشه خانواده.

حجاب امری قدسی

سؤال: چرا حجاب تبدیل به امری مقدس شده است؛ در حالی که تنهایک دستور ساده برای پوشش بانوان است؟

1- نامه ای به یک دختر، ص58.

پاسخ: حجاب تکلیفی الهی و شرعی است و هر چیزی که عقبه معنوی و خدایی داشته باشد هاله ای از تقدس را در خود دارد. اینکه هنگام نماز و علی رغم عدم حضور هیچ نامحرمی باید حجاب شرعی رعایت شود، اینکه هنگام ورود و حضور در مکان های مقدسی چون حرم اهل بیت:، امام زادگان و مساجد تأکید بیشتری به رعایت حجاب می شود و در بسیاری موارد بانوان داوطلبانه حجاب خویش را کامل نموده و سپس وارد این اماکن مقدس می شوند، دلیلی دیگر بر قدسی بودن حجاب است. حال که چنین است، چرا دامنه این امر قدسی تمام عرصه های زندگی را فرا نگیرد؟!

قلب پاک

سؤال: مهم این است که انسان قلب پاک داشته باشد و از درون خود ساخته گردد. حجاب امری ظاهری است و عدم مراعات آن لطمه ای به پاکی قلب انسان نمی زند، با این حال چرا اسلام روی یک امر ظاهری این همه اصرار دارد؟

پاسخ: پاکی قلب و پالایش درون امر بسیار مهمی است و اتفاقاً از لوازم اجتناب ناپذیر پالایش برون به حساب می آید. قلب پاک و به تعبیر قرآن کریم«قلب سلیم» رفتار و کردار و گفتار انسان را نورانی ساخته و خروجی آن عمل صالح، انجام واجبات و ترک محرمات است. کسی دارای قلب پاک است که لازمه آن را هم داشته باشد و آن عبودیت خداوند و اطاعت محض و بی چون و چرا از فرامین اوست. نمی شود کسی مدعی قلبی پاک باشد، اما رفتارش مبتنی بر

گناه، معصیت، وسوسه های شیطانی و هوس های آلوده باشد. «

از کوزه برون همان تراود، که در اوست» از قلب پاک، عمل و رفتار پاک، و از قلب آلوده، رفتاری آلوده صادر می گردد. وانگهی، اگر ملاک ایمان و تقوی صرفاً داشتن قلب پاک بود؛ پس این همه امر و نهی، واجب و مستحب و آداب و احکام، که در قرآن کریم آمده، برای چه بود!

دستورهایی که در قرآن کریم و روایات اهل بیت:در رابطه با انجام واجبات از قبیل: نماز، روزه، حج، جهاد، امر به معروف، نهی از منکر و...، و پرهیز از محرماتی همچون: غیبت، تهمت، دروغ، دزدی، نگاه نامشروع، زنا و ... آمده، چه فلسفه ای می تواند داشته باشد؟!

اگر مهم فقط پالایش قلبی است، دستور خداوند به زنان پیغمبر(صلّی الله علیه و آله) و زنان مؤمنه مبنی بر رعایت حجاب و عفت چگونه توجیه می شود؟

حجاب، دستوری قرآنی و حکمی شرعی است و بر تمام زنان مسلمان واجب گردیده است. مراقب باشیم در دام بهانه جویان منحرف و فتنه گران مغرض نیفتیم. کسی که با بی حجابی و آرایش های آنچنانی در معرض نامحرمان قرار گرفته و با بی شرمی تمام اندام خود را به نمایش می گذارد، مطمئن باشد که با این کار به جنگ با خدا و احکام اسلامی رفته و این گونه بهانه جویی ها او را تبرئه نمی کند.

زیباترین جلوه آفرینش

سؤال: یکی از زیباترین جلوه های آفرینش «زن» است، حال که خدا زن را زیبا آفریده چرا باید این زیبایی و جمال پوشانیده شود؟

پاسخ: قانون الهی زیبایی زن را به طور مطلق مستور نکرده است، بلکه ضابطه مند شده. حکمت الهی ایجاب می کند که برای حفظ و حراست شخصیت زن، سلامت و پاکی جامعه، ثبات نظام خانواده و دهها مسئله دیگر، خودنمایی، طنّازی، خود آرایی و نمایش زیبایی و جذابیت ها در محیط محدود و صرفاً در مقابل همسر صورت گیرد. در روایات اسلامی، برای کامیابی زن و شوهر از همدیگر، بجز در موارد خاص و با رعایت جوانب آن، هیچ محدودیت و ممنوعیتی وجود ندارد و زن و شوهر حق ندارند یکدیگر را از لذت مشروع محروم نمایند. از سوی دیگر به زن توصیه شده که بهترین زینت ها و آرایش ها را برای شوهرش داشته باشد و در این موارد بهترین سلیقه ها را به کار برد. بالاتر از این، خداوند در مقابل چنین رفتاری برای آنان پاداش و ثواب در نظر می گیرد.

محدودیت بیشتر، حرص فزون تر

سؤال: قاعده ای وجود دارد که انسان از هر چه منع شود، نسبت به آن حریص تر می شود. آیا فکر نمی کنید امر به پوشش مردان را به کشف و رؤیت نقاط مخفی اندام زن حریص تر می گرداند؟

پاسخ: اولاً، در یک تأمل منصفانه باید دید بی حجابی قوه حرص و طمع مردان را تقویت می کند یا حجاب؟ بی حجابی محّرک است یا حجاب؟!

انسان زمانی به چیزی حریص می شود که هم از آن منع گردد و هم نسبت به آن تحریک شود، آیا چادر و حجاب انسان را تحریک می کند! قطعاً چنین نیست، آن چیزی که قوای جنسی و شهوانی مرد را تحریک می کند، نگاه به اندام، جذابیت ها و زیبایی های زن و یا سابقه ذهنی اش از آن است، که مخصوصاً چادر تمامی این زمینه های تحریک را از بین می برد.

ثانیاً، اگر چنین استدلالی پذیرفته شود، باید تمامی محدودیت های فردی و اجتماعی را نیز در بر بگیرد؛ چرا که فرض بر این است که هر محدودیتی واکنش معکوس خواهد داشت، پس دیگر نیازی به مقرارت و ضوابط و قانون نیست. آیا وضع قوانین راهنمایی و رانندگی، حقوقی، قضایی، انتظامی، تجارت و دهها موضوع دیگر نوعی محدودیتی برای انسان و زندگی او ایجاد نمی کند؟

تصور کنید اگر این محدودیت ها برداشته شود چه اتفاقی در جامعه می افتد؟ آیا جامعه دچار از هم گسیختگی و بی نظمی نخواهد شد و عنان از دست همه خارج نمی گردد؟ آیا فرد عاقلی می تواند مدعی شود که این محدودیت ها بار منفی دارد، چون انسان را نسبت به خلاف و انجام آن حریص تر می کند.

ثالثاً، چنین اندیشه ای ریشه در افکار افرادی چون «راسل و فروید» دارد؛ راسل می نویسد:

چرا پدران و مادران اصرار دارند، عورت خود را از بچه بپوشانند؟ این اصرار خود سبب تحریک حس کنجکاوی بچه ها می گردد. اگر کوشش والدین برای کتمان عضو تناسلی نباشد، چنین کنجکاوی کاذبی وجود پیدا نخواهد کرد؛ باید والدین عورت خود را به بچه ها نشان بدهند تا آنها هر چه را که وجود دارد از اول بشناسند... لااقل گاهی، مثلاً هفته ای یک بار در صحرا یا حمام برهنه شوند و عورت خود را در معرض دید بچه ها قرار دهند.(1)

«فروید» نیز اعتقاد دارد؛ حجاب زن عامل تحریک و اشتیاق مرد برای نگاه و کنجکاوی مرد است... .(2)

با مثال ساده زیر، پاسخ فروید روشن می شود.

کسی از کوچه ای عبور می کند و در خانه ای باز است. با وجود اینکه این کار خلاف اخلاق است، اما خواه ناخواه سرش را کج کرده و نگاهی به داخل حیاط می اندازد. اگر در خانه بسته باشد، آیا کسی هوس می کند سرش را کج کند و به در بسته خیره شود؟!

1- مسئله حجاب، ص 144.
2- یاران، سال نهم، ص 418.

فصل چهارم : حجاب در دنیای امروز

اشاره

ص: 103

حجاب در دنیای مدرن

سؤال: در جهان مدرن امروز چه اصراری است که زنان با پوشش و حجاب در جامعه حاضر شوند؟ پوشش و حجاب قدیمی شده و با دنیای امروز سازگاری ندارد؟

پاسخ: در همین جهان به اصطلاح مدرن امروز، اساس خانواده و بنیان عفت و نجابت چنان مورد تهدید جدی قرار گرفته و شخصیت واقعی زنان آنچنان به تباهی کشیده شده که بسیاری از فرهیختگان و اندیشمندان غربی نیز به آن اعتراف دارند و طرفداران فرهنگ ابتذال و پوچی را به چالش کشیده اند. تضعیف بنیان خانواده و از هم پاشیدگی خانواده ها، سرگردانی و بی هویتی فرزندان و بی بند و باری و فقدان اخلاق در غرب از آثار تفکر شوم مدرنیته و اندیشه های فمینیستی است که زنان و جوانان را با بحران جدی و جوامع را با چالش خطرناک مواجه کرده و زنان را ابزار شهوت رانی و سلطه جویی مردان قرار داده است.

جایگاه زن و مرد، در همین جوامع به اصطلاح مدرن، چنان به هم ریخته و آش آنقدر شور شده که پروفسور«اکسیون جاگ» استاد دانشگاه «سینسنانی» می گوید:

باید جامعه ای بنا شود که زنان بتوانند یکدیگر را بارور کنند، مردان بتوانند بچه شیر دهند و تخمک های بارور شده را بتوان به بدن زنان یا مردان منتقل نمود. (1)

جامعه مدرن ارزش زن را در حد یک حیوان تنزل داده و با به کارگیری آنان در آگهی های رسانه ای زن را در حد یک کالای قابل خرید و فروش تحقیر کرده است. استفاده ابزاری از اندام زن، از او عروسکی بی خاصیت ساخته است؛ از زیبایی های ظاهر زن برای زر اندوزی و فروش بیشتر استفاده می کنند. زنان خیابانی و مردان هرزه دست به دست هم داده و بنیان اخلاق، عفت، انسانیت، غیرت و حیا را سوزانده و به جای آن شهوت رانی حیوانی و بی قید و بند و ارضای جنسی لجام گسیخته و در نتیجه جامعه ای آلوده، مسموم و بیمار را بنا نهاده اند. آیا همین اوضاع برای اثبات ناکار آمد بودن مدرنیته و اندیشه های فمینیستی کافی نیست!

آیا کسی می تواند ادعا کند که برهنگی و بی توجهی به پوشش زنان در پیدایش و استمرار توحش جنسی در جهان به اصطلاح مدرن امروز بدون نقش است!

برهنگی معضلی است برخلاف فطرت سلیم انسانی و مغایر با اصول اخلاقی، که آثار و تبعات جبران ناپذیری در افراد و جوامع دارد، اگر افراد و جوامع بخواهند به سلامت و پاکی جسم و روح و

1- . وندی شلیت،1383،مقدمه کتاب.

تعالی معنوی دست یابند، یکی از راه های آن، بازگشت به حجاب و تقیّدات معنوی است.

مدگرایی در روایات

سؤال: آیا مخالفت با مدگرایی منفی ریشه دینی و روایی هم دارد؟

پاسخ: در روایات ائمه معصوم: تعابیری دیده می شود که هر چند مستقیماً از پدیده مدگرایی بحث نمی کند، اما می توان آن را با این موضوع مرتبط دانست. تعابیری مانند چگونگی پوشیدن لباس، خوردن غذای کفار، استفاده از لباس شهرت، برهنگی های آخر الزمان و ... مواردی هستند که با وضعیت پوشش و آرایش امروزی قابل تطبیق است. به نمونه های از این روایات توجه نمایید:

قال رسول الله(صلّی الله علیه و آله): و نساء کاسیات عاریات مائلات ممیلات رؤوسهنّ کأسنمه البخت المائله لا یدخلن الجنّه، و لا یجدن ریحها؛ (1)

...زنانی که در عین پوشیدگی برهنه اند؛ کجراهه می روند و دیگران را نیز به انحراف می کشانند؛ سرهایشان همچون کوهان شتر فرو هشته است، اینان به بهشت نمی روند و حتی بوی آن را نیز استشمام نخواهند کرد.

قال علی(علیه السّلام): یَظْهَرُ فِی آخِرِ الزَّمَانِ وَ اقْتِرَابِ السَّاعَهِ وَ هُوَ شَرُّالْأَزْمِنَهِ نِسْوَهٌ کَاسِفَاتٌ عَارِیَاتٌ مُتَبَرِّجَاتٌ مِنَ الدِّینِ دَاخِلَاتٌ

1- میزان الحکمهٔ، ج 2، ص 994؛ پیام پیامبر(متن عربی)، ص420.

فِی الْفِتَنِ مَائِلَاتٌ إِلَی الشَّهَوَاتِ مُسْرِعَاتٌ إِلَی اللَّذَّاتِ مُسْتَحِلَّاتٌ لِلْمُحَرَّمَاتِ فِی جَهَنَّمَ خَالِدَات؛(1)

در آخر الزمان، که بدترین زمان ها و نزدیک قیامت است، زنانی هستند که در حالی که پوشش دارند، ولی برهنه اند. (لباس نازک و بدن نما می پوشند) و با خودآرایی از خانه بیرون می آیند آنها از دین خارج شده و در فتنه ها داخل گشته اند. به شهوات تمایل داشته، به سوی لذات نفسانی می شتابند و حرام های الهی را حلال می شمرند. اینان در دوزخ به عذاب الهی گرفتار خواهند شد.

قال رسول الله(صلّی الله علیه و آله): سَیَأْتِی مِنْ بَعْدِی أَقْوَامٌ یَأْکُلُونَ طَیِّبَاتِ الطَّعَامِ وَ أَلْوَانَهَا وَ یَرْکَبُونَ الدَّوَابَّ وَ یَتَزَیَّنُونَ بِزِینَهِ الْمَرْأَهِ لِزَوْجِهَا وَ یَتَبَرَّجُونَ تَبَرُّجَ النِّسَاءِ وَ زِیُّهُمْ مِثْلُ زِیِّ الْمُلُوکِ الْجَبَابِرَهِ هُمْ مُنَافِقُو هَذِهِ الْأُمَّهِ ... .(2)

یَأْتِی عَلَی النَّاسِ زَمَانٌ الصَّابِرُ عَلَی دِینِهِ مِثْلُ الْقَابِضِ عَلَی الْجَمْرَهِ بِکَفِّه.(3)

به زودی روزگاری می رسد که در آن مردمان غذاهای رنگارنگ می خورند و بر مرکب ها سوار شده و خود را مانند زنان می آرایند. زنان نیز با آرایش و زینت به

1- وسائل الشیعه، ج 14، ص 19؛ من لا یحضره الفقیه، ج 3، ص 390.
2- مکارم الأخلاق، ص 446.
3- بحار الأنوار، ج 74 ، ص94.

جلوه گری و خود نمایی می پردازند. آنها مناقفان امت اسلام در آخر الزمان هستند ... .

زمانی می آید که پایداری در دین مانند آن است که شخص بخواهد قطعه ای آتش را با کف دست خود نگه دارد.

قال رسول الله(صلّی الله علیه و آله) : لعن اللَّه الرّجل یلبس لبسه المرأه و المرأه یلبس لبسه الرّجل؛(1)

نفرین خدا بر مردی که لباس و (آرایش) زنانه داشته باشد و لعنت خدا بر زنی که به لباس و (آرایش) مردانه در آید.

قال رسول الله (صلّی الله علیه و آله): یَا عَلِیُّ مَنْ أَطَاعَ امْرَأَتَهُ أَکَبَّهُ اللَّهُ عَلَی وَجْهِهِ فِی النَّارِ- فَقَالَ عَلِیٌّ(علیه السّلام) وَ مَا تِلْکَ الطَّاعَهُ قَالَ- یَأْذَنُ فِی الذَّهَابِ إِلَی الْحَمَّامَاتِ وَ الْعُرُسَاتِ وَ النَّائِحَاتِ وَ لُبْسِ ثِیَابِ الرِّقَاق؛(2)

کسی که از زنش اطاعت کند خداوند او را به صورت در آتش جهنم می افکند. علی(علیه السّلام)سؤال کرد؛ یا رسول الله طاعت در چه مواردی؟

فرمود: زن تقاضای شرکت در مجالس عروسی، جشن و سوگواری داشته باشد در حالی که از پوشش

1- کنز العمال، ج 15، ص 323؛ نهج الفصاحه(مجموعه کلمات قصار حضرت رسول)، ص 627.
2- وسائل الشیعه، ج 14، ص 130؛ بحار الأنوار،ج 74، ص44.

نازک(بدن نما، اندامی و نامناسب) برخوردار است و مرد هم اجازه چنین کاری را به او بدهد.

قال علی(علیه السّلام): لَا تَزَالُ هَذِهِ الْأُمَّةُ بِخَيْرٍ مَا لَمْ يَلْبَسُوا لِبَاسَ الْعَجَمِ وَ يَطْعَمُوا أَطْعِمَةَ الْعَجَمِ فَإِذَا فَعَلُوا ذَلِکَ ضَرَبَهُمُ اللَّهُ بِالذُّل ؛(1)

این امت مادامی که از لباس یا غذای بیگانگان استفاده نکنند عاقبت به خیر خواهد شد. چرا که اگر چنین اتفاقی

بیفتد خداوند نیز آنان را خوار و ذلیل خواهد نمود.

پیشینه مدگرایی

سؤال: پیشینه مد و مدگرایی در ایران چیست و این پدیده چگونه و تحت تأثیر چه عواملی وارد ایران شد؟

پاسخ: اوج مد و مدگرایی از زمان رضاخان پهلوی وارد ایران شد. رضاخان با توجه به تأثیر پذیری و خود باختگی شدیدی که در مقابل فرهنگ غرب داشت، تعدادی از روشنفکران غرب زده را مأمور کرد که با روش های مختلف و ترویج فرهنگ غرب، راه های گذر از سنت و ورود به دوران تجدّد و مدرنیته در ایران را هموار نمایند.

مانع مهمی که پیش روی رضاخان و روشنفکران غرب زده وجود داشت مراجع تقلید، علما، مبلغین و حوزه های علمیه بود. رضاخان برای رفع و کنترل این موانع اقدام به تأسیس و راه اندازی سازمان«وعظ و خطابه» نمود و علما و حوزه های علمیه را تحت

1- وسائل الشیعه، ج 3، ص 26؛ بحار الأنوار؛ ج 63؛ ص 319.

شدیدترین تدابیر امنیتی و کنترلی قرار داد؛ تا بتواند موج حق خواهی، ظلم ستیزی و دفاع از عفّت، حجاب و نجابت را مهار کند.

ترویج کلاه پهلوی و لباس متحد الشکل، کشف حجاب و تغییر سبک معماری ایران به سبک غربی، از جمله تصمیمات دیگر رضاخان و عوامل غرب زده به اصطلاح روشنفکر بود.

«یحیی دولت آبادی»، از بهائیون فراماسونر، پیشنهاد دهنده طرح لباس متحد الشکل و کشف حجاب، خود پیشگام در این حرکت شیطانی شد و برای نخستین بار و نخستین فرد در ایران حجاب را از سر و روی همسر و دخترانش برداشت و زمینه رابرای اجرای این مأموریت ضد دینی و اخلاق ستیزِ رضاخان آماده نمود. مدتی بعد، در سال 1321، «زینت جهان شاه»، دخترِ سرهنگ حبیب الله فرود، که مدت ها در آموزشگاه های خارج از کشور تحصیل کرده بود، نخستین کارگاه و نمایشگاه لباس و مد فرنگی را در ایران تأسیس کرد.

طولی نکشید که با عرضه لباس های مد، در فروشگاه های کوچک و بزرگ، و با استقبال زنان درباری و اشراف فضای جامعه تحت تأثیر قرار گرفت و علی رغم مقاومت علما و اقشار متدین مردم، رضا خان توانست هدف شوم خود را پیاده کند و ایران را به جولانگاهی برای فرهنگ ابتذال و مدهای وارداتی تبدیل کند.

سر کردگان فرقه ضاله بهائیت نیز جزء اولین کسانی بودند که از این ارمغان شوم استعمار استقبال نموده و با تربیت و مطرح ساختن زنی که بعداً به «قره العین» شهرت یافت به تبلیغ و اشاعه بی حجابی در ایران پرداختند.(1)

قره العین گستاخانه و با بی پروایی تمام احکام اسلام را زیر پا گذاشته و براساس دستور العمل مکتب استعماری بابیت و بهائیت پوشش از روی و تن گرفت و بدون حجاب در جامعه ظاهر شد. او علاوه بر این کار با بی شرمی و وقاحت تمام موضوع اشتراک جنسی را مطرح کرد و به مردم بشارت می داد که یک زن می تواند با چند مرد زندگی زناشویی داشته باشد.(2)

امام خمینی(رحمه الله)، بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، می گوید:

... البته آنان که تمدن و تعالی ممکلت را به لخت شدن زن در خیابان می دانند و به گفته بی خردانه خودشان با کشف حجاب نصف جمعیت کارگر می شود(لکن چه کاری؟! همه می دانید و می دانیم) حاضر نیستید مملکت با طرز معقولانه تر و در زیر قانون خدا و عقل اداره شود، آنهایی که این قدر قوه تمیز ندارند که کلاه لگنی را که پس مانده درندگان اروپا است، ترقی کشور می دانند، با آنها حرفی نداریم که آنها از ما سخن خردمندانه را

1- تغییر لباس و کشف حجاب به روایت اسناد، ص71.
2- همان، ص71.

بپذیرند و عقل و هوس و حس آنها را اجانب دزدیده اند ...

آن روز که کلاه پهلوی بر سر آنها گذاشتند، همه گفتند مملکت باید شعار ملی داشته باشد. استقلال در پوشش دلیل استقلال مملکت و حافظ آن است. چند روز کلاه لگنی گذاشتند سرآنها، یک دفعه حرف ها عوض شد. گفتند ما با اجانب مراوده داریم، باید همه هم شکل باشیم تا در جهان با عظمت باشیم. مملکتی که با کلاه عظمت خود را درست کند، یا برایش درست کنند، هر روزی که کلاهش را ربودند عظمتش را هم می برند.(1)

آیا مدگرایی بد است؟

سؤال: مگر مد گرایی بد است؟ شرایط و سلایق عوض شده و زنان هم مایل هستند امروزی باشند. کجای این کار با اسلام و اخلاق مغایر است؟

پاسخ: مد و مدسازی پدیده ای است که در دنیای امروز به نحو چشمگیری گسترش یافته و این چالش بزرگ اجتماعی به شکلی بی سابقه در لایه های اجتماعی جوامع نوین ریشه دوانده است. در رابطه با این پدیده دیدگاه ها و سخنان زیادی مطرح شده است؛ از جمله «گئورک زیمل» جامعه شناس آلمانی، مد و مدسازی را

1- کشف الاسرار، ص 123.

فرایندی می داند که بر اثر کشمکش میان طبقات متضاد بر سر دستیابی حاصل می شود.

«فرامرز رفیع پور» از صاحبنظران ایرانی نیز همانند زیمل معتقد است؛ مدسازی ریشه در نابرابری های اجتماعی داشته و ثروتمندانی که از دارایی و منابع مالی و اجتماعی بیشتری نسبت به دیگران برخوردارند سعی می کنند که با طرح اشکال جدید لباس، خوراک، گفتمان زبانی، تفریحات و اوقات فراغت و مواردی نظیر آن، خود را از سایر اقشار و طبقات اجتماعی متمایز ساخته و از احترام بیشتر، جایگاه بالاتر و بهره مندی بهتری ازمناسبات و روابط اجتماعی برخوردار نمایند.

افراد طبقات پائین تر نیز به همین نحو و با انگیزه مشابه به شتاب بر اشکال و صورت های پذیرفته شده در منش طبقات ثروتمند روی آورده و در همگون سازی خود با آنها و مرفه نمایی می کوشند و بدین ترتیب آنان نیز سعی می کنند خود را با مدهای مسلط بر طبقات مرفه همرنگ کنند. در این گیر و دار، ثروتمندان نیز از پا ننشسته و به طرح اشکال جدیدتر سبک ها و صورت های زندگی روی آورده و سعی در تفکیک مجدد خود با اقشار فرودست دارند. این صور جدیدتر نیز اغلب به همان ترتیب پیش گفته توسط اقشار پایین تر بازسازی شده و خنثی می گردند.

طبیعی است که با توجه به تمایل اقشار طبقات پایین تر به مد ومدگرایی و عدم تمکن مادی آنان، نظام سرمایه داری و مافیای اقتصاد

مصرفی به تناسب وضعیت آنان اجناس مشابه بدلی و تقلبی را وارد بازار می کنند تا همه مردم را زیر چتر مصرف زدگی مدگرایی و در نهایت فرهنگ مورد نظر خویش قرار دهند. چنانکه «مارکوزه» نظریه پرداز غربی، نظام سرمایه داری را به شناسایی و خلق نیازهای کاذب در افراد و گسترش مصرف گرایی در زندگی روزمره متهم می کند.

در دنیای مد زده همه خود را تابع محض تبلیغات و فضا سازی «مدسازان» می دانند؛ دیگر کسی به چرایی اعمال خود نمی اندیشد. انسان های مدگرا دیگر از اعتماد به نفس و اراده و تصمیم قوی برخوردار نیستند، آنان برای خود تصمیم نمی گیرند، بلکه دیگران برای او تصمیم می گیرند که چه بپوشد، چه بخورد، چگونه زندگی کند و به چه بیندیشد!

به تعبیر «مارکوزه»، در گذشته زمینه های بیشتری برای خلق انسان های قوی و استوار فراهم بود. افرادی که برای خود تصمیم گرفته و سبک زندگی مورد علاقه خود را اتخاذ می کردند. آنها درون دارتر از انسان های ضعفیف امروزی بوده اند. در مقابل، انسان های امروز از توان اجتماعی لازم برای مقابله با پدیده های اجتماعی و تحرکات بیرونی برخوردار نیستند و بسته به میزان اثرگذاری و شدت عوامل اجتماعی، سبک ها و شیوه های زند گی بعضاً ضد و نقیض را پیش می گیرند. امروز «فرهنگ توده ای» عوام گونه مصرف گرا، غیرخلاقی و منفعل در جامعه رشد می یابد و

بدین ترتیب فرد مبدل به ابزاری برای برآوردن اهداف نظام سرمایه داری و مافیای اقتصادی و جریان فرهنگی معاند می شود.(1)

بنابراین، مخالفت با مد و مدگرایی به معنای مخالفت با تنوع و نوع گرایی نیست. تنوع و نوگرایی نیاز طبیعی و فطری هر انسان بخصوص بانوان است. سخن در قبح تقلید مد و افتادن در دام هایی است که عوامل استعماری برای انحراف افکار، زدودن هویت و از بین بردن مبانی اعتقادی ملت ها و حاکمیت فرهنگ ابتذال در جوامع گسترانیده اند. مقام معظم رهبری حضرت آیت ا...خامنه ای(مد ظله) طی سخنان به تشریع این پدیده می پردازد و می فرماید:

تقلید فرهنگی خطر خیلی بزرگی است، اما این حرف اشتباه نشود با اینکه بنده با مد، تنوع و تحول در روش های زندگی مخالفم؛ نخیر، مدگرایی و نوگرایی اگر افراطی نباشد، اگر از روی چشم و هم چشمی و رقابت های کودکانه نباشد، عیبی ندارد. لباس و رفتار و آرایش تغییر پیدا می کند، مانعی هم ندارد، اما مواظب باشید قبله نمای این مدگرایی به سمت اروپا نباشد؛ این بد است. اگر مدیست های اروپایی و آمریکایی در مجلات که مدها را مطرح می کنند، فلان طور لباس را برای مردان یا زنان خودشان ترسیم کردند، آیا ما باید اینجا در همدان یا تهران یا در مشهد آن را تقلید کنیم؟

1- نشریه 19 دی، شماره 905.

رهبر معظم انقلاب در ادامه، شاخص های مد و مدگرایی مثبت را این گونه تشریح می کند:

مدگرایی به شرطی که تقلید از مدل های اروپایی و ترویج لباس شهرت نباشد و موجب اسراف و تبذیر نگردد و حجاب با فرهنگ ملی و دینی خودمان باشد عیبی ندارد.(1)

بنابراین، اگر دختران و بانوان به شاخص های دینی و ملی خود در پوشش و آرایش توجه نکنند و آن را محترم نشمرند در دامی خواهند افتاد که چشم انداز روشنی ندارد. مدسازان اروپایی و آمریکایی جز به دست شستن مخاطبین و مشتریان از اعتقادات، اخلاقیات و در یک کلمه فرهنگ دینی و ملی خود راضی نخواهند شد.

تقلید از« مدسازان و افتادن در ورطه «مد» آغازی برای سقوط در منجلاب فساد و بی بند و باری است.

مگر آنان برای برداشتن چادر از سر ما دست بر می دارند؟ مگر آنان با تبدیل مقنعه به دستمال کوچکی که فقط بخش کمی از سر را پوشش دهد رهایمان می کنند؟ مگر با حذف مانتو و تبدیل آن به کت و لباس تا حد ناف راضی می شوند؟ مگر با ترویج آرایش های غلیظ مشمئز کننده برای زنان و آرایش های زنانه برای مردان، آرام می نشینند! و مگر با تبلیغ و اشاعه تیپ ها و مدل های آرم دار بی ریشه و فاسد از پا می نشینند؟

1- از سخنان مقام معظم رهبری مدظله، تیر ماه 1383.

دشمن با ابزار مد و مدگرایی به میدان آمد و در این جنگ نرم از هر آنچه که دارد مایه می گذارد، او هویت ملی و دینی مردم، بخصوص جوانان را نشانه رفته است. او مشتریان خود را نه یک انسان بالغ، کامل، عاقل و دارای شخصیت و منزلت انسانی که عروسکی کوکی تلقی کرده ونمایش های ظاهری با استفاده از صورت، اندام، جامه و پاره ای از تعلقات مادی را به عنوان تنها وسیله هویت بخشی به او می داند.

هان شنیدم که شبی بر سر مُد

پدر از روی نصیحت می گفت

مرو از خانه بدون چادر

ای بسا گرگ که در جامه میش

نکنند این دغلان از دغلی

دختر از روی تعرض گفتش

باش خاموش دگر یاوه مگو

مدتی شد سپری زین جریان

با سخن های فریبنده عشق

همچو آهو نرمش کرد

گوهر عفت او را زد و برد

همچنانی که به خود می بالید

صید با پای خود افتاد به دام

دختری با پدرش بود به جنگ

که مکن پیروی از راه فرنگ

بر تن خویش مکن دامن ننگ

بهر صید تو نوازد آهنگ

بهر اغفال تو یک لحظه درنگ

آن چه گویی تو بود جمله جفنگ

که تو پیری و بری از فرهنگ

تا که یک شب پسری گوش به زنگ

با کنایات دل انگیز و قشنگ

از ره حیله چو روباه زرنگ

کرد دامن وی آلوده ننگ

زیر لب زمزمه کرد این آهنگ

مرغ با صید خود افتاد به چنگ

ص: 118

نتیجه اینکه مدگرایی یا نو گرایی، به خودی خود نمی تواند مذموم باشد، چرا که جهان طبیعت هر لحظه در حال تغییر و نو شدن است و انسان هم به تناسب از این تحول و نو گرایی بهره مند می شود. هر انسانی، بخصوص جوانان، از بسیاری چیزها خسته می شوند و به دنبال چیزهای جدید و متنوع تر می گردند. باید مراقب بود که این نوگرایی به انحراف کشیده نشود. نوگرایی، اگر با حقیقت خواهی، تعقل و منطق توأم شود و با شئونات دینی و اخلاقی سازگاری داشته باشد و براساس اعتدال، هدفمندی و عقل گرایی انتخاب شود هیچ اشکالی ندارد. به تعبیر استاد شهید مطهری(رحمه الله) دو بیماری خطرناک همواره آدمی را در این زمینه تهدید می کند؛ بیماری جمود و جهالت.

نتیجه بیماری اول، توقف، سکون و بازماندن از پیشرفت و توسعه، و نتیجه بیماری دوم سقوط و انحراف است. جامعه جمود از هر چه نو است متنفر است و جز با کهنه خو نمی گیرد و جاهل هر پدیده نو ظهور را به نام مقتضیات زمان، به نام تجدد و ترقی موجه می شمارد.(1)

پس اگر مدگرایی و مدرنیته بر پایه لذت گرایی، فرد گرایی، و دنیا گرایی، سنت ستیزی، خود نمایی و نادیده گرفتن ارزش های اخلاقی و اهداف انسانی شکل گیرد منفی بوده و از نظر شرع و عقل

1- مجموعه آثار، ج 19، ص 104.

مطرود است.این نوع مدگرایی جامعه را دچار بحران هویت و بی ثباتی شخصیتی کرده و نهایتاً به پوچ انگاری کشانده و آن را در دام بحران ها و چالش های متعدد اخلاقی و معنوی می اندازد و ارمغانی جز اصالت مادی گرایی، پریشانی، افسردگی، بزهکاری، اعتیاد، خودکشی، بحران های جنسی، خانه گریزی، دوستی های خیابانی و امثال آن ندارد.

تنوع و مدگرایی

سؤال: برخی افراد بی حجاب فاقد سوء نیت بوده و صرفاً به عنوان مدگرایی و تنوع، از پوشش روز استفاده می کنند. کجای این کار خلاف است؟

پاسخ: تنوع و نوگرایی، فی نفسه امری نامطلوب نیست و نمی توان افراد تنوع طلب و نوگرا را نابهنجار دانست. اما آیا این تنوع طلبی می تواند مجوز ارتکاب جرم و گناه باشد؟ آیا به بهانه علاقه به نوگرایی و مُد و تنوع طلبی می توان حریم های شرعی را نادیده گرفت و مقرارت اجتماعی و مرزهای اسلامی را پشت سر گذاشت؟ آیا افراد بی حجاب نمی دانند بی حجابی در اسلام حرام و غیرمشروع است؟

بازخوردهای اجتماعی این پوشش را چگونه می توان توجیه کرد؟ آلودگی های اخلاقی و اجتماعی ناشی از نوع پوشش و رفتارهای مدگرایانه را چگونه می توان توجیه نمود؟

آری، آنان که مأموریت دارند به جنگ شرع و اخلاق بروند با همین القائات است که می توانند موفق بشوند.

حجاب و اندیشمندان

سؤال: آیا در بین اندشمندان غیرمسلمان هم افرادی هستند که نظریه لزوم پوشش بانوان را تأیید کنند؟

پاسخ: چنانکه بارها ذکر گردید، حجاب امری عقلی و فطری است و اصل پوشش دارای ریشه دینی در همه ادیان توحیدی و الهی است. بسیاری از اندیشمندان غیرمسلمان هم در این نظریه با این ندای فطری و الهی هماهنگ هستند.

نظریات آنان حاکی از نقد برهنگی و تأیید آثار مثبت و سازنده اصل پوشش و تمجید از زنان محجوب می باشد،که تعدادی از این دیدگاه ها را بررسی می کنیم:

1. آلفرد هیچکاک؛ کارگردان برجسته سینما:

من معتقدم زن باید مثل فیلمی پر هیجان و پر آنتنیک باشد، بدین معنی که ماهیّت خود را کمتر نشان بدهد و بگذارد مرد برای کشف او به خود زحمت دهد.(1)

2. ژان ژاک روسو؛ فیلسوف و اندیشمند:

شبیه شدن زن به مرد باعث تسلط مردان به آنها می شود.(2)

1- مسئله حجاب، ص 73.
2- فمنیسم در آمریکا، ص 47.

3. فرانتن فانون؛ جامعه شناس و فیلسوف:

هر چادری که دور انداخته می شود افق جدیدی را که برای استعمار ممنوع بوده در برابراو می گشاید و پس از دیدن هر چهره بی حجاب امیدهای حمله ورشدن استعمار ده برابر می شود.(1)

4. ادوارد یاکوب؛ جهانگرد و طبیب:

در ایران، در بازار، به زنانی با چادر بر می خورید که به هنگام صحبت کردن از طرز تکلم آنها می توان به مقام بلندشان پی برد. زنان ایرانی در خروج از منزل آزادی بسیاری دارند و علی رغم مستور بودن، در همه امور اعمال نفوذ دارند، حتی در کارهای سیاسی و سقوط برخی حکام و وزرا سرنخ آنها را باید جست.(2)

5. چارلی چاپلین؛ کارگردان و بازیگر معروف سینما در نامه ای به دخترش می نویسد:

دخترم، هیچ کس و هیچ چیز دیگر را در این جهان نمی توان یافت که شایسته آن باشد که دختری ناخن پای خود را به خاطر آن عریان کند... برهنگی بیماری عصر ماست. به گمان من تن عریان تو باید از آن کسی باشد که روح عریانش از آن توست.(3)

1- انقلاب الجزایری، ص14.
2- بهشت جوانان، ص 363 و 364.
3- همان.

6. خانم ساچیکور مورآتا؛ دکترای الهیات، اهل ژاپن:

لطافت زن به باحجاب بودن اوست، اصولاً طبع هر انسانی طالب کشف تنوع ها است، اگر زنان به شکل امروزی بی حجاب باشند چیزی برای جلب توجه مرد باقی نمی ماند.(1)

7. سنت سپرین؛ اسقف کارتاژ:

زنان نباید خود را برای مردان بیارایند، بلکه فقط باید خوشایند خدا باشند و خود را برای خدا پسندیده کنند.(2)

8. ترتولییان، مرجع مسیحیت و اسقف اعظم:

زنان عرب، که خود را طوری می پوشانند که تمام چهره شان پنهان و فقط یک چشمشان پیداست، بیشتر ترجیح می دهند که از یک نور کم برخوردار باشند و لذت ببرند تا اینکه در معرض نگاه دیگران باشند.

فکر و ذهن خود را از تمام آرایش ها و زیورهایی که شما را اجیر می سازد و در خدمت خود می گیرد آزاد کنید. بیهوده است برای زیبا به نظررسیدن خود را خسته کنید، خدا به شما حکم فرموده که" پوشیده باشید".(3)

1- همان .
2- . فراسوی حجاب، ص 134و137.
3- فراسوی حجاب، ص 137.

9. همین اندیشمندان خطاب به زنان می گوید:

شما با روی هم انباشتن موهای سرتان و آویزان کردن تزئیناتی به سر و گردنتان، قد و وزنتان را اضافه می کنید و تزئین موی سر و آرایش و تنظیم آنها در آیینه فقط از خصوصیات زنانی است که شرم و حیا را از دست داده اند!ای زنان، فکر و ذهن خود را از تمام آرایش ها و زیور آلاتی که شما را اجی می سازد و در خدمت خود می گیرد آزاد کنید، بیهوده است که برای زیبا به نظر رسیدن خود را خسته کنید... از دستانی که فقط در روی هم انباشتن و تزئین گیسوان ماهر هستند کار دیگری بر نمی آید! خدا به شما فرموده که؛ پوشیده باشید.(1)

10. خانم گاندی:

ای زنان، اگر آرایش و جلوه گری شما فقط به منظور جلب شهوت مردان است از این کار خودداری کرده و زیر بار چنین خفت و خواری نروید.(2)

11. کلمنت؛ مرجع بزرگ مسیحیت:

زن باید کاملاً در حجاب پوشیده باشد، الا آنکه در خانه باشد. زیرا فقط لباسی که او را می پوشاند می تواند از خیره شدن چشم ها به سوی او مانع گردد. زن نباید خود

1- همان .
2- بهشت خانواده، ص 262.

را عریان ارائه دهد تا دیگری را به نگاه کردن به صورتش وادار به گناه کند.(1)

12. خانم سوزان فالودی؛ اندیشمند و نویسنده غربی:

در پشت این سُرور و بزرگداشت پیروزی زنان در آمریکا و در ورای اجبای که همواره و بی وقفه تکرار می شود که مبارزه برای حقوق زن به ثمر نشست، پیام دیگری خودنمایی می کند. این پیام به زنان می گوید اکنون شما آزاد و برابر هستید، ولی هیچ وقت بدبخت تر از این نبوده اید.(2)

13. خانم بتی فریدان:

امروز زنان به یک بحران جدید هویت مبتلا شده اند که اسم خاصی ندارد. چطور ممکن است زنانی که در چنین مشکلات و بحران های بغرنج و خطرآفرینی به سر می برند خوش بخت نامیده شوند؟! زنان افسرده و غمگین هستند، چون آزادند. زنان اسیر و برده آزادی خود شده اند.(3)

جایگاه لباس در جهانبینی غرب

جایگاه لباس در جهانبینی غرب

سؤال: جایگاه لباس در جهان بینی غرب کجاست؟

1- همان، ص 282.
2- پوشش و آرایش از دیدگاه پیامبراعظم (صلّی الله علیه و آله)
3- همان، ص 5 .

پاسخ: در دنیایی که حدود چهارده قرن خدا را از صحنه زندگی خود حذف کرده و معنویت به حاشیه زندگی رانده شده و استخوان بندی فرهنگ و تمدن آن یک استخوان بندی کاملاً مادی شده است؛ در جامعه ای که هیچ فردایی پس از زندگی در انتظار خود نمی بیند، طبیعی است که تلاش کند تا از همه غرایز خود حداکثر استفاده آزاد و بی حد وحصر بنماید و از عمر خود فقط لذت بیشتر را بداند و بس.

در چنین اجتماعی «تن» انسان یکی از مهم ترین آبشخورهای لذت است و «زن» کالایی است که ارزش آن به اندازه لذت بخشی اوست. در این دیدگاه مادی و لذت محور، زن دیگر آن انسانی نیست که امانت دار الهی باشد، بلکه او فقط یک «تن» است و ارزشش به اندازه ارزش «تن» اوست. اگر این زن در این تمدن و در این جامعه تن خود را به نمایش نگذارد برای او چه باقی می ماند؟ او را نبینند دیگر چه ارزشی دارد؟ همه موجودی و هستی او در این است که دیده شود و با نگاه خریداری ارزیابی گردد. در این فرهنگ، زن فقط «جسم» است و مرد در برابر زن هم «چشم» . زن یک شیء است و مرد مشتری این شیء تا از او بهره ای ببرد و ... .

در این بینش که انسان پوچ است و پوک و خالی از معنویت، و رمز و رازی در وجود او نهفته نیست و هر چه هست همان تن و جسم اوست، لباس چه شکلی می تواند داشته باشد!

ص: 126

واضح است که لباس دیگر وسیله ای برای پوشش تن نیست، بلکه برای آرایش آن است. در چنین حال و هوایی که شخصیت زن به نمایش جسم اوست، لباس او باید قشنگ باشد تا همچون لعاب نازکی روی جسم او کشیده شود و خصوصیات جسمانی او را محو نکند و باید کوتاه باشد تا هر چه بیشتر تن او را نپوشاند... .

لباس، نه خانه تن، که پوست دوم اوست. لباس به تن می کند تا با کمک آن بعضی از اندام خود را در «قالب» و بعضی دیگر را در «قاب» بگیرد. آنچه مدل لباس را تعیین می کند «روانشناسی جنسی» است و درحقیقت مبتکران مدهای تازه همواره در کار تنظیم لیست میان برهنگی و پوشیدگی هستند، تا بتوانند حداکثر جلوه و جاذبه را در این جنس و حداکثر اشتیاق را در آن جنس دیگر ایجاد نمایند.

این تنها لباس زنان نیست که تابع رابطه «چشم و جسم» است، بلکه لباس مردان نیز به چنین سرنوشتی دچار شده است. تصادفی نیست که کت و شلوار مردانه غربی که همه ما امروزه می پوشیم این اندازه چسبیده به تن و به اصطلاح قالب تن است. این ها ناشی از مفهوم مسئله جنسیت در غرب است. این میل به نمایاندن تن است که حتی لباس مردان را هم این اندازه تنگ می سازد و به تن می چسباند ... .(1)

1- فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، ص27.

این بخش را با گفتاری از یکی از اندیشمندان غربی بنام خانم عشیلت به پایان می بریم:

در گذشته ای نه چندان دور در دانشگاه ها از کسانی که مشتاق درس خواندن بودند حمایت می کردند و آنها را در مبارزه با فشارهای جنسی یاری می کردند، ولی اکنون تو هستی که باید از بی بند و بار نبودنت شرمنده باشی....(1)

آری در غرب ارزش ها وارونه شده اند.

سؤال: آیا درست است بگوییم بی حجابی محصول ناآگاهی مردم است؟

پاسخ: صرف نظر از تعداد اندکی که آگاهانه و با اغراض سیاسی اقتصادی و... به بی حجابی روی آورده اند، باید اذعان کرد بی حجابی بسیاری از دختران و زنان

محصول ناآگاهی آنان از حکم شرعی، فلسفه آن و چگونگی و آثار حجاب و عواقب بدحجابی است.

دامنه این ناآگاهی و یا به عبارتی «جهل» آنقدر زیاد است که حتی بسیاری از دختران و بانوان باحجاب را هم شامل می گردد، زیرا آنان نیز انتخابی آگاهانه نداشته و صرفاً حجاب را به عنوان یک سنت خانوادگی و امری عرفی دانسته و نهایتاً آن را امری دینی قلمداد می کنند، اما از فلسفه آثار و بازخوردهای آن اطلاعاتی ندارند. لذا به محض رفع موانع فوق مانند؛ جابجا شدن محل سکونت، محل کار

1- فمنیسم در آمریکا، ص 26.

و یا تغییر و تحولات فرهنگی، حجاب آنان نیز دستخوش تغییر و تحول می گردد.

در یک نظر سنجی که در بین پنجاه خانم بی حجاب صورت گرفت مشخص گردید که اساسی ترین قسمت این

پدیده ناآگاهی آنان نسبت به حجاب است. به طوری که 80% آنان از آثار، خواص و فلسفه حجاب آگاهی قابل توجهی نداشتند.(1)

برخی دیگر نیز حجاب را مخل و مزاحم آزادی، آسایش و خوشبختی خویش می دانستند و بعضی نیز بی حجابی را فراغت بال در فعالیت های اجتماعی عنوان کرده اند. تعدادی از مادران علی رغم اینکه خود محجبه بودند، اما دخترانشان از حجاب مناسبی برخوردار نبودند. آنان علت این امر را عدم توانایی و توفیق در اوضاع دخترانشان در رابطه با حجاب مطرح کرده و از اینکه نتوانسته اند ادله قانع کننده ای برای مجاب کردن دختران برای انتخاب حجاب شرعی اقامه کنند تأسف خود را پنهان نمی کردند.

عده ای نیز علی رغم داشتن پوشش ناقص، آن را حجاب کامل قلمداد می کنند و در حالی که بخشی از موی سر یا پا یا عضوی دیگری از بدن، که از نظر شرعی پوشش آن واجب است، را نپوشانده اند ویا فلسفه حجاب را نادیده گرفته اند تصور می کنند که به تکلیف خویش عمل نموده اند. ناآگاهی از بازخوردها و پیامدهای

1- اخلاق و رفتارهای جنسی، ص 161.

بی حجابی، بی اطلاعی از ویژگی های جسمی و جنسی مردان، کم اطلاعی از احکام شرعی پوشش، خوش بینی بیش از حد به مردان و توجیه و بهانه تراشی برای بی حجابی؛ از جمله جلوه های دیگر این موضوع می باشد که باید مورد توجه و دقت قرار گیرد.

حجاب و محدودیت

سؤال: آیا الزام بانوان به رعایت حجاب، ایجاد محدودیت برای آنان نیست؟ آیا این دستور زنان را نسبت به مردان محدودتر نکرده است؟

پاسخ: اینکه گفته شود حجاب برای زنان محدودیت ایجاد می کند، نوعی القای خصمانه و فریبکارانه است، که توسط شیطان یا دشمنانان آگاه صورت می گیرد. حجاب نه تنها زنان را محدود نمی کند، بلکه جایگاه حقوقی، شخصیت و امنیّت آنان را بالا می برد و مصونیتی قابل توجه برای آنان ایجاد می کند. حضور زن در اجتماع، با حجاب اسلامی، حضوری انسانی، تأثیر گذار، محکم و سازنده است و نوعی انضباط و قانون مندی منطبق بر فطرت، عقل و شرع را به نمایش می گذارد. آیا چنین حضور قانونمند و منضبطی، محدودیت است؟!

حجاب نه تنها محدودیت نیست، که هدیه ای معنوی از سوی خداوند برای زنان به حساب آمده و برخلاف آنچه در متن سؤال مطرح شده است حافظ منافع و مصالح زنان در مقابل مردان

محسوب می گردد، و این مردان هستند که به خاطر محجوب بودن بانوان از بسیاری از بهره وری ها و لذات نامشروع محروم می شوند.

چرا فقط زنان؟

سؤال: چرا مردان از شمول دستور حجاب خارج شده و این دستور فقط زنان را در بر می گیرد؟

پاسخ: این گونه نیست که مردان به طور کلی از دایره رعایت حجاب و عفاف خارج شده باشند، بلکه براساس آموزش های دینی مردان نیز به تناسب وضعیت جسمی و روحی خود تکالیفی دارند که باید به آن پایبند باشند.

رعایت عفت و حیاء، برخورداری از اخلاق جنسی منطبق بر شرع مقدس اسلام و پرهیز استفاده از پوشش های خاص مانند لباس شهرت، لباس بیگانگان و ... از جمله احکامی است که برای مردان نیز لازم الاجرا است. باید توجه داشت که از نظر روانشناسی مردان نسبت به محرک های چشمی شهوت انگیز بسیار حساس بوده و چشم چرانی و هرزه گری ناشی از این حساسیت آنان است؛ درحالی که زنان از چنین حساسیت بالای بصری برخوردار نیستند و درجه تاثیر پذیری از محرک های چشمی پایین تر از مردان است.

تحقیقات علمی ثابت کرده، میزان تحریک پذیری مرد ناشی از نگاه به اندام و تن زن، به مراتب بیشتر از تحریک پذیری زن از مشاهده اندام مرد است. به عبارت دیگر تمام سطح بدن زن برای مرد

محرک است اما زنان نسبت به مردان از چنین تحریک پذیری بالایی برخوردار نیستند. بر این اساس است که از نظر شرعی تمام بدن زن «عورت» محسوب شده و پوشش آن در مقابل نامحرم، بجز موارد استثناء (وجه و کفین) لازم گردیده است.

سختی حجاب

سؤال: حجاب نوعی سختی و مشقت را بر زنان تحمیل کرده است. چرا اسلام این زحمت و سختی را بر زنان روا داشته است؟!

پاسخ: حجاب، سختی و تحمل مشقت، جزئی از جریان زندگی هر انسانی است و آدمی زاد بدون تحمل رنج و مرارت به اهداف خود نخواهید رسید (نابرده رنج، گنج میسر نمی شود). از سوی دیگر هر مسلمانی تکلیفی دارد. تکلیف در لغت از ماده «کلفت» و به معنای سختی است. یعنی همچنان که رسیدن به اهداف مادی و برنامه های زندگی نیازمند زحمت، عرق جبین، خستگی و احیاناً مشقت است، نیل به کمالات معنوی نیز از چنین مسیری می گذرد و با تنبلی و تن آسایی سازگاری ندارد. تمام تکالیف از زحمات نسبی و متعارفی برخوردارند. نماز، روزه، حج، جهاد و ... همه و همه نوعی سختی و زحمت را به همراه خود دارند و انجام دهنده آن باید آن را به جان بخرد تا از ثمرات و برکات دنیوی و اخروی آن بهره مند گردد.

آیا از خواب ناز سحرگاهی برخاستن، وضوگرفتن و نمازخواندن رنج، و سختی ظاهری ندارد؟ آیا در گرمای طاقت فرسای تابستان از اذان صبح تا اذان مغرب، تشنه، گرسنه و احیاناً خسته از کار روزانه

به قصد انجام فرمان الهی روزه گرفتن خستگی و زحمت ندارد؟ و آیادل کندن از زندگی، زن، بچه، علائق و وابستگی ها و در راه خدا جهاد کردن مشقت ندارد؟ اگر با دیده انصاف بنگریم سختی های معنوی اگر بیشتر از سختی های مادی و دنیوی نباشد، کم تر نیست. تفاوت این دو در نتیجه آن هاست. هر چند تلاش های دنیوی مانند درآمد و کسب حلال و خدمت به مردم و... هم اگر با قصد قربت انجام گردد از آثار و برکات و ثواب بسیاری برخوردار می گردد، اما تلاش های معنوی و مشقت در مسیر انجام تکالیف دینی و شرعی به مراتب دارای پاداش و نورانیت دنیوی و اخروی بسیار زیادی است. در روایات آمده است: « افضل الاعمال احمزها»؛ارزشمند ترین عمل ها سخت ترین آنها است.

حجاب هم تکلیفی الهی و دستوری قرآنی است. اگر فرض بر این باشد که رعایت آن برای بانوان مستلزم تحمل زحمت و سختی است، این زحمت و سختی در مقابل آثار و برکات آن که در رأس آن جلب رضوان الهی و خشنودی قلب مقدس پیامبر اعظم(صلّی الله علیه و آله) و ائمه اطهار: است بسیار ناچیز و چه بسا شیرین و گواراست.

ناگفته نماند زحمات و سختی های بی حجابی و غوطه ور شدن در انحرافات اخلاقی و به تبع آن دچار شدن به بیماری های روانی و امراض تناسلی و از هم پاشیده شدن نظام خانوادگی و... بسیار فراتر از سختی های ظاهری حجاب می باشد. بالاتر از این، رنج و عذاب الهی در جهنم، اصلاً قابل مقایسه با این زحمات نیست! این

خوشگذرانی های گذرا و لذات آنی ناشی از نافرمانی الهی منجر به تلخی و شکنجه های اخروی خواهد شد که به تعبیر قرآن کریم :

(عَسی أَنْ تَکْرَهُوا شَیْئاً وَ هُوَ خَیْرٌ لَکُمْ وَ عَسی أَنْ تُحِبُّوا شَیْئاً وَ هُوَ شَرٌّ لَکُمْ وَ اللَّهُ یَعْلَمُ وَ أَنْتُمْ لا تَعْلَمُونَ)؛(1)

چه بسا چیزی را دوست نداشته باشید، حال آن که خیر شما در در آن است؛ و یا چیزی را دوست داشته باشید ، حال آن که شر شما در آن است. و خدا می داند و شما نمی دانید.

چرا چادر؟

سؤال: اگر ملاک حجاب زن «پوشش» اوست، این پوشش می تواند به گونه های مختلفی محقق شود. پس این همه اصرار به استفاده خانم ها از چادر برای چیست؟ چرا در جامعه به گونه ای القا می شود که گویا افراد غیرچادری بی حجاب هستند؟!

پاسخ: برای پاسخ به این سؤال ذکر نکات زیر ضروری است:

نکته اول: باید بین لباس و حجاب تفکیک قائل شد، به این معنا که استفاده از لباس می تواند چند منظوره باشد، از جمله؛ پوشاندن بدن، حفاظت از سرما و گرما و زیبایی و تن آرایی، اما فلسفه اصلی حجاب عبارت است از پوششی که این زیبایی ها را پوشانده و جلوه گری آن را محدود کند. بنابراین، بیراهه نرفته ایم اگر بگوییم

1- بقره، آیه 216.

هرگونه تلاشی برای جذابیت و زیبایی پوشش با اصل حجاب منافات دارد. چرا که حجاب شرعی بانوان ملاک هایی دارد و تنها با تحقق آنها حجاب شرعی محقق می شود. ملاک هایی چون عدم تبرج و جلوه گری، استفاده از رنگ های متین، پرهیز از استفاده از لباس شهرت، پوشاندن برجستگی ها و برآمدگی های اندام و ... .

پس اگر مد با لباس و پوشش زیرین سازگاری داشته باشد، به هیچ وجه با حجاب (پوشش رویین) سازگاری ندارد.

نکته دوم: هر چند چادر تنها شیوه پوشش شرعی نیست، اما اگر درست استفاده شود نقش کلیدی و منحصر به فرد در تحقق حجاب کاملِ شرعی دارد. امتیاز چادر نسبت به سایر لباس ها، سادگی و بی ریایی آن است و اگر بنا باشد خود چادر هم اسیر مدها و رنگ ها و سلیقه ها گردد، خاصیت حجاب بودنش از دست می رود، مانند چادرهایی که اخیراً مد شده؛ چادرهای توری، نازک، چسبان، اندامی و ... .

فلسفه چادر این است که لباس های زیرین را پوشانده و جلوه های آن را خنثی کند. حال اگر فرض بر این

باشد که چادر حذف گردد چه چیزی جایگزین آن می شود که امتیازات و کارکردهای آن را داشته باشد؟!

با حذف چادر، لباس های زیرین نمایان شده، اندام و برجستگی های بدن زن مشخص گشته و عملاً فلسفه حجاب زیر سؤال می رود. وقتی چادر کنار برود و مانتو یا هر چیز دیگر جای آن

را بگیرد اولین دغدغه نوع رنگ آن لباس است که قرار است جای چادر را بگیرد. طبیعتاً رنگی انتخاب می شود که جذاب تر باشد، متنوع باشد، مردم پسند باشد، با مد روز هماهنگ باشد. تنگی، گشادی، کوتاهی، بلندی، مدل دوخت، یقه و همچنین نوع و مدل سایر موارد مربوط؛ مانند رنگ مو، نوع روسری، آرایش و نقش های متناسب با آن لباس و ... همه و همه باید براساس مد روز باشد. چرا که اگر در جامعه آن روز پوشش گشاد مد نباشد زن با پوشش گشاد احساس حقارت نموده و مورد تمسخر قرار می گیرد. پس ناچار است از مدل های تنگ و اندامی استفاده کند، وقتی پوشش بانوان تنگ و اندامی شد اصل فلسفه حجاب، که پیدا نبودن حجم بدن زن است، زیر سؤال می رود.

نکته سوم: هر چیزی فرهنگ و آداب مخصوص خود را دارد. حجاب بدون چادر نیز اقتضائات خاص خود را دارد. نوع خاص راه رفتن، تعاملات اجتماعی، نوع حرف زدن، نگاه کردن و... .

و آخرین نکته اینکه، در فصل گرما قاعدتاً پوشش جایگزین چادر باید از جنس نازک تر و لطیف تر انتخات گردد و این همان چیزی است که با اسلام و احکام آسمانی آن منافات دارد. چرا که در راوایات آمده است: زنی که از لباس نازک

استفاده کند و بدن و حجم آن را در معرض نگاه نامحرمان قرار دهد، از آموزه های اسلام فاصله گرفته است.

بدین ترتیب با کنار رفتن چادر، آرام آرام دختر و زن جامعه آگاهانه وناآگاهانه به سوی فرهنگ بی هویتی و فاصله گرفتن از ارزش های اخلاقی پیش می روند و به تدریج هنجار هایی که مورد قبولشان بوده رنگ می بازد؛ حریم ها شکسته می شود؛ گناه و بی عفتی عادی می گردد و به جای بندگی خدا، بنده و اسیر شهوت، مد و مدل ها گشته و تقلید کور کورانه از تبلیغات پوچ غربی سراسر وجودشان را می گیرد.

چادر مشکی و کراهت شرعی

سؤال: مگر در اسلام رنگ مشکی کراهت ندارد؟ پس چرا این همه اصرار می شود که چادر بانوان مشکی باشد؟

پاسخ: هر چند در بین روایات و احادیث، مواردی دلالت بر کراهت استفاده از لباس سیاه وجود دارد، اما در این باره مسائل زیر قابل توجه است:

1. سند برخی از این روایات ضعیف بوده و قابل دفاع نیست، لذا انتساب قطعی آن به امامان معصوم:شایسته نیست.

2. در بین روایات مواردی وجود دارد که دال بر استفاده اهل بیت:از پوشش مشکی است، استفاده حضرت زهرا(علیهاالسّلام) از لباس روی مشکی، هنگام عزیمت به مسجد و امام صادق (علیه السّلام) از نقش مشکی، از جمله این موارد است.

3. در روایاتی که دال بر کراهت استفاده از رنگ سیاه است، مواردی چون عمامه، کفش، سربند(روسری) و

گونه ای از چادر زنانه استثناء شده است.

4. پایبندی به احکام شرعی بسیار پسندیده است، اما شایسته است که این تقلید همه جا و در تمامی عرصه ها جاری و ساری باشد. برخی از افراد هیچ گونه پایبندی به اصول اعتقادی و احکام شرعی ندارند و صرفاً به عنوان یک بهانه کراهت رنگ مشکی را مستمک قرار داده و از رعایت حجاب کامل و برتر شانه خالی می کنند.

5. از نظر شرعی، یک مسلمان یا مجتهد است یا مقلد، و یا محتاط. مقلدان باید در مسائل و احکام شرعی مربوطه (واجب، حرام، مستحب، مکروه و مباح) تابع نظر مرجع تقلید خویش باشند و از آنها جلو و عقب نیفتند. کدام مرجع تقلید تا کنون حکم به کراهت رنگ مشکی برای چادر داده است؟ نه تنهاچنین حکمی وجود ندارد که اتفاقاً برخی از مراجع بزرگوار استفاده از چادر مشکی را پسندیده تر و بهتر می دانند.

6. رنگ مشکی در پوشش رویین، انتخاب خود بانوان در صدر اسلام بود، به طوری که پس از نزول آیه حجاب، زنان مؤمنه پوشش مشکی را برای خود انتخاب کردند. با توجه به اینکه پیامبر(صلّی الله علیه و آله) نیز این انتخاب را تقبیح نکرده اند، از نظر شرعی نوعی امضا و تأیید آن حضرت به حساب می آید.

چرا چادر مشکی؟!

سؤال: از نظر علمی، ثابت شده که رنگ مشکی موجب افسردگی و کسالت می شود. با این حال تشویق و ترغیب استفاده بانوان از چادر مشکی چگونه توجیه می شود؟

پاسخ: در صحت این ادعا که رنگ مشکی ایجاد افسردگی و انزوامی کند تردید هست و موارد زیادی وجود دارد که این فرضیه را نقض می کند. اگر این ادعا را قبول کنیم باید بپذیریم که استفاده مردم مسلمان و علاقه مندان و ارادتمندان اهل بیت عصمت و طهارت: از لباس سیاه در ماه های محرم و صفر، ایام فاطمیه و سایر مناسبت ها آنان را افسرده می سازد، در حالی که قضیه کاملاً برعکس است و شور، شعور، انگیزه، انرژی، نشاط معنوی، عشق سرشار و حضور مؤثر اجتماعی عزاداران اهل بیت: بسیار برجسته و قابل تأمل است.

بسیاری از افراد از کت و شلوار یا کفش مشکی استفاده می نمایند و اتفاقاً جزء شاداب ترین و با نشاط ترین افراد نیز به حساب می آیند.

از نگاه روانشناسی به این نکته دقت شود که، ممکن است کسانی که دارای افسردگی روانی هستند به رنگ تیره پناه ببرند، نه اینکه رنگ تیره الزاماً ایجاد افسردگی می کند.

و نهایتاً اینکه، اگر رنگ مشکی موجب سلب نشاط و تحرک می شود، در مورد چادر بیشتر برای طرف مقابل تأثیرگذار است، که همان مردان می باشند و این با فلسفه حجاب و جلوگیری از تحریک

جنس مخالف کاملاً هماهنگی دارد، زیرا خود استفاده کننده از چادر معمولاً کمتر آن را مشاهده می کند.

باز هم چادر مشکی

سؤال: چادر مشکی موجب جلب توجه بیشتر نامحرمان به چهره بانوان می شود. با این وصف در اسلام که مدافع حریم بانوان است چرا توصیه اکید به استفاده از چادر مشکی است؟

پاسخ: اولاً، در اسلام الزامی به پوشش چادر مشکی نشده است. این خود بانوان بودند که در صدر اسلام پوشش مشکی را برای خود انتخاب کردند و پیامبر اکرم (صلّی الله علیه و آله)نیز آن را تأیید نمود.

ثانیاً، برخلاف ادعای مطرح شده در متن سؤال، از نظر روانشناسی رنگ مشکی «صامت» است و برخلاف رنگ های دیگر محرک و تحریک پذیر نیست. پس استناد به محرک بودن رنگ مشکی نادرست است. همچنین از نگاه علم روانشناسی رنگ مشکی به منزله گفتن«نه» و پاسخ منفی به هوس ها، هرزگی ها و بی بند و باری ها و مرزی مستحکم و استوار بین محرم و نامحرم به حساب می آ ید.

ثالثاً: معیار کلی برای پوشش زن در اسلام این است که لباس و چادر محرک شهوت نباشد، جامعه را آلوده نکند و متانت و عفت زن را تحت الشعاع قرار ندهد. در بین رنگ ها، رنگ مشکی جامعیت بیشتری را برای تأمین این شاخصه ها دارد، از این رو به عنوان حجاب برتر مطرح شده است.

سؤال: در کجای قرآن بحث چادر برای زنان مطرح شده است؟

پاسخ: در آیه 51 سوره مبارکه احزاب واژه «جلباب» عنوان شده است که بیان کننده نوع پوشش زنان مسلمان است. جلباب در لغت به معنای پوشش کامل و بزرگ است.(1)

مفردات راغب آن را به پیراهن و روسری معنی کرده و«قاموس» جلباب را چیزی مانند ملحفه ای می داند که زن به وسیله آن تمام جامه های زیری خویش را می پوشانده (چارقد).

مفسران نیز نظرات مشابهی در این خصوص ارائه کرده اند.

بنابراین، جلباب پوشش بزرگ، گسترده و سرتا سری است که همه ظاهر بدن را می پوشاند و روی لباس های دیگر قرار می گیرد و دقیقاً همان مفهوم از آن انتزاع می شود که امروز از چادر انتزاع می شود.

1- . التحقیق فی کلمات القرآن، ص 95.

فصل پنجم :حجاب از زوایای گوناگون

اشاره

ص: 142

حجاب و فرهنگ

سؤال: شما فقط نقاط منفی فقدان حجاب در جوامع را می بینید، در حالی که باید نیمه پر لیوان را هم دید؛ اگر برهنگی و بی حجابی مولد آسیب های فردی، اجتماعی و فرهنگی است، پس چرا جوامع غربی در علم، تکنیک و هنر حرف اول را می زنند؟

پاسخ: نمی توان با قاطعیت این نظریه را پذیرفت که برهنگی و بی حجابی در پیشرفت مغرب زمین نقش داشته است. پیشرفت علمی و تکنیکی معلول عوامل متعددی است که باید در جای خود مورد بررسی قرار گیرد، در حالی که می توان به سهولت نقش منفی آن را در تنزل سطح علمی و فرهنگی جوامع ثابت نمود. چگونه می توان پذیرفت در دانشگاهی که محل رشد و بروز استعدادهای علمی است دانشجو در محیط کلاس با جلوه گری های طنازانه دختران و اندام های برهنه و مدل های رنگارنگ آنان مواجه شود و از نظر فطری و غریزی همه حواس خود را متوجه دانش اندوزی تعمق و پژوهش نماید؟ چرا که در این جوامع دانشگاه و مدرسه از ماهیت تربیتی و آموزش خود خارج شده و به نمایشگاهی از نگاه های جنسیتی و لذت محوری تبدیل شده است.

بی دلیل نیست که غرب امروز به بن بست رسیده و بسیاری از کشورهای غربی پس از تجربه طولانی برهنگی و اختلاط در مراکز علمی و تحقیقی اکنون به فکر تفکیک مرد و زن افتاده و البته پس از اعمال آن به توفیقات بیشتری دست یافته است. امروز به تازگی شاهد جدا سازی زنان و مردان در وسائل حمل و نقل عمومی غربی هستیم، در حال حاضر فرهیختگان و دل سوزان فرهنگی غرب به این نتیجه رسیده اند که یکی از عوامل رکود علمی و اخلاقی اختلاط در محیط آموزشی است و در اندیشه جدا سازی آنها افتاده اند.(1)

یکی از نویسندگان غربی در تحلیل شرائط و وضعیت کنونی جامعه غرب چنین می نویسد:

در آمریکا انقلاب بازگشت به پوشش های عفیفانه در حال شکل گیری است.(2)

براساس مقاله ای در مجله تایم به تاریخ جولای 1989 میلادی موج عظیم حرکت به سوی عفت و محافظه کاری در آمریکا در راه است و تقاضا برای استفاده از لباس های پوشیده، سال به سال افزایش می یابد.(3)

ریشه های فرهنگی، پدیده بی حجابی

سؤال: از نظر فرهنگی پدیده بی حجابی معلول چه عواملی است؟

1- . پوشش و آرایش، ص 27.
2- فمنیسم در آمریکا، ص59.
3- همان.

پاسخ: عوامل متعددی را از نظر فرهنگی می توان به عنوان ریشه های بروز بی حجابی در جامعه برشمرد که به تعدادی از آن به صورت اختصار اشاره می شود.

1. ضعف نگاه استراتژیک به موضوعاتی مثل حجاب.

2. تعدد و تنوع سازمان های مسئول با نگرش ها و فعالیت های مختلف و بعضاً متعارض.

3. ارائه نکردن تعریف مشخص از پوشش زمان، متناسب با ضرورت های فرهنگی جامعه در عصر جدید و نیازشهروندان و تلاش نکردن برای معرفی الگوهای پوششی متناسب با سلیقه های متعدد، منطبق با معیارهای شرعی حجاب.

4. فقدان تلاش جدی و برنامه ریزی شده برای اوضاع فرهنگی در زمینه حجاب و برخورداری از برخی رفتارهای افراطی و تفریطی و احیاناً ترویج اباحه گری و تساهل و تسامح در بحث پوشش و تسری این دو در عرصه های مختلف مد، نمایش فیلم و سینما، موسیقی، رسانه و ... .

5. بی توجهی به جنبه های اخلاقی و تربیتی حجاب و پیامدهای منفی آن.

6. تلقی نکردن بی حجابی به عنوان معضل اجتماعی و مؤلفه امنیتی و فقدان تلاش منسجم و برخورد اصولی با آن و توجه ناکافی به نقش و اهمیت ساختارهای نظارتی و کنترل غیر رسمی و برنامه ریزی مناسب برای بهره گیری از مشارکت جمعی در حل معضلات اجتماعی همچون امر به معروف و نهی از منکر... .

7. ضعف برنامه ریزی در تأمین نیاز جنسی و زمینه سازی برای ازدواج بهنگام و آسان.

8. سوء استفاده بدخواهان از بی حجابی برای مخالفت با نظام سیاسی، اسلام و ارزش های فرهنگی مورد حمایت آن.

حجاب و کارکرد اجتماعی

سؤال: آیا حجاب کارکرد اجتماعی هم دارد، یا فقط در کارکرد فردی خلاصه می گردد؟

پاسخ: اسلام در مسئله پوشش و حجاب زن دو هدف اساسی را مدّنظر دارد:

الف. مصونیت خود زن در برابر طمع ورزی و هوس رانی افراد بیمار دل و هرزه.

ب. پالایش جامعه از آلودگی ها و فساد و تأمین سلامت و امنیت اخلاقی اجتماع و ایجاد زمینه برای رشد معنوی مردم با مدیریت غرایز و فرو کشی التهابات جنسی و در نتیجه تحکیم و ثبات خانواده ها به عنوان هسته های اولیه اجتماع.

اسلام با تشریع حجاب، می خواهد اجتماع را از فضای جنسیتی منفک و تحت تأثیر فضای انسانی و اخلاقی قرار دهد. بدیهی است که رشد و بالندگی جامعه به سلامت و امنیت جسمی و روحی افراد آن بستگی دارد و به تعبیر استاد شهید مطهری(رحمه الله):

عجبا، که می گویند حجاب نیمی از افراد اجتماع را فلج کرده است؛ درحالی که بی حجابی و بی بند و باری نیروی تمام افراد زن و مرد را فلج کرده است.

جامعه بی حجاب در معرض انواع آسیب ها و آلودگی های قرار دارد و در موضوع جرائم جنسی به حد غیرقابل کنترل می رسد، همچنانکه جوامع غربی و غرب زده به حدی از ابتذال رسیده اند که اکنون خود نیز بدان معترف اند و در پی راه فرار از گردابی هستند که خود بانی آن بوده اند.

اینکه در آمریکا 45% دختران دبیرستانی پیش از فارغ التحصیلی مورد تجاوز قرار می گیرند؛

اینکه 80 % دختران انگلیس همراه خود قرص ضد بارداری دارند؛

اینکه در آمریکا به طور رسمی هر پانزده دقیقه یک نفر مورد تجاوز به عنف و آزار جنسی قرار می گیرد؛(1)

اینکه سالیانه در ایتالیا بیست هزار زن و در آلمان 7500زن مورد تجاوزجنسی قرار می گیرد؛

اینکه از تلویزیون فرانسه گزارش می دهند که در این کشور هر سال بیش از000/300 دختر و زن مورد حمله یا تجاوز جنسی قرار می گیرند؛

1- . براساس آمار اعلام شده از مرکز آمار وین، به نقل از کتاب «راز یک فریب».

و اینکه نیمی از یازده هزار زن مصاحبه شونده انگلیس می گویند شب ها هرگز بدون شخص همراه جرأت نداریم حتی برای چند دقیقه از خانه بیرون برویم.(1)

اینها نشانگر چیست؟ آیا به خاطر داشتن حجاب و رعایت حریم های زن و مرد است یا برعکس! آیا اینها ریشه در فرهنگ برهنگی ندارد؟

اجتماع متعالی، اجتماعی است که به فرموده امام علی(علیه السّلام)در آن شهوت و حکمت با هم جمع ن شوند؛ «لا تجمع الشهوۀ و الحکمۀ». اجتماع سالم و پاک اجتماعی است که به گفته شهید مطهری(رحمه الله):

«انواع التذاذهای جنسی و بصری به محیط خانوادگی و در چارچوب ازدواج قانونی اختصاص یافته و اجتماع منحصراً برای کار و فعالیت باشد.»(2)

حجاب و محدودیت های اجتماعی

سؤال: آیا فکر نمی کنید وضع قانون حجاب در اسلام برای زنان دست و پا گیر بوده و مانع حضور مؤثر آنان در فعالیت های اجتماعی می گردد؟

پاسخ: به طور کلی در اسلام منعی برای حضور اجتماعی زن وجود ندارد، مشروط بر آنکه این حضور به نفع خود او، خانواده و

1- . همان .
2- مسئله حجاب، ص 79.

اجتماع بوده و لطمه ای به این ارکان وارد نسازد. تحقق این شرط منوط به رعایت اصل عفت و حجاب توسط بانوان و حفظ حریم شرعی و اخلاقی می باشد. با رعایت این اصل، بانوان می توانند در عرصه های مختلف اجتماعی که با شئونات جسمی و روحی آنان سازگاری داشته باشد حضور داشته و دارای آثار برجسته ای گردند. چنانکه چنین صحنه هایی از صدر اسلام تاکنون واقع شده و زنان نامدار سکاندار عرصه های تأثیر گذار اجتماعی بوده اند.

فیلسوف شهید استاد مطهری(رحمه الله)در این زمینه می نویسد:

آن چه اسلام می گوید، نه آن چیزی است که مخالفان اسلام، اسلام را به آن متهم می کنند؛ یعنی محبوسیت زن در خانه، و نه نظامی است که دنیای جدید آن را پذیرفته است و عواقب شوم آن را می بیند. یعنی اختلاط زن و مرد در مجامع. اسلام می گوید: نه حبس و نه اختلاط، بلکه حریم نسبت جاری مسلمین از زمان رسول خدا(صلّی الله علیه و آله)همین بوده است. که زنان از شرکت در مجالس و مجامع منع نمی شدند ولی همواره اصل حریم رعایت شده است. (1)

رسول اکرم(صلّی الله علیه و آله)هرگز همسرش را محصور نمی کرد، آنان را با خود به سفرمی برد و برای خارج شدن آنان از منزل با آنان مخالفت نمی کرد. اشکال کار اینجاست که امروز اجتماعی شدن زن را با

1- مسئله حجاب، ص 41.

تجمل و خود نمایی لازم و ملزوم تصور می کنند، در حالی که اگر بنا باشد زن به طور جدی وارد اجتماع شود باید دست از تجمل، آرایش، خود نمایی و برهنگی بردارد. لازمه اجتماعی شدن این است که فرد کمتر به خود بپردازد و خود را همچون قطره ای در دریای جامعه غرق کند. این همه تنوع و تفنن که در لباس و آرایش زن غرب و غرب زده وجود دارد نشانه آن است که زن در جامعه غرب و غرب زده به طور جدی وارد جامعه نشده، بلکه به عنوان یک شیء لوکس و تزئینی که همواره جای او در حاشیه کارها جدی است به جامعه دعوت شده است. او به جامعه دعوت نشده، بلکه در جامعه به بازی گرفته شده است. او کسی است که به فکر اجتماع و جامعه نیست، بلکه در اندیشه سر و وضع خویش است. (1)

حجاب و ارتباطات

سؤال: آیا والدین در چگونگی معاشرت و ارتباطات فردی و اجتماعی و محجبه بودن یا بی حجابی دختران نقش دارند؟

پاسخ: تردیدی نیست که خانواده، اطرافیان، بستگان و دوستان نقش قابل توجهی در سرنوشت مادی و معنوی انسان ایفا کرده و هر چقدر وابستگی انسان و دلبستگی او به اطرافیان بیشتر باشد، احتمال تأثیرپذیری نیز بیشتر است. در بحث پوشش نیز چنین واقعیتی جریان

1- فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، ص 62.

داشته و همبستگی زیادی بین نوع پوشش اطرافیان از قبیل مادر، خواهر، دوستان فرد و پوشش خود فرد وجود دارد.

درصد بالایی از دختران چادری دارای مادری چادری هستند و 70 % دختران که صمیمی ترین دوستانشان چادری هستند، آنان هم چادری هستند و 73% از دخترانی که نزدیک ترین دوستانشان از حجاب کامل و چادر فراری بوده و از مانتو و روسری استفاده می کنند پوشش این گونه را برای خود انتخاب کرده اند.

چه بسیار دخترانی که دارای شخصیت مذهبی بوده اند، ولی به علت معاشرت با دوستان ناباب و یا تحت تأثیر خانواده یا محیط نامناسب و برای فرار از انگ اُمُّل بودن، عقب مانده بودن، مرتجع بودن، و ... به رنگ آنان درآمده و بی حجابی و بی بند و باری را انتخاب نموده اند. همچنان که مذهبی بودن و تقیّد والدین به مسائل شرعی و اخلاقی در شکل گیری شخصیت مذهبی و ارزشی دختر نقش مؤثر دارد. براساس برخی پژوهش ها، هر چه والدین مذهبی تر باشند، نگرش آنان به حجاب مثبت تر است. از سوی دیگر هر قدر منزلت رعایت حجاب در خانواده بیشتر باشد. وضع حجاب نیز به سوی الگوی مطلوب تمایل پیدا می کند.(1)

1- تأثیر، عوامل اجتماعی بر نحوه پوشش اجتماعی دختران دبیرستانی در تهران (پایان نامه)، فاطمه شمس عفیف آبادی.

حضور اجتماعی بانوان در عصر معصومین:

سؤال: آیا در سیره نورانی معصومین : شواهدی دال بر حضور بانوان محجبه و باعفت در عرصه های اجتماعی وجود دارد؟

پاسخ: آن چه در سیره نورانی پیامبر اعظم (صلّی الله علیه و آله) آمده است به هیچ وجه حاکی از محدودیت و انفعال زنان محجبه در اسلام نیست. پیامبر هیچ گاه همسرانش را محصور نمی کرد، خدیجه در نماز جماعت پیامبر(صلّی الله علیه و آله) حاضر می شد، جلسات مناظره و مباحثه ام حبیبه، همسر پیامبر، با کفار قریش پیرامون مسائل اعتقادی و احکام دینی و هم چنین جلسات ویژه بانوان در تاریخ ثبت شده است. ام سلمه در غزوه خیبر، فتح مکه، شکستن حصار طائف، جنگ هوازن و آخرین حج پیامبر(صلّی الله علیه و آله)حضور داشت و به عنوان بانویی فقیه و پارسا پاسخگوی مسائل علمی و سؤالات گوناگون مردم بود.

حضرت فاطمه زهرا(علیهاالسّلام)، دختر گرامی پیامبر(صلّی الله علیه و آله) پیشتار فعالیت های علمی، فرهنگی و سیاسی بود و همواره یار و مدافع رسالت و ولایت. زهرای مرضیه(علیهاالسّلام) با همت مردانه اش، با خطبه های بلیغش، با اشک های حماسی اش و با تربیت فرزندانی آسمانی همچون حسن، حسین، زینب و ام کلثوم در دامن عصمت و کرامتش در تاریخ ماندگار شد و خود تاریخ ساز گردید.

حماسه سازی های «زینب کبری» و«ام کلثوم» در جریان کربلا و پس از آن گواه دیگری به نقش مؤثر و بی بدلیل زنان نامدار اسلام در عرصه های اجتماعی است.

اصلاح محیط

اشاره

سؤال: به جای ملامت بی حجاب، باید جامعه را اصلاح کرد، چرا که جامعه امروز چنین اقتضایی دارد که زنان به خاطر همرنگی با محیط بی حجابی را انتخاب کنند؛ چرا به جای علت با معلول مقابله می شود؟

پاسخ: هر چند محیط در شکل گیری شخصیت انسان موثر است اما علت تامه نیست. علاوه بر این، همرنگ شدن با محیط فاسد، همنوا شدن با شیطان و مغایر با آموزش ها و رسالت انبیای عظام و ائمه معصومین : است؛ پیامبران و جانشینان آنان آمدند تا انسان را از محیط فاسد و انحرافات اخلاقی آن نجات دهند و با تربیت انسانهای صالح محیط را اصلاح کنند. هر محیط فاسدی می تواند به دست انسانهای صالح اصلاح شود و به جای تأثیرگذاری، تأثیر پذیر شود.

آیا دو واجب اساسی و مهم امر به معروف و نهی از منکر، که در دین اسلام آمده است، جز در محیطهای فاسد و مواجهه با افراد ناصالح و ناگاه معنا و مفهوم پیدا می کند؟!

کم نیستند افرادی که در محیطهای نامساعد رشد و نمو کرده، اما با تکیه بر ایمان، تقوی و اعتقادات خویش جامعه را متحول کرده و سلامت و پاکی را به آن هدیه داده اند.

تأثیر حجاب در بهداشت روانی جامعه

سؤال: آیا می توان ادعا کرد که حجاب در بهداشت روانی جامعه نقش دارد؟

پاسخ: نه تنها می توان چنین ادعایی کرد، بلکه اگر جامعه حجاب همه جانبه داشته باشد، با جرأت می توان گفت که تضمین کننده بهداشت روانی جامعه است.

پوشش و حجاب به شرطی که در برگیرنده ابعاد و جوانب لازم نباشد، بی حجابی و برهنگی و جلوه گری محرّک جنسی جامعه بوده و جاذبه های کاذب و خطرناک خود را مانند ویروس های مهلک در جای جای جامعه می پراکند و بهداشت و سلامت روانی مردم را تهدید می کند.

ولی اگر جامعه تبدیل به جامعه ای عفیف و محجوب شود و زنان آن جامعه خود را مکلّف به رعایت شئون و حجاب الهی و رفتار عفیفانه بدانند، خود بخود محرّک های جنسی و روانی و جاذبه های کاذب از جامعه پالایش شده و از غرق شدن جامعه در مسائل شهوانی و ضد اخلاقی جلوگیری خواهد شد.

از هم گسیختگی نظام خانواده و وجود بیماری های روانی ناشی از تحریک های مستمر در جوانان، سیر نزولی اخلاق اجتماعی و معنویت از آسیب های اجتماعی است که منشأ اصلی آنها غفلت از خدا و عدم توجه به احکام و حدود الهی همچون حجاب و پوشش است که بهداشت روانی جامعه را به خطر می اندازد. بنابراین، برای برخورداری از بهداشت روانی در جامعه و افراد آن مطمئن ترین و

بهترین راه پیروی از دستورهای الهی و قوانین شرعی و بخصوص حجاب و پوشش میباشد.

مقبولیت اجتماعی

سؤال: افراد بی حجاب در جامعه مقبولیت بیشتری داشته و مورد توجه اند. آیا بانوان چاره دیگری غیر از همنوایی با جامعه دارند؟

پاسخ: اولاً، این ادعا درست نیست. ثانیاً، به فرض که این ادعا درست باشد، باید بگوییم مگر توجه دیگران و ادعای مقبولیت اجتماعی می تواند قبح و زشتی یک کار را بردارد! آیا می شود به بهانه داشتن مشتری هر کار خلافی را انجام داد!

اگر در جامعه ای ناهنجاری ها ارزش تلقی شود و به تعبیر روایات، «منکر» معروف قلمداد گردد، دلیل بر مشروعیت و رضایت خداوند نیست. پیامبر اکرم (صلّی الله علیه و آله)می فرماید:

مَنْ طَلَبَ رِضَی النَّاسِ بِسَخَطِ اللَّهِ وَکَلَهُ اللَّهُ إِلَی النَّاسِ؛(1)

کسی که رضایت و توجه دیگران را بر رضایت خداوند ترجیح دهد، خداوند او را به همان مردم واگذار می کند.

دینداری و تقیُّد به آداب و اخلاق، نه تنها یک نیاز فطری است، بلکه بر پذیرش اجتماعی نیز اثر گذار است. جامعه، فطرت های پاک و خدایی را بیش از دیگران مورد اعتماد می داند؛ هرچند خود به دلیل آن آگاه نباشد

1- أمالی الصدوق، ص201.

از امام علی(علیه السّلام) نقل شده است که:

مَنْ أَصْلَحَ فِیمَا بَیْنَهُ وَ بَیْنَ اللَّهِ أَصْلَحَ اللَّهُ فِیمَا بَیْنَهُ وَ بَیْنَ النَّاس؛(1)

آن کسی که رابطه خود را با خدا اصلاح کند خداوند رابطه اش را با دیگران اصلاح خواهد نمود.

حجاب مردان

سؤال: چرا به زنان می گویند حجاب داشته باشند؟ به مردها بگویید نگاه نکنند؟

پاسخ: بخش دوم سؤال کاملاً درست است؛ اتفاقاً قرآن کریم هم به مردها چنین دستوری داده است.

(قُل لِلمُؤمنینَ یَغْضُوا منْ اَبْصَارهم ...)

مردان باید در مواجهه با نامحرمان نگاه خود را فرو افکنند و از خیره شدن به نامحرم خودداری ورزند. مضامین روایی نیز مملو است از احادیث مرتبط با حرمت نگاه نامشروع به نامحرم و عواقب دنیوی و اخروی مرتبط با آن.

اما بخش اول سؤال نادرست است. همان دستوری که مردها را از نگاه حرام باز می دارد به زنان نیز دستور می دهد که از رعایت حجاب و پوشش کامل دریغ نکنند. یک مسلمان، با احکام دینی گزینشی برخورد نمی کند. باید زمینه های فساد را ریشه کن کرد.

1- من لا یحضره الفقیه، ج 4، ص 376

این زمینه ممکن است در برهنگی، بی حجابی و عدم اهتمام به حجاب شرعی جلوه کند یا در هوس رانی و نگاه نامحرم.

بی حجابی و عوامل بیولوژیکی

سؤال: نقش تأثیرا روانی یا عوامل بیولوژیکی در پدیده بی حجابی چگونه ارزیابی می شود؟

پاسخ: عوامل بیولوژیکی یا روانی به زمینه های زیستی و خواسته های طبیعی فرد اطلاق می شود که معمولاً میان افراد مشترک است. از جمله زمینه های بیولوژیکی مرتبط با مقوله پوشش می توان به موارد ذیل اشاره کرد: میل به خودنمایی، تزیین و خود آرایی و به تعبیر قرآن «تبرج». این میل بین دختران جوان شدیدتر است و براساس آن انسان تمایل شدید به جلب توجه دیگران دارد. همچنین تمایل دارد که زیبایی های خود را به رخ دیگران بکشد، تا در پرتو تحسین و تمجید دیگران به نوعی از آرامش و امنیت برسد. موارد دیگر عبارتند از: لذت جویی، میل به تظاهرات جنسی، جلب جنس مخالف و نیاز به ابراز وجود و متمایز نشان دادن خود.

بدیهی است این تمایلات نیز همچون دیگر غرایزِ طبیعی و فطری باید درپرتو فرهنگ و نظام ارزشی اسلام جهت یافته، تعدیل شده و در قالب شرعی و منطبق با معیارهای اخلاقی ساخته و پرداخته شود. به تعبیر دیگر، این تمایل ها در پرتو ترکیب طبیعت انسان با فرهنگ دینی و انطباق با معیارهای اخلاقی برگرفته از دین سامان خواهد یافت.

استاد شهید مطهری(رحمه الله) در توجیه این گونه تمایلات می نویسد:

زن همیشه می خواهد مطلوب و معشوق مرد باشد. جلوه گری ها، دلبری ها و خودنمایی های زن همیشه برای جلب توجه مرد است. زن آن قدر که می خواهد مرد را عاشق و دلبسته خویش کند. طالب وصال و لذت جنسی نیست ... زن مظهر جمال و مرد مظهر شیفتگی است. تمایل مرد به نگاه کردن و چشم چرانی است، نه به خود نمایی و برعکس تمایل زن بیشتر به خود نمایی

است، نه به چشم چرانی ... به همین جهت «تبرج» از مختصات زنان است. (1)

بی تردید یکی از گونه های خود نمایی در نوع پوشش است، عوامل بیولوژیکی و روانی بی حجابی را می توان چنین برشمرد:

الف: احساس گرایی خام

برخی نظریه های روان شناختی انحراف، انحراف ها و کج روی های افراد، به ویژه جوانان را ناشی از اراده و تصمیم آگاهانه به هنجار شکنی، میل به برانگیختن واکنش های جمعی، پشت پا زدن به سنت های اجتماعی یا تلاش برای جایگزینی ارزش های فرهنگی نمی دانند، بلکه بیشتر نشانه احساس گرایی خام، هوا خواهی، خود نمایی، لذت جویی و تحت تأثیراحساسات لحظه ای یا عوامل غیرعقلانی گرفتن می دانند.

1- . مجموعه آثار، ج 19، ص 415.

ب: اختلال شخصیت نمایشی

یکی از نظریه های روان شناختی انحراف، نظریه موسوم به «اختلال شخصیت نمایشی» است. افراد مبتلا به این بیماری خواهان جلب توجه دیگران به خود هستند؛ آنان مبتکر، نمایشگر، سرزنده و اغواگرند.

مهم ترین ویژگی مبتلایان به این اختلال، تمایل شدید به خود نمایی و جلب توجه است و برای تأمین این هدف به کارهای غیرعادی از جمله پوشیدن لباس های عجیب و جذاب و آرایش های تند و نامتعارف و ژست های نمایشی خاص دست می زنند. عواطف این افراد به شدت نمایشی و اغراق آمیز است.

آنها شیفته مدل های جدید بوده و علاقه مندند که تغییرهای جدید راتجربه کنند؛ بی آنکه واقعاً به این تغییرها نیاز داشته باشند. این نوع اختلال شخصیتی هر چند با جلوه نمایی های متفاوت میان زنان و مردان مشترک است و معمولاً در پایان دوره نوجوانی و اوائل جوانی که پیاپی در راستای ارضای تمایل سیری ناپذیر خود به نوگرایی و تنوع خواهی به استقبال الگوی فوری می روند و مایلند همواره خود را در قالب فرم های جدید عرضه کنند..(1)

به بیان دیگر اینگونه افراد دچار بیماری روانی «هیستری» هستند. فرد مبتلا به هیستری از لحاظ روحی دچار ضعف نفس و

1- نشریه فقه، شماره 51-50، ص 27 .

تزلزل شخصیت بوده و توان و انرژی خود را به جای صرف کردن در امور مفید و سازنده صرف جلوه گری و خود نمایی می کنند تا ضعف شخصیت خود را با آن پنهان کنند.

بیمار مبتلا به هیستری، لباس را به عنوان پوشش نمی نگرند، بلکه آن را ابزاری برای خود نمایی و جلوه گری و جلب توجه دیگران قلمداد می کند. لذا دائماً در حال تنوع طلبی و تغییرشکل و قد و آرایش است و روح و روان خویش را اسیر این معضل کرده است. این شخص برای ارضای خود از مدل ها و آرایش های غیر همگون، ناموزون و غیرمعمول و تحریک آمیز از نظر نوع جنس، رنگ، مدل، اندازه و ... استفاده می کنند. چنین انسانی علاوه بر اینکه خود به گناه و معصیت آلوده می شود، دیگران را نیز به ورطه گناه می کشاند.

حجاب و حاکمیت

سؤال: حجاب امری شخصی و مسئولیت آن با خود و نهایتاً با خانواده است، دولت به چه مجوزی در این امر دخالت می کند؟

پاسخ: اولاً، حکومت ایران نظامی مبتنی بر اسلام و احکام دینی است. اسلام برای تمام عرصه های زندگی آدم، از قبل از تولد تا پس از مرگ هم دارای ایده و برنامه است. یکی از برنامه ها، حجاب، و پوشش بانوان است. نمی توان گفت حکومتی مبتنی بر اسلام است اما در رابطه با حجاب و جایگاه آن مسئولیتی ندارد.

ثانیاً، دخالت و یا نظارت حکومت بر حجاب در صدر اسلام نیز سابقه داشته است. پیامبر(صلّی الله علیه و آله) مردی را که آرایش زنانه می کرد تبعید

نمود. امیر المؤمنان علی(علیه السّلام)،به عنوان حاکم اسلامی، به مردم عراق هشدار می دهد که مراقب زنانتان باشید که با مردان دوشادوش نشوند و مرز بین خود و مردان را رعایت کنند. این سخن علی(علیه السّلام) امری حکومتی تلقی

می شود، نه امری شخصی و صرفاً از باب امر به معروف و نهی از منکر.

ثالثاً، قانون اساسی جمهوری اسلامی، دولت را موظف به تحقق اصول مترقی اسلام و حاکمیت ارزش های اخلاقی و فضائل انسانی در جامعه نموده است. در مقدمه قانون اساسی آمده است. خانواده واحد بنیادین جامعه و کانون اصلی رشد و تعالی انسان است و توافق عقیدتی و آرمانی در تشکیل خانواده که زمینه ساز اصلی حرکت تکاملی و رشد پاینده انسان است، اصل انسانی بودن و فراهم کردن امکانات جهت نیل به این مقصود از وظایف حکومت اسلامی است.

زن در چنین برداشتی از واحد خانواده، از حالت شیئی بودن و یا ابزار کار بودن در هدف اشاعه مصرف زدگی و استثمار خارج شده و ضمن باز یافتن وظیفه خطیر و پر ارج مادری در پرورش انسان های مکتبی پیشاهنگ، خود همرزم مردان در میدان های فعالیت و تلاش می باشد و در نتیجه پذیرای مسئولیت خطیرتر و در دیدگاه اسلامی برخوردار از ارزش و کرامتی والاتر خواهد بود.

در اصل دوم قانون اساسی نیز دولت موظف شده محیطی مساعد برای رشد فضائل اخلاقی براساس ایمان، تقوا و مبارزه با فساد و تباهی ایجاد کند. در ماده 638 قانون مجازات اسلامی می خوانیم:

زنانی که بدون حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی ظاهر

شوند به حبس از ده روز تا دو ماه و جزای نقدی محکوم خواهند شد. بنابراین، مقوله حجاب علاوه بر امری شرعی بودن جنبه قانونی نیز دارد و دولت موظف به پاسداری از آن است.

بی حجابی، جرم حقوقی

سؤال: آیا علاوه بر شرع، قانون هم بی حجابی را جرم می داند؟

پاسخ: از منظر مباحث حقوقی هر گونه ناهمسویی یا مخالفت با هنجارهای قانونی معتبر جامعه، جرم و سزاوار مجازات است. از این رو نقض قوانین مملکتی در اثر عملی خارجی در صورتی که انجام وظیفه و یا اعمال حقی آن را تجویز نکند و مستوجب مجازات هم باشد«جرم» نامیده می شود.

در قانون رسیدگی به تخلفات استفاده کنندگان البسه خلاف شرع مصوب 28/12/65 مجلس شورای اسلامی و نیز ماده 4 قانون البسه مبتذل، در بیانی مشابه آمده است:

کسانی که در انزار عمومی وضع پوشیدن لباس و آرایش آنان خلاف شرع و یا موجب ترویج فساد و هتک عفت عمومی می باشد. توقیف و خارج از نوبت در دادگاه صالح محاکمه و حسب مورد به یکی از مجازات ها محکوم می گردند. مجازات این اشخاص حبس، از سه ماه تا یک سال و جزای نقدی از یک میلیون و پانصد

هزار ریال تا شش میلیون ریال و 74 ضربه شلاق یا یک یا دو مجازات مذکور می باشند.

ماده 638 قانون تعزیرات اسلامی نیز، بی حجابی را در کنار برخی انحراف ها سزاوار برخورد قضایی دانسته است. از این رو بی حجابی به اعتبار نقض هنجارهای اجتماعی، کج روی و انحراف و به اعتبار ناهمسویی و تخلف از قوانین نظام جرم شمرده می شود.

حجاب و امنیت

سؤال: مسئله حجاب خانمها چه ارتباطی به امنیت دارد، که مقامات امنیتی به بهانه آن وارد عمل شده و طرح های ویژه ای را برای مهار بی حجابی به مرحله اجرا در می آورند؟

پاسخ: حجاب مسئله ای چند بعدی است و اتفاقا یکی از ابعاد مهم و حساس آن بعد امنیتی است که در دو شاخه فردی و اجتماعی قابل ملاحظه است:

الف: امنیت فردی

مراعات حجاب و رفتار عفیفانه، امنیت فردی شخص را تأمین می کند و او را از آسیب ها و خطرات زیادی ایمن می کند؛ چنانکه بی حجابی و بی عفتی زمینه را برای تعرض به فرد و اذیت و آزار او فراهم می کند.

نیم نگاهی به آنچه در دنیای امروز می گذرد این ادعا را ثابت می کند. بسیاری از اذیت و آزارها، تعرض ها، اهانت ها و هتک حرمت هایی که نسبت به بانوان صورت می گیرد، متوجه دختران و

زنان فاقد حجاب وپوشش است. امر مهمی که خداوند در قرآن کریم بر آن تأکید کرده و حجاب را سپر محکمی برای زنان در برابر هوس رانان و بی بند و باران معرفی می کند؛

{یُدْنینَ عَلَیْهِنَّ مِنْ جَلاَبِیبِهِنَّ ذلِکَ أَدْنی أَنْ یُعْرَفْنَ فَلا یُؤْذَیْنَ}؛(1)

در این آیه شریفه حجاب، سپری در مقابل اذیت و آزارها و سدی محکم و مشتی پولادین در برابر نگاه های هرزه و آلوده و حریمی پاک در برابر ناپاکی ها تلقی شده است.

ب: امنیت اجتماعی

شاخه دیگری که در بعد امنیتی حجاب قابل بحث است، بعد اجتماعی است. هر اجتماعی برای رشد و تعالی در کنار امنیت نظامی، اقتصادی و سیاسی باید از امنیت

فرهنگی و اخلاقی نیز برخوردار باشد. این امر بخصوص در جامعه اسلامی از ضروریاتی است که باید به طور جدی مورد توجه قرار گیرد. جامعه ای که بر پایه ارزش های اسلامی و اخلاقی شکل گرفته و با خون صدها هزار شهید بارور و شکوفا شده و اکثریت مردم هنجارهای دینی و اخلاقی آن را پذیرفته اند، سزاوار نیست عده ای با بی حجابی و بی عفتی مخل امنیت روحی و روانی جامعه شده و آرامش و آسایش مردم را به هم

1- احزاب، آیه 59.

ریخته و عملاً با ارزش های والای اسلامی و اخلاقی و اعتقادات آن مخالفت نمایند.

بدیهی است رفتارهای اینچنینی مخل حق و حقوق اکثریت مردم متدین و معتقد بوده و هنجارهای موجود را به هم ریخته و امنیت روحی و روانی و فرهنگی جامعه را تهدید

می کنند. در این شرایط، باید مسئولین امنیتی وارد عمل شده و با افراد مخل امنیت و آرامش اجتماع برخورد نموده و جامعه را از این تهدید جدی نجات دهند.

حجاب و آزادی

سؤال: مگر یکی از شعارهای انقلاب اسلامی برقراری آزادی نبود؟ مگر قانون اساسی جمهوری اسلامی آزادی را حق مردم ندانسته؟ پس چرا زنان در انتخاب پوشش آزاد نیستند؟

پاسخ: برای پاسخ به این سؤال توجه به نکات زیر ضروری است:

الف: هر چند یکی از شعارها و دستاوردهای محوری انقلاب اسلامی در ایران «آزادی» بود، اما باید توجه داشت که «آزادی» در کنار «استقلال» مطرح می شد و نهایتاً آزادی و استقلال در قالب نظامی اسلامی مطالبه می شد (استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی). بدیهی است، یکی از جنبه های مهم و کلیدی استقلال، استقلال فرهنگی است. بر این اساس نظام اسلامی نظامی است مستقل بر مبنای آموزش های دینی و اخلاقی اسلام، چه کسی می تواند منکر این قضیه شود که بی حجابی و مدگرایی غربی با استقلال فرهنگی نظام منافات دارد؟

ب: از آزادی، تعریف های متفاوتی شده است و هر فرد و گروهی به تناسب دیدگاه و نظر خویش آن را تبیین و تشریح می کند. در نظام اسلامی، آزادی بر مبنای مجوزها و بایدها و نبایدهای شرعی قابل احترام و پذیرش است، نه آزادی به معنای بی قیدی اخلاقی و بی بند و باری در عرصه های مختلف.

با اندکی تأمل در ریشه های انقلاب اسلامی، به روشنی متوجه این نکته خواهیم شد که یکی از عوامل اساسی پیدایش انقلاب اسلامی ایران و حضورمردم در صحنه مبارزه با رژیم منحوس پهلوی تنفر شدید و انزجار مردم از آزادی غربی به معنای بی بند و باری، فساد و بی حجابی بود، چرا که موضوع شرم آور کشف حجاب توسط رضاخان و ادامه این سیاست کثیف توسط محمد رضا پهلوی یکی از عوامل مهم و مؤثری بود که مردم را به حمایت از مرجعیت بیدار و روحانیون آگاه و در رأس آنان امام خمینی5 وادار کرد. در واقع، انقلاب اسلامی برای محو آزادی غربی و مصادیق و جلوه های آن ایجاد شد و استمرار آن نیز منوط به حرکت در مسیر شرعی و اخلاقی و حاکمیت ارزش های دینی است.

ج: قانون اساسی نظام جمهوری اسلامی به هیچ عنوان آزادی مطلق را تجویز نکرده و در اصول متعدد بر محوریت احکام اسلام و ترویج فضائل اخلاقی تأکید نموده است. چنانکه در اصل دهم آمده است:

خانواده واحد بنیادی جامعه اسلامی شمرده می شود که همه قوانین و مقرارت و برنامه ریزی های مربوط باید در

جهت آسان تر شدن تشکیل خانوداده و پاسداری از قدرت آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد.

در اصل بیست و یکم قانون اساسی نیز آمده است:

دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید و به ایجاد زمینه مساعد برای رشد شخصیت زن و اجرای حقوق مادی و معنوی او بپردازد.

آیا اهداف معنوی در این اصول قانونی با بی حجابی و بی عفتی محقق می شود یا با حجاب و حیا و عفت!

د: از نظر عقل و شرع نیز آزادی مطلق مشروعیت ندارد. در هر جامعه ای خطوط قرمزی وجود دارد و همه موظفند به آن پایبند بوده و در حفظ مقررات و ضوابط کوشا باشند. زن معاصر غربی بر خلاف پندار غلط خود آزاد نیست، بلکه همانند زنان قرن های اولیه تاریخ و قرون وسطا اسیر و برده مردان گشته و در مالکیت هوس رانان و هوس بازان قرار گرفته و در این اسارت و تسلیم چنان فریب خورده است که اسارت را زیر پوشش «آزادی» و تظاهر به آن پذیرفته است و در این باتلاق بزک کرده به خود می بالد.

در تعریف جدید از آزادی، انسانیت زن فدای جنسیت او شده و او صرفاً وسیله ای برای دفع غریزه جنسی مرد در نظر گرفته شده است. نگاهی به مجلات، فیلم ها، سایت ها، آگهی های تجاری و بازرگانی و... در دنیای امروزی بخوبی این امر را ثابت می کند. این چه

آزادی ای است که وجود زن وقف لذت های نامشروع مردان است و کار به جایی رسیده که به قول «مهاتما گاندی» رهبر هند، باید مردها از شرم سر به زیر افکنند.(1)

در این نهضت به اصطلاح «آزادی زن» زن، معشوقه مرد و موجودی مطلوب همگان شده ولی مسئولیت و بار پر افتخار«مادر» بودن و «همسر» بودن را از دست داده و معشوقه ای آزاد برای ارضای هوس های تند شهوت رانان وتسکین دهنده غرایز حیوانی آنان شده است، بدون آنکه احساس مسئولیتی کند ... .(2)

بی حجابی و انگیزه سیاسی

سؤال: برخی افراد بی حجاب انگیزه سیاسی دارند و به راحتی نمی توان آنان را به انگیزه اخلاقی متهم کرد، چرا این موضوع را صرفاً با نگاه اخلاقی و فرهنگی بررسی می کنند؟

پاسخ: از نظر جامعه شناسی پدیده ها و اتفاقات سیاسی در تعیین رفتار انسان ها تأثیر بسزایی دارند. همچنانکه در برخی نقاط همان حجاب و در برخی نقاط دیگر بی حجابی زنان با این رویکرد انتخاب شده است.

نگاه سیاسی در بخش هایی از پدیده بی حجابی کاملاً مشهود است؛ نگاهی که متأثر از برنامه ریزی شده دشمن بوده و حکایت از

1- . روح بشر، ص21 .
2- نامه ای به یک دختر، ص58.

تهاجم همه جانبه آنان به اسلام و ایران دارد. اما آیا واقعاً می توان این پدیده را نگاهی کاملاً سیاسی دانست و از بازخوردهای فرهنگی و اجتماعی آن در جامعه غافل بود؟ یقیناً،بی حجابی و برهنگی با هر انگیزه ای که صورت بگیرد، آثار و تبعات منفی و آسیب های فرهنگی و اجتماعی خود را بر جامعه خواهد گذاشت.

حجاب و سیاست

سؤال: آیا فکر نمی کنید که نگاه سیاسی به مقوله بی حجابی نوعی توهم توطئه باشد؟ به نظر می رسد بی حجابی نوعی رفتار عادی و انتخاب طبیعی در بین برخی از دختران و زنان باشد؟

پاسخ: با نگاهی به تاریخچه کشف حجاب در ایران و برخی از کشورها اسلامی و موضع گیری های ایجاد شده در مجامع و محافل وابسته به استکبار جهانی، پاسخ این سؤال روشن می شود؛

در طول تاریخ، همواره استعمارگران و ایادی آنان با روش ها و برنامه های مختلف سعی در محو حجاب و تحقیر زنان محجبه داشته اند. رضاخان در ایران و آتاتورک در ترکیه، از جمله کسانی بودند که براساس نقشه استعمارگران و مخالفین اسلام، با تمام قوا به جنگ حجاب و بانوان محجبه برخاسته و با ممنوعیت آموزش های دینی، تعطیلی مراکز قرآنی و مذهبی ترویج معاشرت های غیراخلاقی و مختلط، کشف حجاب و برداشتن چادر و روسری از سر زنان و ممنوع ساختن ورود دختران و زنان محجبه به مراکز علمی و اداری

و محاصره همه جانبه زنان عفیف و با حجاب زمینه را برای اجرای این توطئه شوم فراهم ساختند.

توجه داشته باشید که «همسفر» جاسوس انگلیسی در کشورهای اسلامی در گزارش ارسالی خود به وزارت خارجه انگلیس چنین می نویسد:

در مسئله بی حجابی زنان باید کوشش فوق العاده به عمل آوریم تا زنان مسلمان به بی حجابی و رها کردن چادر مشتاق شوند ... پس از آنکه حجاب زنان با تبلیغات وسیعی از میان رفت وظیفه مأموران ما این است که جوانان را به عشق بازی و روابط جنسی نامشروع تشویق کنیم. زنان غیرمسلمان کاملاً بدون حجاب ظاهر شوند تا زنان مسلمان از آنان تقلید کنند.(1)

فرانتس فانون نویسنده کتاب«الجزایر و مسئله حجاب » می نویسد:

هنوز هم روایاتی از رام کردن جامعه الجزایر، به کمک زنان بی حجاب که شریک جرم اشغالگرند، بیرون نرفته است. دشمن براساس ضرب المثل: زن ها را به دست بگیریم، همه چیزبه دنبال آن خواهد آمد، سرمایه گذاری بسیار زیادی را در سطح زنان جوامع اسلامی به عمل آورده و می آورد تا به اهداف شوم خود برسد و

1- خاطرات سیاسی مستمر همفر، ص 153 .

طبیعی است که به خاطر نقش و جایگاه نمادین چادر نوک حمله خود را به این مسئله اختصاص دهند.

به تحلیل زیر که در مورد زنان مسلمان الجزایر است دقت کنید:

... هر چادری که دور انداخته می شود افق جدیدی را که تا آن هنگام بر استعمارگران ممنوع بود، در برابر او می گشاید و بدن الجزایری را که عریان شده است را تماماً به او نشان می دهد. پس از دیدن هر چهره بی حجابی، امیدهای حمله ور شدن اشغالگر ده برابر می گردد. هر بار که یک زن الجزایری کشف حجاب کند با این عمل خویش در واقع وجود جامعه الجزایری را با سیستم دفاعی سست بنیاد ومتلاشی، به اشغالگر اعلام می دارد. هر چادری که می افتد، هر بدنی که از پوشش سنتی چادر رها می شود، هر چهره که به نگاه نا آرام اشغالگر عرضه می گردد برگردان این معنا است که الجزایر به انکار وجود خویشتن آغاز کرده و هتک ناموس را از جانب اشغالگر پذیرفته است.(1)

استراتژی سیاسی امروز هم دقیقاً همین است. در جلسه ای که در آمریکا با حضورکارشناسان و صاحب نظران فرهنگی، امینتی این کشور برگزار شد، «نتانیاهو» نخست وزیر اسبق اسرائیل در باره شیوه های براندازی جوامع اسلامی و تضعیف بنیه فرهنگی و اخلاقی مسلمانان چنین می گوید:

1- همان.

به جای هزینه های سنگین نظامی و بمباران شهر ها و مراکز کشورهای اسلامی پیشنهاد می کنم بازار مسلمانان را از لباس های غربی، دامن های کوتاه و لوازم آرایش و مشروبات الکلی و مواد مخدر پر کنید. این بهترین شیوه بمباران و از بین بردن مقاومت مسلمان است.(1)

محمود جم، وزیر کشور کابینه محمد علی فروغی، در خاطرات خود، به نقل از رضا شاه پهلوی، می نویسد:

این چادر و چاقچورها را چه جوری می شود از بین برد؟ دو سال است که این موضوع فکر مرا به خود مشغول کرده و از وقتی که به ترکیه رفتم و زن های آن ها را دیدم که چادر و حجاب را دور انداخته و دوش به دوش مردان کار می کنند دیگر از هر چه زن چادری است بدم می آید... درست مثل یک دمل را پیدا کرده، که باید با احتیاط به آن نیشتر زده و از بینش برد. من مدتی است به این فکر هستم که زن ایرانی در قفسی سیاه قرار گرفته و پایش بسته است.(2)

امروز نیز دشمنان در ادامه همان شیوه شیطانی با القای شبهه نسبت به حجاب و بخصوص چادر و با بهره گیری از هواداران کانال ماهواره ای، میلیون ها سایت اینترنتی و رسانه های مختلف، سعی در

1- عطر عفاف، ص 142.
2- اروپایی ها و لباس ایرانیان، ص 392.

انحراف افکار عمومی و تضعیف باورهای اسلامی مردم نسبت به این واجب شرعی داشته و دارند.

«ریون کرکت» مسئول سابق شبکه جاسوسی سیا در ایران می گوید:

چادر نمادی است که وجود انقلاب را در سر راه همه چهارراه ها به نمایش می گذارد. با چادر می توان این احساس را پدید آورد که انقلاب اسلامی هنوز زنده است.(1)

ارتباط نوع پوشش و آرایش و نظام سرمایه داری غرب

سؤال: برخی قائلند که بین نوع پوشش و آرایش و نظام سرمایه داری غرب ارتباط وجود دارد،آیا برای این ادعا مستنداتی وجود دارد؟

پاسخ: تردیدی نیست که بینش مادی و دنیوی غرب که از افق نزدیک خور و خواب و خشم و شهوت دورتر نمی رود، یک نظام اقتصادی متناسب با خود ایجاد کرده که به منزله وسیله ای است تا جهان را و آن چه در آن است؛ اعم از طبیعت و حیوان و انسان، هر چه بیشتر به مصرف کردن و مصرفی شدن وادارد. و این همان سرمایه داری است که نظام اقتصادی جهان خالی از معنویت است. این نظام مبتنی بر تکاثر و فزون طلبی، که ماشین مکنده عالم است،

1- پوشش و آرایش، ص 37.

از همه قوا و امکانات جهان و همه نیروها و غرایز انسان استفاده می کند تا بازار تولید و مصرف را داغ تر سازد و «جنسیت» که نیروی طبیعی در انسان است در استخدام این نظام فزونی طلب و حریص قرار گیرد. این جاست که جنسیت و اختلاف جنسی زن و مرد که در فرهنگ های معنوی آیه و نشانه لطف و حکمت خداوند است.(1)

مایه گرمی بازار و رونق دکان اقتصاد سرمایه داری شده و آنچه در فرهنگ معنوی اسلام مایه آرامش و سکون دانسته شده است، در دست انسان دور از معنویت وسیله ای برای برافروختن هر چه بیشتر تنور خواهش می گردد.

زن در این جامعه که محکوم چنین نظام اقتصادی است، وسیله ای است که باید مصرف کند و مصرف شود. اقتصاد خالی از معنویت غرب به غیر از این دو کلمه هیچ ارزش دیگری را به رسمیت نمی شناسد. زن فقط جسم است و تن، باید مصرف کند و مصرف شونده باشد و این نظام است که شکل لباس او را تعیین می کند.

زن مظلوم ترین قربانی سرمایه داری غرب و در عین حال برنده ترین سلاح در دست همین سرمایه داران است. در چنین شرایطی چشمان آزمند دنیاپرستان زن را چونان طعمه ای برای گرمی بازار سرمایه برگزیده و او را در مسلخ پول قربانی کرده. «عشق» آن لطیفه معنوی که آکنده از راز و رمز بوده جای خود را به «سکس» داده. سکس

1- روم، آیه 21.

هم در خدمت اقتصاد قرار گرفت و زاییده هزار صفت تولید و گرداننده هزار بازار مصرف شد. تبلیغات نیز طبق معمول راه را برای کاروان شتاب آلوده سکس باز کرد و...

سازندگان لوازم آرایشی و طراحان مد برای غارتگران، چشم به زن دوخته اند و اگر قرار باشد فرهنگ معنوی به جای تمدن مادی بنشیند و زن دیگر شخصیت خود را به چهره و جسم خود نداند، تکلیف صاحبان این صنایع عظیم چه خواهد شد؟ آری، زن غربی و غرب زده نه تنها باید لباس بپوشد که بدن نما و بدن پرداز باشد، بلکه دائماً خود را به بهانه مد عوض کند تا بازار مدسازان و پارچه فروشان و صنایع نساجی و خیاطان داغ بماند و اگر لباس وسیله خود نمایی نباشد چه چیز این صنایع را به چرخش در خواهد آورد؟ و فاجعه آمیز تر از همه اینکه؛ زن نه تنها وسیله ای برای مصرف شدن و مصرف کردن خود می شود، که وسیله ای برای مصرف هر چه بیشتر هر چیز دیگر می شود.

برای اینکه لاستیک تراکتور، بیشتر به فروش برسد باید تصویر نیمه عریان یک زن جوان در کنار آن باشد، همه فروشندگان فروشگاه های بزرگ باید از میان زنان جوان انتخاب شوند و حتی در تبلیغات انتخاباتی مجالس قانون گذاری«سکس» و زن وسیله تبلیغ کاندیدا قرار بگیرد.(1)

1- . فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، ص 33.

مارگارت مارکوس می گوید:

امروزه بهره برداری های تجاری از جنس لطیف زن شغل بزرگی است، عکس های سکسی درکتاب ها، مجلات، روزنامه ها، تلویزیون وسینما لکه های کثافت را روی صورت ما پخش می کنند.(1)

زیبایی و جمال زن برای بسیاری از مردان وسیله سود جویی شده است. خطوط هواپیمایی برای پذیرایی مسافران شان قیافه های جذاب و طناز می طلبد، به مسافرخانه ها صریحاً می گویند؛ مهماندارانشان باید خوشگل، خوش تیپ و جذاب باشند، رنگین نامه ها و رسانه ها همه و همه به زن نگاه بالایی دارند و او را در خدمت فروش بیشتر کالا می بینند. کالایی بهتر و مرغوبتر است که زن مشهورتر و برهنه تر آن را تبلیغ کند.

راز شخصیت زن

سؤال: تأثیر حجاب و بی حجابی در تکامل یا انحطاط شخصیت زنان چگونه ارزیابی می گردد؟

پاسخ: شخصیت به مجموعه افکار، عواطف، عادت ها و اخلاقیات یک انسان اطلاق می گردد که وی را از سایرین متمایز ساخته و خود را با آن به دیگران می شناساند.

1- نقش اسلام در برابر غرب، ص 177.

فطرت سلیم انسانی حکم می کند که همواره در مسیر تکامل شخصیت خویش گام برداشته و از هر آنچه که موجب لطمه زدن و تضعیف شخصیت مان می شود پرهیز کنیم. از سوی دیگر، خداوند حکیم در آفرینش زن نهایت هنرمندی را به کار بسته و زن را جلوه ای از عظمت، حکمت و قدرت فوق العاده خود قرار داده است. انسانی سرشار از عاطفه، عشق، جذابیت، محبت، دلبری و دلدادگی، که همه اینها رمز ماندگاری و استحکام نظام خانه و خانواده است.

شکل گیری و تکامل شخصیت موجودی ظریف و جذاب مانند زن، به عوامل متعددی بستگی دارد؛ یکی از این عوامل رعایت عفت و حجاب است. چرا که زن باحجاب خود را مخلوق و بنده خدایی حکیم، دانا و عادل دانسته و خویش را موظف به اطاعت از دستورها و اوامر و نواهی او در راستای نیل به کمالات بالاتر و درجات معنوی والاتر می داند. زن باحجاب به جای تکیه بر جذابیت های ظاهری و نمایش اندام و پیکرش در برابر دیگران، به اصالت ها، معنویات و ارزش های متعالی تکیه کرده و با زبان و عمل به دیگران اعلام می کند که آنچه مهم است شخصیت ذاتی و معنوی و توجه به جنبه انسان بودن زن است و میزان پایبندی او به اخلاق و ارزش هاست، نه اشتغال و سرگرمی او به برهنگی و بی حجابی و افتادن در ورطه بی بند و باری و ابتذال جنسی.

او با درک ارزش والای انسانی و اخلاقی خویش و دور نگه داشتن خوداز دسترسی نامحرمان، شخصیت والای خود را به رخ

بیگانگان و نامحرمان کشانده و دست رد به سینه هرزگان دوره گرد و بیمار دلان آلوده می زند. برعکس، افرادی که تمام وقت و انرژی خویش را صرف خود آرایی، خود نمایی و گدایی نگاه دیگران کرده و بهترین سرمایه، یعنی عمر خود را صرف تهیه لباس ها، لوازم آرایش و وسائل خود آرایی و جلوه گری برای دیگران می نماید عملاً فرصت تکامل شخصیت خود را از دست داده و آنچه برای آنان مهم است جاذبه های جنسی و جذب نگاه های آلوده و تحریک شهوات دیگران است؛ نه چیز دیگر ... .

زنان بیمار دلی که تمام همتشان این است که مورد پسند این و آن واقع شده و دل ها و چشم ها را تصاحب کرده و با عریانی و تبرج برای خود مشتری جلب کنند، در واقع ارزش و کرامت انسانی خود رابه بهایی اندک فروخته و شخصیت خدادادی خود را با تحسین و لذت دیگران معامله می کنند.

زن اگر بها و ارزش واقعی خود را بداند، هرگز خود را این چنین ارزان و سبک در اختیار هوس بازان قرار نمی دهد. این مسئله ای است که حتی طراحان و طرفداران برهنگی نیز به آن اعتراف می کنند.

«راسل» که خود سال ها نظریه پرداز برهنگی بوده می گوید:

بسیار مایه تاسف است که امروز دستیابی به زن بسیار آسان شده است ... .(1)

1- راز یک فریب، ص 136.

آری، لباس هر کس معرف شخصیت اوست، به تعبیر روانشناسان لباس ها زبان دارند، اندازه اش، شکلش، رنگش، مدلش، و... .(1)

به تعبیر دیگر، لباس هر انسان پرچم کشور وجود اوست، پرچمی که او بر سردر خانه وجود خود نصب کرده و با آن اعلام می کند که از چه کلام و فرهنگی تبعیت می کند. همچنان که هر ملتی با وفاداری و احترام به پرچم خود اعتقاد خود را به هویت ملی و سیاسی خویش ابراز می کند، افراد هم مادامی که به یک سلسله ارزش ها و بینش ها معتقد و دلبسته باشند لباس متناسب با آن ارزش ها و بینش ها را به تن خواهند کرد.(2)

به تعبیر شهید بزرگوار استاد مطهری(رحمه الله)؛

گاهی وضع لباس، راه رفتن و سخن گفتن زن معنا دارد و با زبان بی زبانی می گوید؛ دلت را به من بده، در آرزوی من باش،دنبال من بیا ... و گاه برعکس، می گوید؛ به من حق تعرض نداری، ... .

و نهایتاً اینکه، هر بخشی از حجاب کم شود انسان را یک قدم به سمت برهنگی جلوتر می برد و مسلم است که برهنگی شخصیت ساز نیست، خودنمایی و خودآرایی و تبرج، تکامل شخصیتی نمی آورد. این وقار، متانت، عفت و عبودیت است که شخصیت ساز و

1- حجاب، شهید سید رضا پاک نژاد، ص 23.
2- . فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، غلام علی حداد عادل، ص 40 .

اصالت بخش است. حجاب، زن را در دیدگاه دیگران شخصیتی قابل احترام و مکرم و شایسته تعظیم می سازد و از بازیچه شدن او در دست آلودگان و هوس رانان جلوگیری نموده و مصونیتی شگفت انگیز به او می بخشد.

این بخش را با فرازهایی از سه نامه به پایان می بریم.

نامه اول، از حجه الاسلام و المسلمین قرائتی، خطاب به دختران جوان:

مگر شما جواهرات قیمتی خود را در پوشش قرار نمی دهید تا از دسترس نا اهلان دور بماند؟ چه گوهری گرانقدرتر از وجود شماست؟ چرا خود را ارزان جلوی هر چشمی قرار می دهی؟ مگر نه اینکه کسانی که به شما نگاه بد می کنند شما را برای خودشان می خواهند؟! ... .

نامه دوم، از یک زن آمریکایی، خطاب به زنان مسلمان لبنانی است، با عنوان «تقدیم به خواهر مسلمانم»:

آن که مظلوم واقع شده است ما زنان آمریکایی هستیم. بردگانی که ارزشمان تنزل یافته است. من، تو(زن مسلمان لبنانی) را دیدم که همراه فرزندانت برای زندگی تلاش می کنی. لباس های ساده شما در عین سادگی نشانه حجب، حیاء و عفت شماست. من زیبایی شما را

حس کرده ام؛ یک احساس قوی به من دست می دهد، احساس رشک به شما... این قدرت ایمان شماست که باعث شده زیر بمباران بی امان صهیونیست ها از ما زنان آمریکایی شاداب تر باشید ...، چرا که هنوز شما با طبیعت زنانه

خوب زندگی می کنید. من هم تا دهه 1960 به این نوع زندگی عادت داشتم تا اینکه بمباران های دشمن ما را نشانه گرفتند. این بمباران متفاوت بود؛ آنها اخلاق و عفت ما را نشانه رفته بودند؛ این حمله بسیار نامحسوس بود. صهیونیست ها از هالیود به ما حمله کردند. همه تولیدات هالیود بسته هایی از دروغ و تحریف واقعیت ها است. تولید کنندگان محصولات هالیود رفتارهای سکسی را به عنوان رفتارهای بی ضرر نشان می دهند، چون می خواهند با برنامه های مسموم خود بافت اخلاقی جوامع را از بین ببرند. خواهش می کنم زهر آنها را نخورید، چون زهرشان پادزهر ندارد. این برنامه ها ما زنان آمریکایی را خوشبخت نشان می دهد که از پوشیدن لباس هایی همچون زنان فاحشه، نداشتن خانواده و با فرزند به خود می بالیم. اما باور کنید ما از نوع زندگیمان ناخرسندیم، میلیونها نفر از ما مصرف کنندگان دائمی داروهای ضد افسردگی هستند... . مدل های طراحی شده در گنداب غرب به شما القا می کند که با ارزش ترین دارایی شما جنسیت و تمایلات جنسی است، اما حجاب شما نشان دهنده عزّت و اعتماد به نفس شماست. جنسیت شما هم هدیه شما به مردی است که به شما عشق می ورزد. عشقی که مقدمه ازدواج می گردد ... .

متأسفانه گاهی می بینیم که برخی زنان مسلمان سعی می کنند در پوشش مثل غربی ها باشند.

از نظر ما شما الماس های بی عیبی هستید، اجازه ندهید به سنگ های مصنوعی براق تبدیلتان کنند... . خواهش می کنم عفت و

پاک دامنی خود را حفظ کنید، چرا که ما زنان غربی راه زندگی مان را گم کرده ایم، ما شما را الگوی خود قرار می دهیم، پس عفت و پاکدامنی خود را با چنگ و دندان حفظ کنید و آن را ارج نهید ... .(1)

و در نامه ای دیگر، زنی آمریکایی چنین می نویسد:

امروز از خیابانی عبور می کردم. زن نیمه عریانی را دیدم که با حرکات موزون، آواز خواندن و قرار دادن پیکر خود در آغوش مردان، آنها را تشویق به خرید از مردی می کرد که در خیابان ذرّت بوداده می فروخت ... برای لحظه ای از زن بودن خودم شرمنده شدم و از پستی و رذالت بشر بیزار. چرا باید یک زن برای فروش کالایی بی ارزش مانند ذرت بوداده چنین بی شرمانه خود را به نگاه های هرزه و هوس آلود بفروشد، در حالی که خداوند او را در بالاترین جایگاه قرار داده است.(2)

عادی شدن برهنگی

سؤال: درجوامع غربی مسئله غریزه جنسی عادی شده و حساسیت ها از بین رفته است و کسی توجهی به زنان و برهنگی آنان نمی کند، اما در جوامع اسلامی مانند ایران، چون حجاب برای زنان

1- نشریه فرهنگ پویا، شماره10، ص 124.
2- عطر عفاف، ص 154.

واجب شده مردها حساس تر هستند. آیا زمینه سازی برای عادی شدن بی حجابی و در

نتیجه از بین رفتن حساسیت مردها بهتر نیست؟

پاسخ: طبیعی است که در مغرب زمین هر پرده از شرم و عفاف که کنار می رود و جلوه تازه ای از جنسیت آشکار می شود چند صباحی آن جلوه و آن نمایش تازگی دارد و سپس جاذبه خود را از دست داده و عادی می گردد. اگر مسئله به همین جا ختم می شد، این فرضیه درست بود، اما مشکل این است که مسئله به اینجا ختم نمی شود، بلکه به محض اینکه این نوع تحریک در اثر تکرار عادی شد انسان در پی تحریک تازه ای برمی آید که شدید تر باشد و سوداگران بازار تحریک نیز این نکته را به خوبی فهمیده اند و به همین دلیل دائماً در صدد کشف و اختراع روش های جدیدتر و شدید تر هستند.

مگر سرمایه داران و همه آن ها که از این راه تجارت می کنند می گذارند این آتش خاموش شود. آنان همواره با حیله های جدید و ترفند های تازه بازار خویش و آتش انسان را تیز کرده و با نوشاندن آب شور به تشنگان آنان را تشنه تر می سازند. غریزه جنسی از این نظر شبیه اعتیاد است، کدام انسان عاقل تجویز می کند که برای ریشه کن کردن اعتیاد باید هروئین و تریاک را به مقدار زیاد در دسترس معتادان قرار داد تا عادی گردد؟ آیا غیر از این است که معتاد در اثر مصرف زیاد حساسیت خود را نسبت به هروئین و تریاک از دست می دهد و برای نشئه شدن مقدار زیادتری طلب خواهد کرد و آن مقدار زیاد تر نیز پس از چندی عادی شده و دوباره مقدار بیشتر و

بیشتر و نهایتاً افزون طلبی تاآنجا ادامه پیدا می کند که معتاد جان خود را از دست بدهد؟(1)

بی حجابی و نشاط روحی

سؤال: بی حجابی و برخورداری از آرایش و پوشش متنوع و جذابیت، نوعی آرامش و نشاط روحی و احساس رضایت مندی را به افراد جامع هدیه می کند. آیا اسلام با نشاط و شادی مخالف است؟

پاسخ: در پاسخ این سؤال باید گفت، در چنین نتیجه گیری از بی حجابی و بی بند و باری تردید جدی وجود دارد. اگر بی حجابی نشاطی گذرا و مقطعی و احساس رضایت مندی شیطانی را ایجاد کند، در مقابل بحران های روحی و روانی فردی و اجتماعی آن بسیار ناچیز است. وانگهی، آیا گدایی نگاه ومحبت از دیگران، موجب به تاراج دادن شخصیت، هویت انسانی و اخلاق نیست! آیا به حراج گذاشتن عفت ایجاد شادی و نشاط می کند!

اگر چنین باشد امروزه دنیای برهنه باید در اوج شادکامی و آرامش باشد، در حالی که آمار خلاف این را می گوید. طبق آمار و گزارش های منتشر شده از سوی مؤسسه «وردواچ» غربی ها علی رغم همه ادعاها، شعارها، ظاهر سازی ها و بی بند و باری ها هنوز به رضایت کافی دست نیافته اند و رشد ابتلا به بیماری افسردگی، تمایل به خودکشی، بی خوابی و استرس، در کشوهای غربی و به اصطلاح

1- فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، ص65 .

خوشحال به شدت رو به افزایش است. تعداد تماس های صورت گرفته با مراکز مشاوره و درمان افراد ناامید و متمایل به خودکشی در روزهای آغازین سال و ماه ژانویه با 8% رشد روبه رو می شود ... 40 تا 60%شهروندان آمریکایی از بیماری های عصبی و روانی متعدد رنج می برند ... .

سازمان جهانی بهداشت پیش بینی کرده، در سال 2010 میلادی افسردگی به دومین بیماری رایج در کشورهای توسعه یافته تبدیل می شود و در طول یک سال برای 361831 کودک 3 تا 6 ساله انگلیسی داروی ضد افسردگی و آرام بخش تجویز شده است. اسلام با شادی و نشاط مخالف نیست، بلکه شادی و نشاط و آرامش را با شاخص های معین و تعریف شده ارائه نموده است. از نظر اسلام نشاطی که از حرام و گناه نشأت گرفته باشد، نه تنها شادی نیست که نکبت، عذاب و خمیر مایه اندوه، حسرت و عقوبت دنیوی و اخروی است.

یک مسلمان، شادی و غم خود را بر مبنای آنچه شرع مقدس اسلام و تکالیف دینی مقرر فرموده تنظیم

می کند، نه براساس خواهش های نفسانی و نقشه های شیطانی. این چه شادی و نشاطی است که درهای جهنم را نه تنها به روی خود شخص که بر روی همه کسانی که در دام هوس های آلوده او گرفتار شده اند می گشاید؟

این چه احساس خوشحالی است که انحطاط اخلاقی، تزلزل خانواده و فساد اجتماعی را به ارمغان آورده و غیرت، حیاء و فضائل اخلاقی و ارزش های انسانی را نشانه گرفته است؟

شادی و نشاط واقعی در سایه اطاعت خدا و بالاترین لذت ترک معصیت الهی است.

چه لذتی بالاتر از اینکه سیاهی چادر یک خانم محجبه و عفیفه دل مردهای هوس رانی را که دنبال خوش رنگ ترین زنان می گردند را بزند؟!چه لذتی دارد وقتی بانویی با وقار و محجوب سرخوش از اطاعت خدا در جامعه ظاهر می شود و دغدغه این را ندارد که گوشه ای از آرایش و زیبایی او پاک شده یا فلان مرد هوس ران به او بی محلی کرده است... .

چقدر شادی آفرین است که زنی با حجاب و متین در جامعه حضور فعال، مؤثر و الهام بخش دارد بدون آنکه صد قافله دل کثیف همراه او باشد.

بزرگ ترین احساس رضایت مندی و نشاط روحی زمانی است که دختری بندگی خدا را سرلوحه زندگی خود قرار دهد نه بردگی هوس را و برترین خوشحالی لحظه ای است که بانویی محجبه احساس کند انسانی است دارای کرامت، عزت و ارزش؛ نه عروسکی متحرک و بازیچه دیگران.

اگر لذت ترک لذت بدانی دگر لذت نفس لذت نخوانی

خلاصه اینکه شادی و لذتی مطلوب است که اولاً پایدار باشد و ثانیاً، پیامد سوء نداشته باشد. عمل ورفتاری که آنی و گذرا ست و در پی خود نیز سیمای عذاب وجدان، حسرت و عقوبت اخروی دارد لذت به حساب نمی آید.

ص: 188

بی حجابی معلول خود باختگی

سؤال: آیا می توان گفت بی حجابی ناشی از نوعی کمبود روحی و روانی است؟

پاسخ: بله، در مواردی بی حجابی ناشی از اختلالات روانی، مثل خود باختگی، عدم اعتماد به نفس و تزلزل شخصیت است. این کمبود های روانی در رفتارهای خاصی مانند تظاهر، خودنمایی، تقلید محض از دیگران و چشم و هم چشمی نمود پیدا می کند.

زن بی حجاب، در برابر مظاهر فساد و جلوه های فرهنگ پوچ غرب و هوس های شیطانی، خودباخته می شود و در نتیجه شیفتگی و دلبستگی شدیدی برای او ایجاد شده و با پشت پازدن به ماهیت انسانی خویش و فرهنگ دینی و ملی خود یک دل که نه، صد دل به مظاهر فرهنگ غربی داده و سرسپرده نقشه های شیطانی آنان می شود.

گاهی پیشرفت های ظاهری دولت های غربی مردم مشرق زمین را مجذوب می کند، به طوری که در ارزیابی آن پیشرفت ها چنان دچار دستپاچگی و احساس حقارت شده که دنباله روی محض و بی چون و چرای غرب می شوند، و تنها راه رسیدن به چنین تمدن و صنعتی را قربانی کردن همه چیز، حتی اعتقادات دینی خود می پندارند ... .

جوان و تجربه

سؤال: با توجه به ویژگی های خاص جوان، آیا بهتر نیست اجازه دهیم خود او تجربه کند و بعد از شکست خودش راه درست را انتخاب کند؟

این قضیه بخصوص در مورد حجاب نیز صادق است.

پاسخ: این سخن در بسیاری از موارد نادرست است؛ مگر می شود در مقولاتی مانند بحث های تکلیفی، موضوعات حیثیتی و مسائلی که مستقیماً با سلامت جسمی و روحی انسان مرتبط هستند چنین حکمی را صادر کرد.

اگر بنا بود بشر خود تجربه کند، یعنی متکی به عقل و تشخیص خود باشد، دیگر نیازی به وحی، بعثت پیامبران (صلّی الله علیه و آله)و نصب امامان:نبود؛ آن بزرگواران آمدند تا راهنما و هدایت گر بشر در توفان سهمگین و پر تلاطم زندگی باشند و در پرتو انوار الهی مسیر سعادت و خوشبختی را به مردم نشان دهند. آسیب های بی حجابی و بد حجابی آنقدر شفاف و نمایان است که جایی برای انکار آن نمی ماند. خطراتی که به خاطر عدم رعایت پوشش درست، دختران سهل انگار و هوس ران را تهدید می کند آنقدر جدی است که ممکن است یک لحظه غفلت حسرت و پشیمانی یک عمر را به دنبال داشته باشد.

مگر می شود قطعه گوشتی را میان ده ها گربه رها کرد و توقع داشت هیچ اتفاقی نیفتد؟ پس قانون، کنش و واکنش و عمل و عکس العمل چه می شود؟

خواسته یا ناخواسته، بی حجابی و بدحجابی، حداقل از دریچه نگاه هوس رانان، علامت نوعی بی تعهدی اخلاقی به شمار می رود. کسی که لباس نامناسب، تیپ نامناسب، آرایش مبتذل و رفتار ناشایست دارد پیام هایی را خواسته یا ناخواسته به دیگران ارسال می کند.آیا تصمیم عاقلانه این است که وی را به حال خود رها کنیم تا بعد از اینکه پردۀ حیا و عفت او دریده شد به آغوش حجب و حیا

و پوشش اسلامی باز گردد؟ یا اینکه حتی با احتمال خطر جلو خطر را بگیریم و راه را برای راهزنان عفت و حیاء نا امن کرده و با رعایت حجاب و متانت و عفت درون و برون جلوی سوء استفاده آنان را بگیریم؟

فرار از حجاب

سؤال: برخی از دختران به خاطر تابعیت از جو حاکم، از حجاب فرار می کنند؛ تذکرات وتوصیه های پدر و مادر و... در آنها اثر نمی کند، در مواجهه با آنها چه باید کرد؟

پاسخ: علی رغم گذشت سه دهه از پیروزی انقلاب اسلامی، هنوز کار قابل توجهی در رابطه با تبیین و فلسفه وجوب حجاب ونهادینه کردن آن در جامعه صورت نگرفته است؛ هنوز بانوان و دختران از فلسفه و شیرینی حجاب و چادر برخوردار نشده اند. روش های ترویج حجاب و

چگونگی برخورد با بی حجابی دچار افراط و تفریط های زیادی بوده و دختران بیش از آنکه از اصل حجاب فرار کنند، از رفتارهای ما فرار می کنند.

بسیاری از دختران و بانوان محجبه نیز از چرایی و آثار حجاب آگاهی ندارند و صرفاً آن را به عنوان پوششی تقلیدی، سنتی و خانوادگی پذیرفته اند، نه استدلالی و انتخابی.

دشمن نیز سنگ تمام گذاشته و با تمام قوا به میدان آمده و از همه ابزار و سرمایه ها، مخصوصاً تبلیغ رسانه ای خود، برای ایجاد

شبهه و تردید در اذهان و ترویج بی حجابی و بی عفتی در جامعه و ایجاد بدبینی نسبت به احکام شرعی استفاده می کند.

دختران جوان باید بدانند که نوع پوشش و لباس هر شخصی مظهر فرهنگ و بینش اوست. انسان تا فرهنگ ملتی را نپذیرد لباس آنان را بر تن نمی کند و تا با فرهنگ خود وداع نکند نمی تواند با لباس ملّی خویش وداع نماید. امام علی(علیه السّلام)می فرمایند:

کسی که خود را شبیه قومی می سازد جزء آنان محسوب می گردد.(1)

به تعبیر دیگر، هرکس مطابق بینش و باور خویش لباس می پوشد و با لباس، اعتقادات خود را معرفی می کند. کسی که از مدل ها و لباس ها و تیپ های غربی استفاده کند نمی تواند خود را در صف مسلمانان و مؤمنان بپندارد، چرا که در دام شهوت و هوس افتاده و کسی که در قفس شهوت و هوس افتاده باشد اگربه خود نیاید عاقبت خوبی نخواهد داشت.

امام علی(علیه السّلام) می فرماید:

مسلمانان در صورتی عاقبت بخیر می شوند که لباس بیگانگان و کفار را نپوشانند و غذاهای آنان را نخورند؛ اگر چنین شود خداوند آنان را ذلیل خواهد کرد.(2)

1- بحارالانوار، ج68، ص405
2- وسایل الشیعۀ، ج 1، ص 283 .

رهبر معظم انقلاب در این زمینه می فرماید:

امروز سر و سینه را از زیور آلات پر کردن و آرایش و مد و لباس را بت خود قرار دادن برای زن انقلابی مسلمان ایران ننگ است.(1)

جوانان، در باطن دیندار هستند و باید به این نکته واقف شوند که خدایی که انسان را آفریده برای او تکالیفی معین کرده و این تکالیف را روزی از او مطالبه خواهد کرد.

باید سعی کنند بندگی کرده و خود را با دستورهای او وفق دهند تا سعادت دنیا و آخرت نصیب آنان گردد. باید بدانیم که دشمن، دشمن است و از او جز دشمنی برنمی آید. ترویج بی حجابی و بی بند و باری را فقط باید در راستای دشمنی او با اسلام و ایران و انحراف جوانان ارزیابی کرد.

مسئولان، مردم و بخصوص پدران و مادران نیز در این خصوص وظایف سنگینی دارند.

نباید از پرخاش گری و تمرد جوانان دل زده و ملول گردند، بلکه با زبانی لین، اخلاقی شایسته، شیوه ای اقناعی و از سر صدق و صفا آنان را توجیه کرده و به مسیر هدایت رهنمون سازند.

بدیهی است که زیربنای تربیت اسلامی باید از دوران طفولیت باشد تا در ذهن و جان او تثبیت شده و نهادینه گردد.

1- روزنامه جمهوری اسلامی، 18/10/68.

حجاب در نماز

سؤال: فلسفه اصلی حجاب حفظ خود در برابر نامحرمان است، با این وصف دلیل وجوب حجاب کامل در هنگام نماز، که هیچ نامحرمی حضور ندارد، چیست؟

پاسخ: این حکم هم مثل همه احکام الهی دارای حکمت و فلسفه خاص خود است، که توجه به آن جایگاه و اهمیت حجاب را روشن تر می سازد؛ از جمله اسرار و دلایلی که برای این دستور می توان برشمرد عبارتند از:

1. نوعی تعبد و اظهار خضوع و خشوع نسبت به دستورهای الهی؛

2. نوعی تمرین مستمر و منظم برای حجاب؛

3. تقدس بخشی به امر حجاب و پوشیدگی زنان؛

4. نوعی ادب و احترام به ساحت مقدس ربوبی توأم با سادگی و قناعت؛

5. عامل تمرکز و توجه بیشتر به مضمون نماز و پرهیز از اشتغالات ذهنی و بصری به رنگ ها و مدل های لباس و... .

ص: 194

فصل ششم:بهانه ها

اشاره

ص: 195

هیچ اتفاقی برایم نمی افتد

سؤال: هر چند ممکن است بی حجابی آسیب ها و خطرهایی داشته باشد، اما من مطمئن هستم برایم هیچ اتفاقی نمی افتد، پس چرا خود را مقیّد به حجاب نمایم؟

پاسخ: اولاً، حجاب دستور دینی و تکلیفی شرعی است و فلسفه آن تنها در مصونیت از خطرات شخصی خلاصه نمی شود.

ثانیاً، بی حجابی صرفاً یک مسئله شخصی نیست و آسیب های اجتماعی و خطراتی برای دین و دنیای دیگران نیز ایجاد می کند.

ثالثاً، اطمینان از عدم خطر، توهمی بیش نیست، چرا که هر عملی عکس العملی دارد و هر کنشی، واکنشی. اگر به آمار و اخبار مراجعه شود معلوم می گردد اتفاقاتی که با منشأ بی حجابی و بی عفتی می افتد آنقدر زیاد است که به هیچ وجه قابل انکار نیست. چه بسیار زنانی که به خاطر عدم رعایت پوشش شرعی و عدم پایبندی به متانت ظاهری به رسوایی و بی آبرویی کشیده شده اند و اکنون حسرت گذشتهٔ سیاه، سادگی، جهالت و لجبازی خود را می خورند.

یادمان باشد، بی حجابی زمینه را برای نگاه های هوس آلود مهیا کرده و اصولاً بی حجاب چشمان هرزه را به سوی خود فرامی خواند و از «نگاه» تا «گناه» هم راهی نیست.

تعمیم خطا

سؤال: با حجاب ها بد اخلاق هستند، تظاهر می کنند، ولی با پوشش و در زیر چادر انواع خلاف ها را انجام می دهند. چه ضرورتی دارد من هم دنباله رو آنها باشم؟

پاسخ: اولاً، در اینکه ممکن است برخی افراد خلاف کار... متظاهر و بداخلاق در بین خانم های بی حجاب وجود داشته باشد تردیدی نیست. طبیعی است که در بین هر قشری، انسان های خوب و بد وجود داشته باشند؛ هر چند انتظار می رود که موارد منفی به حداقل برسد. چرا که منظور اصلی از حجاب ایجاد فرهنگ عفیفانه در جامعه است؛ فرهنگی که براساس آن زنان پاکدامن باشند؛(1)در راه رفتن،(2)سخن گفتن،(3) نگاه کردن(4) و در همه موارد نیز موازین شرعی و اخلاقی را مراعات نمایند. در واقع دختران و بانوانی که در عین پوشیدگی، رفتار عفیفانه ندارند، از روح حجاب و فلسفه واقعی آن بهره ای نبرده اند.

ثانیاً، تعمیم موارد جزء به کل، کار درستی نیست. به فرض اگر بین خانم های باحجاب چند نفر هم وجود داشته باشند که رفتاری مغایر با روح حجاب دارند، آیا ما مجاز هستیم دایره تنفّر خود را به همه خانم های باحجاب و بدتر از آن به اصل حجاب، که حکمی

1- نور، آیه 30.
2- فرقان، آیه 60.
3- احزاب، آیه 32.
4- نور، آیه 38.

شرعی است، گسترش دهیم و با این بهانه خود را به گناه و معصیت و نکبت بی حجابی دچار کنیم! چرا نیمۀ پر لیوان را نبینیم؟ چرا چشم خود را از این همه دختر و بانوی وارسته، متین و موفّقی که در عین برخورداری از پوشش عفیفانه در فعالیت های علمی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی شرکت دارند ببندیم!

برادری و خواهری

سؤال: مگر اسلام دین برادری و خواهری نیست؟ ما هم مثل برادر و خواهران همدیگر هستیم، چرا این مقدار در رابطه با پوشش سخت می گیرید؟

پاسخ: دین اسلام واقعاً دین برادری و خواهری است، به همین خاطر همه موظف اند به همدیگر کمک کنند و به فکر یکدیگر باشند. از نظر اسلام مسلمانان مانند دندانه های شانه اند و سرنوشت هر کدام برای دیگری مهم است. یک مسلمان اگر ببیند برادر و خواهرش در انتخاب مسیر به خطا می رود، به حکم مسلمانی و به حکم برادر و خواهری، به او تذکر می دهد و سعی می کند او را از انحراف برهاند. در جامعه اسلامی، بیماری یک فرد، بیماری همه محسوب می شود.

بی حجابی و بی عفتی، بیماری مهلک و مسری است که اگر به موقع وبه هنگام مداوا و ریشه آ ن خشکانده نشود، خطرات و آسیب های آن دامنگیر همۀ برادران و خواهران می شود.

چنانکه ملاحظه شد برادری و خواهری آدابی دارد که باید به آن توجه شود. مضافاً این که در برادری و خواهری دینی صرف، محرمیت حاصل نمی شود تا بهانه ای شود برای کشف حجاب و بی بند و باری.

اسیر پول

سؤال: من پول دارم و به وسیله آن لباس ها و مدل های روز را می خرم و می پوشم و با آرایش روز بیرون می آیم، آیا اختیار پول خود را هم ندارم؟

پاسخ: اتفاقاً یکی از اسرار وجوب حجاب در اسلام ایجاد تعادل اجتماعی و آرامش روحی در جامعه است. حجاب پوششی است که لباس های زیرین را می پوشاند تا زشتی و زیبایی آن در پس پرده بماند؛ پول دار، فقیر، تحصیل کرده، بی سواد، بالا شهری، پایین شهری و... همه و همه در ورای حجاب انسانی دیده می شوند. اگر بنا باشد هر کس با اتکا به پول و ثروت هر کاری را که دلش خواست انجام دهد، جامعه دچار هرج و مرج می شود و سنگ روی سنگ بند نمی شود؛ همه باید خود را به موازین دینی و اصول قانونی مقیّد کنند و با پایبندی به آن زمینه را برای سلامت روحی و روانی فردی و اجتماعی مهیا کنند.

ص: 200

سؤال: مرا با تو در یک قبر نمی گذارند؛ عیسی به دین خود موسی به دین خود، شما چرا به خاطربی حجابی من و امثال من حرص می خورید؟

پاسخ: این مسئله درست است که هر کس در قبر خود دفن شده و باید پاسخ گوی اعمال و رفتار خویش باشد و در محکمه الهی حساب پس بدهد و هیچ کس، حتی نزدیک ترین فرد به انسان، در روز قیامت به فریاد او نمی رسد؛ به تعبیر قرآن کریم:

{ یَوْمَ لا یَنْفَعُ مالٌ وَ لا بَنُونَ }(1)

آنجا نه مال و ثروت سودمند است و نه اولاد و بستگان.

{ شَهِدَ عَلَیْهِمْ سَمْعُهُمْ وَ أَبْصارُهُمْ وَ جُلُودُهُمْ بِما کانُوا یَعْمَلُونَ}(2)

گوش، چشم و پوست انسان، علیه او دربارۀ اعمالی که انجام داده شهادت می دهند.

اما آیا اگر فردی از روی خیرخواهی و از باب تکلیف تذکری

اخلاقی مبنی بر رعایت حریم الهی و مراعات پوشش عفیفانه داد، کار نادرستی کرده است؟ مگر نه اینکه او براساس تکلیف دینی خویش امر به معروف و نهی از منکر نموده است. چه منکری بالاتر از برهنگی، بی حجابی و بی بند و باری، که همچون آتشی شعله ور

1- شعراء، آیه 88.
2- فصلت، آیه 20.

اخلاق عفت و حیاء و غیرت را در جامعه اسلامی می سوزاند و خاکستر می کند؟

ضرب المثل «عیسی به دین خود موسی به دین خود» با موازین دینی سازگاری ندارد، که اگر چنین بود دیگر نیازی به بعثت پیامبر اسلام(صلّی الله علیه و آله)و ابلاغ احکام الهی و تعیین قوانین اخلاقی اسلام نبود. در اسلام اگر کسی گناهی را ببیند و توان جلوگیری از آن را داشته باشد و اقدام نکند شریک جرم گنهکار محسوب می شود. گناه در جامعه اسلامی مانند بیماری مسری خطرناکی است که اگر از آن جلوگیری نشودبه سراسر جامعه سرایت کرده و همه را گرفتار خواهد نمود.

جامعه مانند یک خانواده بزرگ است و اگر بنا باشد در خانواده ای عیسی به دین خود باشد و موسی به دین خود، هر کس هر کار دلش خواست انجام دهد آیا این خانواده از هم گسیخته نخواهد شد؟!

احترام اختیاری

سؤال: مگر نمی گویید فلسفه حجاب احترام به شخصیت زن است، اگر کسی نخواهد احترامش کنند چه کند؟ ما نه حجاب را می خواهیم و نه احترامش را؟

پاسخ: اولاً، تکریم و حفظ شخصیت زن، یکی از آثار داشتن حجاب و پوشش اسلامی است، نه همه آن.

ثانیاً، اختیاری بودن احترام و تکریم شخصیت خود، دلیلی بر اختیاری بودن حجاب نیست، حجاب امری شرعی، اجتماعی است.

ثالثاً، آزادی فردی و خواسته شخص تا جایی اعتبار دارد که به حقوق دیگران لطمه ای وارد نکند؛ بی حجابی تعرض به حقوق فردی و اجتماعی دیگران است و مانند آتش سیار است که هر کجا رود آنجا را به آتش کشیده و شخصیت، اخلاق و اعتقاد مردم را به چالش می کشد.

رابعاً، میدان برای انتخاب وقتی مجاز است که منع شرعی نداشته باشد و شارع مقدس محدوده ای برای آن معین نکرده باشد. آیات و روایات بسیاری دال بر محدودیت پوشش در قالب و نوع و شکل خاصی است، که به مصلحت فرد و جامعه است و بی توجهی به آن مصونیت، امنیت، پاکی و سلامت فردی و اجتماعی را به خطر می اندازد.

رضایت اولیا

سؤال: من خودم صاحب دارم وپدر و مادرم نسبت به بی حجابی من رضایت دارند، دیگر به کسی چه ربطی دارد که من بی حجاب هستم؟!

پاسخ: اولاً، پدر و مادر در حیطه اختیارات خود می توانند تصمیم گیری کنند؛ رضایت و عدم رضایت آنها در محدودهٔ شرعی و اخلاقی نافذ نیست.مثل اینکه کسی نماز نخواند و روزه نگیرد و بگوید چون پدر و مادر رضایت ندارند من این دو واجب را ترک می کنم؟!

ثانیاً، جایی که اطاعت از پدر و مادر منجر به گناه و معصیت خداوند شود جایز نیست.

ثالثاً، پدر و مادر که نمی توانند به جای همه افراد جامعه تصمیم بگیرند. حجاب امری اجتماعی و رعایت آن حقی اجتماعی است.

رابعاً، پدرها و مادرها توجه داشته باشند که شرعاً در قبال دین دار کردن فرزندان خویش و تربیت دینی و اخلاقی آنان مسئول هستند و هر گونه کوتاهی در این خصوص، عواقب دنیوی و اخروی خطرناکی دارد.

رضایت شوهر

سؤال: با توجه به اینکه از نظر اسلام مرد سرپرست خانواده ورئیس زن است، آیا اگر او از بی حجابی زن خود ناراحتی نداشته و بدان رضایت دهد آیا باز هم گناهی متوجه زن می شود؟

پاسخ: حرام و حلال دو مقوله ثابت شرعی بوده و تا قیامت قابل تبدیل و تغییر نیست. کسی هم نمی تواند به بهانه های واهی حلالی را حرام و حرامی را حلال گرداند.

بی حجابی دهن کجی به مقدسات و زیر پا گذاشتن حکمی شرعی است و رضایت شوهر جز اینکه او را در این گناه شریک می گرداند اثری ندارد.

خانم های بی حجاب به این نکته توجه داشته باشند که، اگر جلوه گری و دل ربایی امروز آنان علاقه مردی را به همسرش کم کند

فردا زن زیبای دیگری با جلوه گری خویش شوهر وی را خواهد ربود و رونق زندگی آنان را کم خواهد کرد.(1)

حجاب حق خداوند است و حق خداوند چیزی نیست که دیگران بخواهند از آن صرف نظر کنند. به تعبیر فقیه بزرگوار آیت الله جوادی آملی:

حجاب زن مربوط به خود او نیست تا گفته شود ازحقّ خود صرف نظر کردم، حجاب زن مربوط به مرد نیست تا بگوید؛ من راضی به بی حجابی هستم، حجاب زن مربوط به خانواده نیست که اعضای خانواده به بی حجابی راضی باشند. حجاب حقی است الهی.

اگر همه اعضای خانواده؛ اعم از همسر، برادر، فرزند و ... راضی به بی حجابی باشند قرآن مجید راضی نخواهد بود، زیرا زن و حیثیت او حق خداست و خدا زن را مظهر احساس و عاطفه آفرید، نه مظهر بی عفتی و شهوت رانی.(2)

از ما بدتران

سؤال: وضعیت پوشش ما خوب است. این همه آدم وجود دارد که وضع آنها از ما بدتر است، چرا؟

1- بخشی از نامه حجۀ السلام والمسلمین قرائتی به دختران جوان .
2- زن در آیینه جلال و جمال، ص 437.

پاسخ: شما چرا به افراد بهتر از خود نگاه نمی کنید، چرا خیل بانوان و دختران با حیاء، عفیف و محجوب را الگوی خود قرار نمی دهید؟

چرا وضعیت پوشش خود را با دختران و زنان بی حجاب تر مقایسه کرده و به خود امتیاز می دهید؟ مبنای امتیاز دادن آموزش های دینی و احکام شرعی و الگوهای پذیرفته شده در اسلام است. خیر دنیا و آخرت انسان در اقتدا و پیروی نمودن از این انسان های متعالی و خود ساخته نهفته است. کسی که خود بی راهه می رود، قابلیت راهنمایی دیگران را ندارد.

صدا و سیما

سؤال: اگر بی حجابی ناپسند است پس چرا صدا و سیما فیلم ها و سریال هایی پخش می کند که به نوعی ترویج بی حجابی و شخصیت دادن به زنان بی حجاب یا کم حجاب است؟

پاسخ: اولاً، این اشکال به صدا و سیما به طور خاص و به سایر عرصه های هنری به طور عام وارد است که هنوز خود را با آموزش های دینی و اقتضائات شرعی تطبیق نداده اند. صدا و سیما، و در مجموع رسانه ها در نظام جمهوری اسلامی باید مقوّم و مروّج احکام اسلامی باشند، نه عاملی برای تضعیف آن.

ثانیاً، مگر شما مقلد صدا و سیما هستید! شما مسلمان هستید و براساس حکم شرع، مقلد مرجع تقلید جامع الشرائط. از نظر همه

مراجع معظم تقلید، حجاب امری واجب بوده و به عنوان ضروری دین به حساب می آید.

ثالثًا، مراجع معظم و همچنین مقام معظم رهبری - مد ظله العالی -بارها اعلام کرده اند که پخش یک برنامه یا طرح یک ایده از صدا و سیما، دلیلی بر حلیّت و مشروع بودن آن نیست.

ص: 207

فصل هفتم :فقه حجاب

اشاره

ص: 208

ص: 209

ص: 210

در این بخش پرسش و پاسخ های شرعی در خصوص حجاب طبق فتاوای حضرات آیات عظام امام خمینی، فاضل لنکرانی، تبریزی، بهجت5 خامنه ای، سیستانی، وحید خراسانی، نوری همدانی، مکارم شیرازی مد ظلهم، نقل می گردد. بر این اساس، در پاسخ هایی که نظرات اکثریت مراجع معظم فوق الاشاره مشترک بوده با تعبیر مراجع معظم مشخص شده و در صورتی که مرجع تقلیدی نظر دیگری داشته باشد. به طور مستقل بیان شده است.

سؤال: پوشش بدن برای زن چگونه باید باشد؟

پاسخ: مراجع معظم:

زن باید تمام بدن و موی خود (بجز گردی صورت و دست ها تا مچ) را دربرابر نامحرم بپوشاند.(1)

حضرت آیهالله صافی گلپایگانی:

زن باید تمام بدن و موی خود را در برابر نامحرم بپوشاند و بنابر احتیاط واجب، باید دست و صورت را نیز بپوشاند.(2)

1- پرسش ها و پاسخ های دانشجویی، ج 18، ص 97.
2- همان.

سؤال: آیا زیر چانه زن نیز باید از نامحرم پوشانده شود؟

پاسخ: مراجع معظم:

آری، زیر چانه جزء گردی چهره نیست و باید در برابر نامحرم پوشانده شود.(1)

حضرت آیهالله سیستانی:

آن قسمت از چانه و زیرچانه که در هنگام پوشش مقنعه به طور معمول پوشانده نمی شود حکم گردی صورت را دارد.(2)

سؤال: آیا بر زن لازم است در مقابل بچه نابالغ خود را بپوشاند؟

پاسخ: مراجع معظم:

اگر خوب و بد را می فهمد و احتمال می دهد که نگاهش به بدن زن موجب تحریک شهوتش بشود، بنا بر احتیاط واجب باید بدن و موی خود را از او بپوشاند.(3)

حضرت آیهالله بهجت:

اگر خوب و بد را می فهمد بنا بر احتیاط واجب باید بدن و موی خود را از او بپوشاند.(4)

1- همان.
2- همان.
3- همان، ص 98.
4- همان، ص 99-100.

حضرات آیات عظام، تبریزی و مکارم شیرازی:

خیر لازم نیست، ولی بهتر است بدن و موی خود را از پسری هم که خوب و بد را می فهمد بپوشاند.(1)

سؤال: از چه زمانی بر دختر رعایت حجاب واجب می شود؟

پاسخ: مراجع عظام:

هر وقت یکی از نشانه های بلوغ در دختر آشکار شود رعایت حجاب بر او واجب می گردد.

توضیح اینکه:

الف. نشانه های بلوغ در دختر سه چیز است:

1. روییدن موی درشت و خشن زیر شکم (بالای شرمگاه)

2. حیض دیدن.

3. تمام شدن نه سال قمری.

ب. از نظر حضرت آیهالله سیستانی نشانه بلوغ در دختر، تنها تمام شدن 9 سال قمری است.

سؤال: پدرم اصرار دارد که من بیش از حد معمول حجابم را رعایت کنم چه کنم؟

پاسخ: مراجع معظم: حجاب کامل زن در برابر نامحرم در محدوده شرعی واجب است و بیش از آن واجب نیست، اما سعی کنید پدرتان را آزرده خاطر نسازید.(2)

1- همان.
2- همان، ص 99-100.

سؤال: آیا پوشاندن پشت و روی پا در مقابل نامحرم واجب است؟

پاسخ: مراجع معظم:

آری، باید آن را از نامحرم بپوشاند.(1)

حضرت آیهالله مکارم شیرازی:

خیر واجب نیست، ولی بهتر است آن را بپوشاند. (2)

حضرت آیهالله تبریزی:

پوشاندن روی پا تا مچ بنابر احتیاط واجب است.(3)

سؤال: زنی که می داند به جهت چهره زیبایش مردان نامحرم به او نگاه می کنند چه وظیفه ای دارد؟ آیا پوشاندن چهره واجب است؟

پاسخ: مراجع معظم:

اگر باعث مفسده نشود، پوشاندن چهره واجب نیست، ولی مردان وظیفه دارند به او نگاه نکنند.(4)

حضرات آیات بهجت، تبریزی و وحید خراسانی: اگر باعث جلب توجه مرد نامحرم شود، بنابر احتیاط واجب باید چهره خود را بپوشاند.(5)

1- همان.
2- همان.
3- همان.
4- همان، ص 106و105.
5- همان، ص 106و105.

حضرت آیهالله صافی گلپایگانی:

باید چهره خود را در برابر نامحرم بپوشاند.(1)

سؤال: برای رعایت حجاب شرعی چادر بهتر است یا مانتو؟

پاسخ: مراجع معظم:

بی شک چادر به عنوان حجاب برتر، از ارزش والایی برخوردار است.(2)

سؤال: پوشیدن جوراب نازک چه حکمی دارد؟

پاسخ: مراجع معظم:

اگر ظاهر پا در آن پیدا باشد، پوشیدن آن(جوراب) جایز نیست.(3)

سؤال: پوشیدن مانتوهایی که برجستگی های بدن (مانند سینه و باسن) را نمایان می کند چگونه است؟

پاسخ: مراجع معظم: اگر باعث تهییج شهوت باشد جایز نیست.(4)

سؤال: پوشیدن کفش های صدا دار برای بانوان چه حکمی دارد؟

پاسخ: مراجع معظم:

اگر باعث جلب توجه مرد نامحرم و مفسده شود پوشیدن آن اشکال دارد.(5)

1- همان، ص 105و106.
2- همان.
3- همان.
4- همان.
5- همان.

سؤال: آیا پوشاندن کلاه گیس واجب است؟

پاسخ: مراجع معظم :

کلاه گیس هم باید از نامحرم پوشانده شود.(1)

سؤال: آیا نماز خواندن با چادر بدن نما صحیح است؟

پاسخ: مراجع معظم:

اگر چادر نازک و بدن نما باشد نماز با آن باطل است،

مگر آنکه زیر چادر پوشش کامل داشته باشد.(2)

سؤال: نماز خواندن با مانتو و روسری چه حکمی دارد؟

پاسخ: مراجع معظم:

اگر مقدار واجب پوشش و شرائط لباس نمازگزار رعایت شود اشکال ندارد؛ هر چند نماز با چادر برای رعایت پوشش در نماز آسان تر و بهتر است.(3)

سؤال: حکم گرفتن عکس بدون حجاب که ظاهر کنندۀ آن مرد نامحرم است چگونه است؟

پاسخ: مراجع معظم:

اگر ظاهر کننده او را نشناسد و باعث مفسده نیز نشود اشکال ندارد.(4)

1- . همان.
2- همان، ص 107.
3- همان، ص 67.
4- همان، ص67.

سؤال: پوشیدن لباس های بسیار تنگ(اندامی) در مجالس زنانه چه حکمی دارد؟

پاسخ: مراجع معظم:

اگر موجب تحریک یا مفسده باشد جایز نیست؟(1)

سؤال: استفاده از لباس یا مانتو یا چادر با رنگ های روشن چه حکمی دارد؟

پاسخ: اگر موجب جلب نظر نامحرم و یا محریک مفسده دیگری شود جایز نیست.(2)

سؤال: چنانچه نپوشاندن صورت و دست ها تا مچ فسادی برای زن در جامعه به بار آورد آیا پوشاند آن واجب می شود یا نه؟

پاسخ: امام خمینی(رحمه الله): در فرض سؤال واجب است.(3)

سؤال: حکم سر کردن چادرهای براق برای بانوان چیست؟

پاسخ: مقام معظم رهبری:

اشکال ندارد مگر آنکه به صورتی باشد که جلب نظر نامحرم نماید و زن با سر کردن آن در میان نامحرمان انگشت نما گردد.(4)

سؤال: پوشیدن چادرهایی که مو یا سایه دست ها از پشت آن نمایان است چه حکمی دارد؟

1- استفتائات و تحقیقات واحد پاسخ به سؤالات جامعۀ الزهرا.
2- عطر عفاف، ص 231.
3- توضیح المسائل مراجع، ج 2 ص 676.
4- بهشت خانواده، ص 297.

پاسخ: حضرات امام، گلپایگانی و اراکی رحمه الله:

پوشیدن اینگونه چادرها جایز نیست. بخصوص اگر در منزل نامحرمی هست باید از پوشیدن این گونه چادرها خودداری کنند.(1)

سؤال: بیرون گذاشتن موهای سر از چادر و مقنعه در انظار عمومی چه حکمی دارد؟

پاسخ: مراجع معظم: حرام است.(2)

سؤال: آیا زن در انتخاب پوشش باید تابع شوهرش باشد؟

پاسخ: مراجع معظم:

خیر اطاعت زن از شوهر تنها در حقوق زناشویی و بیرون رفتن از منزل است و در امور دیگر اطاعت از او واجب نیست.(3)

سؤال: وظیفه مردم در قبال بدحجابی و مفاسد موجود در جامعه چیست؟

پاسخ: مراجع معظم:

وظیفه هر فردی امر به معروف و نهی از منکر است، ولی بایدبه شرایط و مراتب آن توجه داشته باشد.(4)

1- همان.
2- همان، ص 298.
3- رساله دانشجویی، ص 241.
4- همان، ص 251.

سؤال: آیا در مقدار پوشش کامل شرعی بین نامحرمان دور و نامحرمان فامیل تفاوتی وجود دارد؟

پاسخ: حجاب و پوشش کامل در برابر نامحرمان واجب است؛ خواه نامحرم از بستگان او باشد و خواه از غیر بستگان.(1)

سؤال: برخی از مادران، دختران خود را که به حد بلوغ شرعی نرسیده اند با سر و پای برهنه در خیابان ها و مجالس در حضور نامحرمان می آورند و بهانه آنها هم این است که هنوز به سن تکلیف نرسیده اند، آیا این کار صحیح است؟

پاسخ: حضرت آیهالله مکارم شیرازی:

بر پدر و مادر لازم است که فرزندان خود را با مسائل اسلامی از زمان طفولیت آشنا کنند.(2)

حضرت آیهالله العظمی تبریزی:

حجاب بر دختران نابالغ واجب نیست، لکن وظیفه والدین است که دخترانشان را به حجاب اسلامی عادت دهند.(3)

حضرت آیهالله العظمی بهجت(ره):

تمرین اطفال به وظایف شرعی به عهده والدین است .(4)

1- مردم و برداشتهای احکام، ص 74.
2- مسائل جدید، ص18.
3- همان، ص 18.
4- همان، ص18 .

حضرت آیهالله العظمی سیستانی:

به غیر بالغ حجاب واجب نیست، ولی بر پدر و مادر لازم است که فرزندان خود را به رعایت آداب و شؤون اسلامی وادار نمایند.(1)

سؤال: آیا حجاب از ضروریات دین است؟ حکم کسانی که به آن بی اعتنایی می کنند چیست؟

پاسخ: حضرت آیهالله العظمی خامنه ای:

اصل حجاب ضروری دین محسوب است و بی اعتنایی به اصل حجاب و عدم رعایت آن معصیت و گناه است.

حضرت آیهالله العظمی صافی گلپایگانی:

اصل وجوب حجاب فی الجمله از ضروریات اسلام است و منکر آن مرتد است، ولی بی اعتنایی به آن با عدم انکار وجوب آن فسق است.

حضرت آیهالله العظمی تبریزی:

اصل حجاب برای زنان از ضروریات دین است و حکم کسانی که به آن بی اعتنایی نمایند حکم بی اعتنایی به سایر تکالیف دین است.

حضرت آیهالله العظمی سیستانی:

اصل حجاب از مسلمات شریعت است و در قرآن آمده است، ولی کسانی که توجه به وضوح آن ندارند، انکار

1- همان، ص 18.

آنها مستلزم انکار نبوت نیست و بی اعتنایی عملی گناه است.

حضرت آیهالله العظمی مکارم شیرازی:

آری حجاب از ضروریات دین است، ولی انکار آن برای کسانی که از ضروری بودن آن آگاهی ندارند موجب ارتداد نمی شود.

حضرت آیهالله العظمی بهجت(ره):

بی اعتنایی به حجاب گناه است و داشتن حجاب واجب است.(1)

1- مسائل جدید، ج1، ص 29.

فهرست منابع

قرآن کریم

1. آثار الصادقین

2. الاحتجاج، طبرسی.

3. اخلاق و رفتارهای جنسی / یوسف غلامی.

4. اروپایی ها و لباس ایرانیان.

5. استفتائات حضرت آیهالله خامنه ای.

6. اسلام مجسم و علمای بزرگ اسلام، ج اول.

7. أمالی الصدوق.

8. انقلاب الحزایری.

9. بحار الأنوار، ج 75.

10. بهشت جوانان / اسدالله محمدی نیا/ نصایح.

11. بهشت خانواده.

12. پرسش ها و پاسخ های دانشجویی.

13. پوشش از دیدگاه پیامبر اعظم(صلّی الله علیه و آله)/ مریم معین الاسلام / مرکز پژوهشهای صدا و

سیما/

14. تأثیر، عوامل اجتماعی بر نحوه پوشش اجتماعی دختران دبیرستانی در تهران (پایان نامه)، فاطمه شمس عفیف آبادی.

15. تاریخ پوشاک اقوام ایرانی.

16. تاریخ تمدن، ج2.

17. تحف العقول عن آل الرسول.

18. التحقیق فی کلمات القرآن.

19. تغییر لباس و کشف حجاب به روایت اسناد.

20. جامع السعادات، ج 1.

21. حجاب، آزادی یا اسارت،.

ص: 222

22. حجاب، شهید سید رضا پاک نژاد.

23. حکایت کشف حجاب، ج1.

24. الحکم الزاهره، ترجمه انصاری.

25. خاطرات سیاسی مستمر همفر.

26. الدرالمنثور، ج 6.

27. راز یک فریب،.

28. رساله امام خمینی (رحمه الله).

29. رساله دانشجویی.

30. رساله مراجع .

31. روان شناسی جنسی .

32. روح بشر.

33. روزنامه جمهوری اسلامی، 18/10/68.

34. زن در آیینه جلال و جمال،.

35. سنن ابی داوود، ج 4.

36. صحیح مسلم، ج 14.

37. عطر عفاف / ناهید طیبی / جامعه الزهرا .

38. فراسوی حجاب / دکتر بهجت یزد خواستی، دکتر ماری کلود/ سازمان تبلیغات اسلامی.

39. فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی / غلامعلی حداد عادل / سروش.

40. فروع کافی، ج 5.

41. فمنیسم در آمریکا.

42. الکشاف، ج 1.

43. کشف الاسرار،. وعده الابرار، المیبدی، ابوالفضل رشیدالدین- به اهتمام علی اصغر حکمت، چاپ پنجم 1371، تهران.

44. کلید دانش.

45. کنز العمال، ج 1.

46. لسان العرب، ابن منظور، ج1، ابن منظور، قم نشر ادب حوزه، 1405 ه.

47. مجمع البحرین، ج 2.

48. مجمع البیان، طبرسی، ج7، الطبرسی، ابوعلی الفضل بن الحسن- احمد بهشتی، تهران – مؤسسه انتشاراتی فراهانی- چاپ اول1/3/1350.

49. مجموعه آثار، ج19. مطهری، مرتضی، تهران: قم: صدرا؛ 1386 چاپ سوم.

50. محجه البیضاء ج 5.

51. مردم و برداشتهای احکام،.

52. مسئله حجاب / شهید مطهری/ صدرا.

53. مسائل جدید.

54. مستدرک الوسائل، ج 14.

55. مشکاه الأنوار؛ تحقیق مهدی هوشمند، قم، دارالحدیث،1418 ه.

56. مقدمه ای بر روانشناسی زن.

57. مکارم الأخلاق، ص116.

58. من لا یحضره الفقیه، ج 3، ج 4.

59. میزان الحکمه، ج 2، ج 3.

60. نامه ای به یک دختر / هادی دوست محمدی/ سازمان تبلیغات اسلامی.

61. نشریه 19 دی، شماره 905.

62. نشریه فرهنگ پویا/ شماره 10 / دفتر پژوهشهای فرهنگی.

63. نشریه فقه، شماره 51-50؟ کاوشی نو در فقه اسلامی- سال 1385- صاحب امتیاز- دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

64. نقش اسلام در برابر غرب.

65. نگاه و پوشش / سید مجتبی حسینی/ نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها و ... .

66. نهج الفصاحه، یابنده، ابوالقاسم- چاپ شانزدهم 1361- انتشارات جاویدان

67. وسایل ارتباط جمعی و تغییر ارزش های اجتماعی، فرامرز رفیع پور.

68. وسایل الشیعه، ج 1.

69. ینابیع الحکمه، ج 4.

70. یاران، سال نهم.

71. دختر ها، پندها و هشدارها/ محمود اکبری / گلستان ادب.

درباره مرکز

بسمه تعالی
هَلْ يَسْتَوِی الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ
آیا کسانی که میدانند و کسانی که نمیدانند یکسانند ؟
سوره زمر/ 9

مقدمه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال 1385 هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:
1.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
2.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
3.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...
4.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
5.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
6.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:
1.عمل بر مبنای مجوز های قانونی
2.ارتباط با مراکز هم سو
3.پرهیز از موازی کاری
4.صرفا ارائه محتوای علمی
5.ذکر منابع نشر
بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :
1.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه
2.برگزاری مسابقات کتابخوانی
3.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...
4.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...
5.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com
6.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...
7.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی
8.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...
9.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)
10.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)
11. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در 8 فرمت جهانی:
JAVA.1
ANDROID.2
EPUB.3
CHM.4
PDF.5
HTML.6
CHM.7
GHB.8
و 4 عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :
ANDROID.1
IOS.2

WINDOWS PHONE.3
WINDOWS.4
به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .
درپایان :
از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک 129/34- طبقه اول
وب سایت: www.ghbook.ir
ایمیل: Info@ghbook.ir
تلفن دفتر مرکزی: 03134490125
دفتر تهران: 88318722 ـ 021
بازرگانی و فروش: 09132000109
امور کاربران: 09132000109